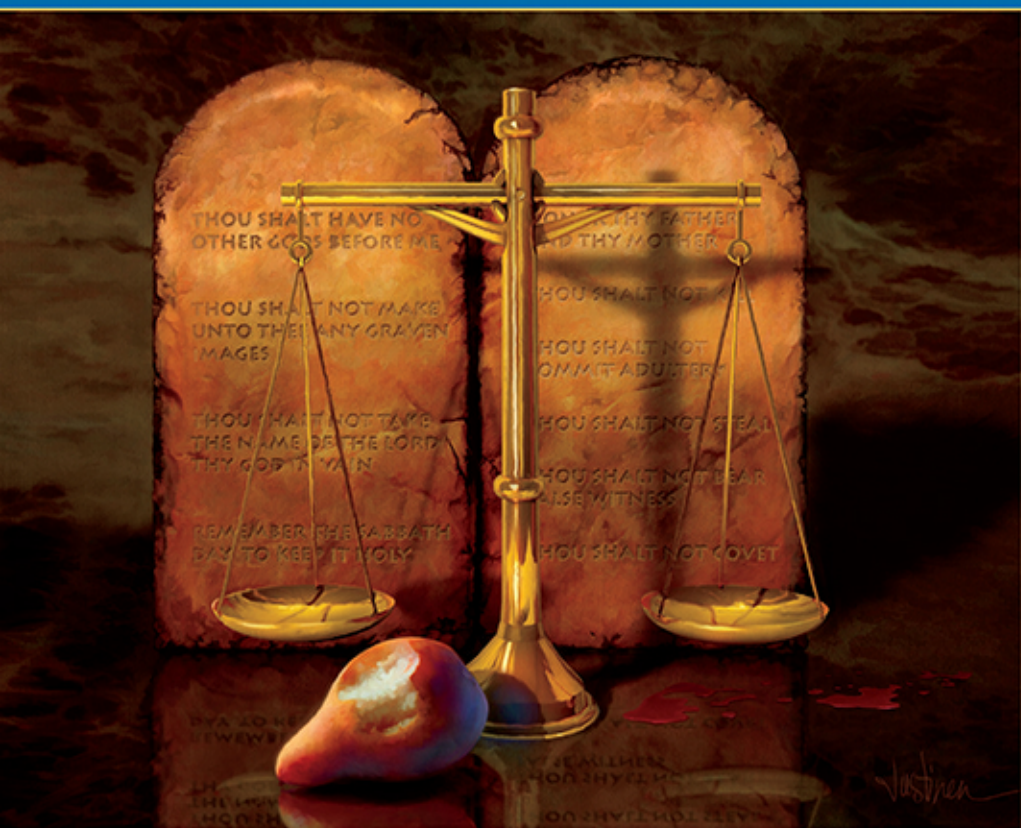


راهنمای مطالعه کتاب مقدس

سه ماهه اول ۲۰۱۶ | ژانویه، فوریه، مارس

شورش و نجات



فهرست مطالب

مقدمه

۱. بحران در آسمان — ۲۶ دسامبر - ۱ ژانویه ۶
۲. بحران در باغ عدن — ۲ الی ۸ ژانویه ۱۴
۳. سرکشی جهانی و شیوخ — ۹ الی ۱۵ ژانویه ۲۲
۴. کشمکش و بحران: داوران — ۱۶ الی ۲۲ ژانویه ۳۰
۵. نبرد ادامه دارد — ۲۳ الی ۲۹ ژانویه ۳۸
۶. پیروزی در بیابان — ۳۰ ژانویه - ۵ فوریه ۴۶
۷. تعلیم عیسی و نبرد بزرگ — ۶ الی ۱۲ فوریه ۵۴
۸. هم خدمتان در نبرد — ۱۳ الی ۱۹ فوریه ۶۲
۹. نبرد بزرگ و کلیسای اولیه — ۲۰ الی ۲۶ فوریه ۷۰
۱۰. پولس و طغیان — ۲۷ فوریه - ۴ مارس ۷۸
۱۱. پطرس در مورد نبرد بزرگ — ۵ الی ۱۱ مارس ۸۶
۱۲. کلیسای مبارز — ۱۲ الی ۱۸ مارس ۹۴
۱۳. نجات — ۱۹ الی ۲۵ مارس ۱۰۲

Editorial Office: 12501 Old Columbia Pike, Silver Spring, MD 20904

Come visit us at our Web site: <http://www.absg.adventist.org>

Principal Contributor

Martin Pröbstle

Co-contributor

Steven Thompson

Editor

Clifford R. Goldstein

Associate Editor

Soraya Homayouni

Publication Manager

Lea Alexander Greve

Editorial Assistant

Sharon Thomas-Crews

Pacific Press® Coordinator

Wendy Marcum

Art Director and Illustrator

Lars Justinen

Design

Justinen Creative Group

Middle East and North Africa Union

Publishing Coordinator

Michael Eckert

Translation to Persian

Morteza Nasiri

Persian Layout and Design

Marisa Ferreira and Olivia Adel



Sabbath School
Personal Ministries

مجمع عمومی ادونتیستهای روز هفتم* حق نشر و چاپ محفوظ است. هیچ بخش از راهنمای مطالعه کتاب مقدس برای مدرسه سبت بزرگسالان (ویرایش استاندارد) ممکن نیست توسط شخص یا نهادی بدون اجازه کتبی از مجمع عمومی ادونتیستهای روز هفتم* مورد اصلاح و استفاده، ترجمه، تکثیر یا انتشار قرار بگیرد. دفاتر بخش های مجمع عمومی ادونتیستهای روز هفتم* مجاز هستند تا مسئله ترجمه راهنمای مطالعه کتاب مقدس برای مدرسه سبت بزرگسالان را تحت راهنمایی ویژه سازمان ترتیب دهند. حق چاپ و انتشار این ترجمه ها با مجمع عمومی باقی می ماند. «ادونتیستهای روز هفتم»، «ادونتیستها» و نشان تجاری مجمع عمومی ادونتیستهای روز هفتم ثبت شده است و بدون اجازه قبلی از مجمع عمومی امکان استفاده از آنها ممنوع است. راهنمای مطالعه کتاب مقدس برای مدرسه سبت بزرگسالان توسط دفتر راهنمای مطالعات کتاب مقدس بزرگسالان در مجمع عام ادونتیستهای روز هفتم* آماده شده است. تهیه راهنماها تحت نظارت عمومی هیئت انتشارات مدرسه سبت است که یک کمیته فرعی از کمیته اداری مجمع عام است (ADCOM) که ناشر راهنماهای مطالعه کتاب مقدس است. راهنمای منتشر شده منعکس کننده همکاری کمیته ارزشیابی جهانی است و تأیید شده توسط هیئت انتشارات مدرسه سبت است و منحصر آ نشان دهنده نیت نویسنده یا نویسندگان نیست.

شورش و نجات

به گونه ای و دقیقاً نمی دانیم چرا، گناه در آفرینش کامل و بی نقص خدا روی داد و گناه نقطه شروع چیزی شد که به نام «نبرد بزرگ» می شناسیم. ولی به یک مورد هم خیلی خوب آگاهیم: به عنوان انسان در میان این مجادله درگیر شده ایم. نبردی است که هیچ کدام ما از آن رهایی نداریم.

ولی قرار نبود به این شکل باشد، نه در آغاز. آفرینش توسط خدا «بسیار نیکو» و مبارک بود. هرچند که خدا به عنوان حامی این آفرینش بی نقص شناخته شده بود، به آدم و حوا وظیفه ای داد تا از آنچه او برای ایشان ساخته بود مراقبت کنند. نبرد بزرگ وقتی به زمین آمد که شیطان با چاپلوسی و حقه تبعیت آدم و حوا از خدا را به سمت خودش معطوف کرد. اگر آنها به آنچه خدا به ایشان گفته بود وفادار مانده بودند و اگر دستورات ساده خدا را اطاعت کرده بودند دنیا همانطور که ما می شناسیمش، با همه پستی ها، رنج ها و مشقت هایش هرگز بر نمی خاست.

«تلاش های شیطان برای این که سیرت خدا را بد جلوه دهد تا موجب شود انسان به درک اشتباهی از خالق دل ببندد و به این ترتیب او را به جای محبت، با دیده ترس و نفرت بنگرد، تلاش های او برای کنار گذاشتن شریعت الهی، سوق دادن مردم به این تفکر که از الزامات احکام آزاد هستند؛ و جفا رساندن به کسانی که با جرأت در مقابل فریب های او مقاومت می کنند، مُصرانه در تمامی اعصار پیگیری شده اند. رد پای آنها را می توان در تاریخ شیوخ، انبیاء، رسولان، شهدا و اصلاح طلبان پیگیری کرد.» - الن جی هوایت، نبرد بزرگ، صفحه ۱۲ و ۱۳.

در پاسخ به این فاجعه، خدا، کسی که همه این اتفاقات را «قبل از بوجود آوردن جهان» پیش بینی کرده بود (رساله به افسسیان فصل ۱ آیه ۴)، نقشه نجاتش را برقرار

کرد. این چیزی است که به نام نقشه نجات می شناسیم. این نجات در گزارش ملاقات خدا با ابرام در پیدایش فصل ۱۵ از پیش نشان داده شده است، وقتی که از میان قطعه های جسد قربانی حیوانات عبور کرد. آن آئین باستانی اطمینانی برای ابرام بود؛ و بنابراین برای همه ما که خود خدا در تهیه راه حلی برای مشکلی که بواسطه گناه ایجاد شده بود، درگیر است.

آری، خدا تعهد و التزام داشته است تمام مسئولیت کامل را خود بر دوش بکشد برای تمام سرکشی انسان و تحمل رنج تأثیرات هر شرارتی که مرتکب شده ایم. تنها در این صورت خدا توانست ارتباطش با نسل انسان، ارتباط بین انسان ها و ارتباط نوع بشر همراه با بقیه خلقت را حفظ کند.

در این متن مشتمل بر کل است که شهوت ارضاء ناپذیر شیطان برای مسخ کردن آفرینش و از بین بردن قوم خدا را می بینیم. راهبردهایش در کتاب مقدس، جایی که نیک و شر بین خواهر و برادرها، در خانواده و قوم های محاصره شده نقش بازی می کند به نظر می رسد: در زمان های جور و بیداد، خشکسالی، برده داری و تبعید، در تقلای بیهوده برای نوسازی بعد از ویرانی، در وفاداری های از هم گسیخته و در فریب عادات های بت پرستی.

در سرتاسر کتاب مقدس خدا دائماً خواسته های شیطان را شکست می دهد. عیسی به عنوان عمانوئیل «خدا با ماست» آمد و قلمرو دزدیده شده از آدم و حوا را بدست آورد. عیسی در جایی که آدم شکست خورد کامیاب گشت. در خدمت اش نفوذ خود را در آفرینش و در نیروهای شر نمایش داد دقیقاً پیش از بازگشتش به آسمان او پیروانش را دوباره منصوب کرد و در پنطیکاست (عید پنجاهه) ایشان را قدرت داد تا مرزهای پادشاهی آسمان را وسعت ببخشند.

عیسی پیروزی قطعی را در صلیب بدست آورده است. چالش همیشه آیا در جایی بوده است که صداقت هایمان را بکار می گیریم جایی که پیروز شده است و یا در سویی که شکست خورده است. در حالی که انتخاب باید ساده و مشهود باشد، چرا که نبرد هنوز شدت دارد و نیرنگ ها هنوز وجود دارند، نبرد برای قلب ها و ذهن هایمان ادامه دارد. امید و دعاهایمان این است که این درس های سه ماهه بعضی از این نیرنگها را فاش خواهد کرد و بدین گونه به ما کمک خواهند کرد که نه تنها مسیح را انتخاب کنیم بلکه در او باقی بمانیم. همانطور که او وعده داده است، هر که تا انتها تاب آورد نجات یابد. (متی فصل ۲۴ آیه ۱۳).

دیوید تسکر، دبیر بخش جنوبی پاسیفیک، دارای دکترای در عهد عتیق است و کشیش کلیسا در وطنش زلاند جدید، رئیس میسیون در جزایر سلیمان و مدرس مطالعات کتاب مقدس در دانشگاه ادونتیست (پاپوا گینه نو) و موسسه بین المللی ادونتیست مطالعات عالی (فیلیپین) بوده است. او و همسرش کارول دارای دو پسر متأهل (ناتان و استفان) و سه نوه هستند.

بحران در آسمان



بعد از ظهر شنبه

برای مطالعه این هفته: اشعیا فصل ۱۴ آیه ۴، فصل ۱۲ آیه ۱۵؛ حزقیال فصل ۲۸ آیه ۲، فصل ۱۲ آیه ۱۹؛ یوحنا فصل ۱۲ آیه ۳۱؛ مکاشفه یوحنا فصل ۱۲ آیه ۷ الی ۱۶؛ لوقا فصل ۱۰ آیه ۱ الی ۲۱ را بخوانید.

آیه حفظی: آنان به بانگ بلند ندا در دادند که: «نجات از آن خدای ماست که بر تخت نشسته؛ و از آن بره است.» (مکاشفه فصل ۷ آیه ۱۰).

«**قانون** محبت پایه و اساس حکومت خداست، شادی همه موجودات هوشمند به سازگاری بی نقص با اصول عظیم عدالت اش بستگی دارد. خدا از همه مخلوقاتش خدمت محبت را می خواهد که از قدردانی سیرتش سرچشمه می گیرد. او از اطاعت اجباری لذتی نمی برد؛ و به همه آزادی اراده اعطاء می کند، تا خدمت داوطلبانه به او ارائه دهند.» - الن جی هوایت، کتاب شیوخ و انبیاء، صفحه ۷.

تا وقتی که همه مخلوقات تابعیت محبت را صحه می گذاشتند، در تمام جهان هستی هماهنگی بی نقصی وجود داشت. به خاطر یک شورش همه چیز تغییر کرد. زهره (شیطان) فکر کرد که می توانست کار بهتری از آنچه خدا انجام داد انجام بدهد. او مقام خدا و اعتباری که همراهش بود را می خواست. شهوت او برای قدرت به «جنگی در آسمان» منتهی شد. (مکاشفه یوحنا فصل ۱۲ آیه ۷). با حيله زدن به آدم و حوا در درخت ممنوعه و در باغ عدن، شیطان آن جنگ را به زمین آورد و ما همچنان با نتایجش زندگی می کنیم. نقشه نجات روش خدا برای معامله با سرکشی و برقراری هماهنگی و نظمی است که شیطان آن را از هم گسیخته است.

*درس این هفته را برای آمادگی روز شنبه، ۲ ژانویه بخوانید.

سقوط در آسمان

اشعیا فصل ۱۴ آیه ۴ و فصل ۱۲ الی ۱۵ را بخوانید. چه توصیفاتی از پادشاه بابل نشان می دهد که او درباه کسی صحبت می کند که خیلی بزرگتر از حاکم صرف بشری است؟

هیچ پادشاه زمینی از آسمان نازل نشده است، حقیقتی که فصل های ۱۲ تا ۱۵ ارائه می کنند بر روی کسی متمرکز است که از پادشاه بزرگتر است، حتی از پادشاه بابل. گذشته از این، تصاویر صعود کردن به آسمان، از بودن در مرتبه ای بالاتر از فرشتگان و ریاست بر اجتماع بر بالای کوه در دورترین نقطه شمال، همگی به عنوان تشریح الوهیت در خاور باستان شناخته شده اند. جاه طلبی های شیطان بصورت واضح اینجا در این گونه نبوت «دو جهتی» در معرض دید هستند.

عیسی روش مشابهی در توصیفش از ویرانی اورشلیم استفاده می کند. (متی فصل ۲۴). گرچه حواریون درباره ویرانی معبد می پرسند، درجوابش، عیسی هر دو ویرانی اورشلیم توسط رومی ها در سال ۷۰ پس از میلاد و واقعیت بزرگتر پایان جهان را توضیح می دهد. به همین شکل، اشعیا ویژگی های پادشاهی زمینی را تشریح می کند اما همه را به چیزی باشکوه تر و بزرگتر از فقط یک پادشاهی صرف بشری بکار می برد.

حزقیال فصل ۲۸ آیه ۲، فصل ۱۲ تا ۱۹ را بخوانید. در اینجا شیطان چگونه نمایش داده شده است؟

حزقیال فصل ۲۸ آیه ۱۳ یک موجود کامل را در «باغ خدا» توصیف می کند، همان که با انواع سنگ های گرانها تزئین شده بود که بعدها بر روی لوحه ی سینه کاهن اعظم پیدا می شد همان موجودی که چون کروبی نگهبان تخت خدا به مأموریت گماشته شده بود. یک موجود کامل به هر حال به دلیل «زیبایی اش» خود را فاسد کرد.

با استفاده از تشبیهات انسانی، این نگاه های اجمالی به ما اجازه می دهد که واقعیت های الهی را درک کنیم. انبیاء برای توضیح موردی که خود ممکن است فهم آن برایمان بسیار دشوارتر باشد چیزی را به کار می گیرند که نزدیک و در سادگی قابل فهم تر است. درک آنچه در آسمان اتفاق می افتد ممکن است برایمان در زمین دشوار باشد، اما همه ما قادر به فهم تأثیرات خشن و ویرانگر بلند پروازی های سیاسی حاکمان زمینی هستیم. اشعیا و حزقیال به ما بینش در تغییر غیرقابل توضیح، در نقطه ای از تاریخ، زمانی که همه چیز در نظم امور خدا زیبا و بی نقص بود و توسط جاه طلبی ویرانگر صدمه دید می دهند.

اگر موجودی بی نقص توسط خدایی بی نقص، در محیطی بی نقص آفریده شد، می توانست خود را به خاطر غرور فاسد کند؟ چه می باید به ما موجودات ساقط در گناه درباره اینکه چقدر این تمایل نابودکننده است بگوید؟

دوشنبه

۲۸ دسامبر

شاهزاده این جهان

یوحنا فصل ۱۲ آیه ۳۱، فصل ۱۴ آیه ۳۰ و فصل ۱۶ آیه ۱۱ را بخوانید. چرا عیسی شیطان را شاهزاده این جهان قلمداد می کند؟

وقتی خدا در ابتدا آدم و حوا را در باغ عدن قرار داد، مدیریت باغ (پیدایش فصل ۲ آیه ۸ تا ۱۵) و مراقبت از تمام موجودات در آب ها، آسمان ها و بر روی زمین را به ایشان واگذار کرد. (پیدایش فصل ۱ آیه ۲۶ تا ۲۸). وقتی آدم همه حیوانات را نام گذاری کرد، مباشر بودن خود را با آنها نمایش داد. معمولاً کسی با اختیار بر چیزی می تواند برای آن نام بگذارد؛ بنابراین آدم با اسم گذاردن بر روی همه مخلوقات، داشت نقش خود را به عنوان حاکم جهان نشان می داد.

زمانی که آدم حق مالکیت خود را از دست داد، شیطان به سرعت خلاء را پر کرد. قسمتی از استقرار مجدد نسل بشر که توسط قربانی شدن مسیح در جلجتا امکان پذیر شد، زمانی خواهد بود که نجات یافتگان مزیت حاکمیت آدم و حوا همراه با خدا را به عنوان «پادشاهان و کاهنان» تا ابد داده شوند. (مکاشفه فصل ۱ آیه ۶، فصل ۵ آیه ۱۰).

فصل های ابتدایی کتاب ایوب برای مان آشکار می کند که زیان آدم چقدر وسیع بوده است. همچنان که نگاهی اجمالی به اتاق تخت پادشاهی کائنات داده می شود، می توانیم همچنین ببینیم که چقدر نسل بشر از زمان سقوطش تابع طبیعت شده است.

ایوب فصل ۱ آیه های ۶ و ۷ و فصل ۲ آیه های ۱ و ۲ را بخوانید. چرا شیطان خود را به مجلس پسران خدا به عنوان کسی معرفی می کند که روی زمین پس و پیش می رود؟

«در تردد بودن» یا «سیر کردن» فقط کار یک جهانگرد نیست. در کتب مقدس نشانه مالکیت است. وقتی خدا سرزمین را به ابراهیم داد، به او گفت که در طول و عرض آن راه برود (پیدایش فصل ۱۳ آیه ۱۷)؛ و به همین شکل به موسی و یوشع (یوشع فصل ۱ آیه ۳ و کتاب تثئیه فصل ۱۱ آیه ۲۴). شیطان در مفهومی خویش را به عنوان «خدای این جهان» جلوه می دهد. (رساله دوم به قرنثیان فصل ۴ آیه ۴) معرفی شیطان در دو فصل ابتدایی ایوب متوازی است با آنچه در فصل سوم پیدایش اتفاق افتاده است. شیطان مصیبت را در بهشت بنیان می نهد و پشت سرش قربانیان بشری را در عذاب کشیدن از آن رها می کند.

چه شواهدی از کارهای شیطان در این جهان را می توانیم ببینیم؟ چطور می توانید از این وعده که یک روز همه این آشفتگی ها به اتمام خواهند رسید امید دریافت کنید؟

۲۹ دسامبر

سه شنبه

جنگ در آسمان

می دانیم که معنی جنگ در آسمان چیست؛ می دانیم که چه نوع نبردهای فیزیکی انجام شد به غیر از بیرون راندن شیطان و فرستگانش از آسمان. واقعیت این است که، کتاب مقدس درباره عواقب فیزیکی این کشمکش آسمانی چیزی نمی گوید. در عوض راجع به نتایج روحانی بر روی زمین بحث می کند.

مکاشفه فصل ۱۲ آیه ۷ الی ۱۶ را بخوانید. این قسمت درباره نبرد بزرگ که آسمان و سپس زمین را تحت تأثیر قرار داد چه می گوید؟

روش مثبتی که یوحنا درباره جریان داشتن نبرد بین «مدعی برادران ما» و غلبه کنندگان صحبت می کند را در نظر بگیرید. او این نبرد را به رستگاری و آمدن ملکوت خدا ارتباط می دهد. (مکاشفه فصل ۱۲ آیه ۱۰ و ۱۱). این موضوع مثبت در سرتاسر فصل تأیید می شود و جنبه مهمی از نبرد بزرگ می باشد.

حیاتی است که ما به سرتاسر زمینه فصل ۱۲ متمرکز شدیم. سه تهدید بزرگ آنجا تشریح شده است، اما هر کدام با یک رهایی باورنکردنی ادامه پیدا می کند. در رؤیای دراماتیک، یوحنا کشمکش بین مسیح و شیطان را نمایش می دهد و اینکه چطور کاملاً غیر متعادل بنظر می رسد.

به عنوان مثال، یک اژدهای بزرگ قرمز (شیطان، مکاشفه فصل ۱۲ آیه ۹) آماده خوردن نوزادی (عیسی) می شود که در حال بدنیا آمدن است. چطور نوزاد می تواند از آن نجات یابد؟ اما می یابد و به تخت پادشاهی خدا ر بوده می شود. سپس اژدها کوشش می کند که مادر (رمز قوم خدا؛ مکاشفه فصل ۱۲ آیه ۱۳) را شکنجه و آزار دهد؛ مادری که به تازگی نوزادی را به دنیا آورده چقدر می تواند از خودش در مقابل اژدها دفاع کند؟ ولی او نیز بصورت معجزه آسا از این مخمصه نجات می یابد. (آیه ۱۴).

در سوء قصد سوم برای از بین بردن منتخب خدا، اژدها سیلی را در پی زن جاری می سازد (آیه ۱۵). زنی در مقابل سیل؟ اما دوباره، خدا دخالت می کند و او را نجات می دهد. (آیه ۱۶).

و حالا اژدها توجهش را به باقی مانده نسل زن معطوف می کند. او بسیار خشمگین است و بر علیه آنها می جنگد. تاریخ روشن و واضح نشان می دهد که قوم خدا مورد تعقیب، ظلم و ستم و شکنجه و آزار در طی سالها قرار گرفته اند. همچنین غالباً عدم امکان تلاش را می بینیم و در تعجب هستیم که چطور ایمان داران نجات خواهند یافت، فراموش می کنیم که داستان در آنجا ختم نمی شود. این داستان در مکاشفه فصل ۱۴ ادامه می یابد، جایی که ایمان داران پیش تخت پادشاهی خدا ایستاده اند؛ بدین گونه ایشان نیز نجات یافته اند.

گهگاه وقتی شما احساس می کنید توسط نیروهای بزرگتر از خودتان در هم شکسته شده اید، چطور می توانید در خداوند کسی که از همه چیز برتر است، جرات و شجاعت داشته باشید؟

۳۰ دسامبر

چهارشنبه

شیطان بیرون انداخته شد

همانطور که دیده ایم، نبرد در آسمان منحصر به آسمان نبود بلکه بر روز زمین نیز تاثیر گذار بود. برای مدتی چنین بنظر می رسد که شیطان («مدعی برادران ما»، مکاشفه فصل ۱۲ آیه ۱۰) همچنان قادر بود در برابر تخت خدا بایستد و به قوم خدا اتهام هایی وارد کند. ایوب یکی از شخصیت های کتاب مقدس است که از این اتهام رنج می برد.

لوقا فصل ۱۰ آیه های ۱ تا ۲۱ را بخوانید. در اینجا معنی کلام مسیح درباره شیطان چه بود؟

پیش از اینکه عیسی آن هفتاد نفر را بفرستد، آنها را تعلیم داد که هیچ پول یا لباس اضافی با خود نبرند (لوقا فصل ۱۰ آیه ۴) و برکت خدا بر خانه میزبانان بطلبد (آیه ۵). او اخطار داد که ایشان مانند بره هایی در میان گرگ ها هستند (لوقا فصل ۱۰ آیه ۳) - این نگرانی در مکاشفه فصل ۱۲ منعکس شده، جایی که اژدها به برپا کردن نبرد با قوم خدا کوشش می کند. در بازگشت سرور آمیزشان (لوقا فصل ۱۰ آیه ۱۷) شاگردان گزارش دادند که دیوها هم مطیع ایشان بوده اند و این می بایست شادی بزرگی برای عیسی به ارمغان آورده باشد (لوقا فصل ۱۰ آیه ۲۱). در این متن هست که عیسی درباره سقوط شیطان مانند برقی از آسمان عبارتی بیان می کند. او به شاگردان اخطار می دهد که شادی شان نباید بر پایه موفقیت شان بر نیروهای شر باشد بلکه بر پایه نوشته شدن نامشان در آسمان باشد (لوقا فصل ۱۰ آیه ۲۰). این تذکر نجات انسان را بطور قاطع در دست های متعلق به نجات دهنده مان قرار می دهد. عیسی کسی است که دشمن را شکست داده، نه ما.

به پیروان عیسی، در هر صورت، مزیت شهادت درباره رستگاری ئی که عیسی بدست آورده داده شده است. این داستان در لوقا فصل ۱۰ آیه ۱۷ تا ۲۰ ظاهراً به وظیفه شهادت که عیسی به قوم خود داد با قدرت بر شیطان در این نبرد بزرگ ارتباط پیدا می کند. وظیفه شهادت قدرتی را که شیطان بر مردم این جهان دارد فرسایش می دهد و به بشر فرصت بازیافتن وظیفه اصلی گسترش مرزهای ملکوت خدا داده می شود.

غلبه بر دشمن فقط از پیروزی ئی که عیسی بر صلیب بدست آورد میسر است. پولس اظهار می دارد که عیسی «ریاست ها و قدرت ها را خلع صلاح کرد» و بر آنها پیروز شد. (رساله به کولسیان فصل ۲ آیه ۱۵). قوم خدا در او پیروز هستند. مرگ شیطان تضمین شده است. «حاکم این جهان بیرون افکنده خواهد شد (یوحنا فصل ۱۲ آیه ۳۱)، هرگز قوم خدا را دوباره بدنام نخواهد کرد. ما با اطمینان می توانیم شادی کنیم که نبرد از آن خداوند است!

شادی کنید به این جهت که اسامی شما در آسمان نوشته شده است. در این کلمات مکث کنید. چه می گویند و چرا چنین دلیل بزرگی برای شادمانی هست؟

۳۱ دسامبر

پنجشنبه

نبرد مداوم

همانطور که انقباضات انعکاسی یک مار سمی تازه کشته شده می تواند باعث رسیدن آن به اطراف بشود و اگر دست به آن بزنید شما را نیش بزند، نیش شیطان همچنان کشنده است. شاید او در جلجتا مغلوب شده باشد ولی هنوز خطر در کمین است.

یوحنا فصل ۱۶ آیه ۳۳ را بخوانید. عیسی شاگردانش را چگونه بر ضد دوام کشمکش مقابل شر اخطار داد؟

عیسی واضح بود که پیروانش زمان آسانی نخواهند داشت، اما در عوض تمرکز روی چالش‌ها و سختی‌ها، او بر روی پیروزی که ایشان در او خواهند داشت تمرکز کرد. با تفکر بر روی این ضمانت، پولس ایمان داران را در رم دلگرمی داد که خدا شیطان را در زیر پایشان خرد خواهد کرد. (رساله به رومیان فصل ۱۶ آیه ۲۰). و یوحنا به کلیسای ایام آخر گفت که پیروزی شان بواسطه خون بره تضمین شده بود. (مکاشفه فصل ۱۲ آیه ۱۱).

رساله به عبرانیان فصل ۱۲ آیه های ۱ و ۲ را بخوانید. «شاهدان» چه کسانی هستند و چگونه باعث تشویق مان می شوند؟ فصل ۱۱ رساله به عبرانیان را بخوانید.

رساله به عبرانیان فصل ۱۱ سرعت زندگانی تعدادی از قهرمانان نامدار ایمان را ترسیم می کند. هابیل قربانی بی نقصی ارائه داد و با وجود مرگش فراموش نشده است. خنوخ از روی عادت به خدا نزدیک می شود و در آخر مستقیم به آسمان رفت تا همراه او باشد. نوح وقایع نادیده را اخطار داد و نجات را به دنیای غرق شده در گناه ارزانی داشت. ابراهیم تمدن بزرگی را رها کرد تا به سرزمین وعده ها برود. سارا فرزند وعده داده شده ای را زائید هرچند برای بچه دار شدن بسیار سالخورده بود. موسی انتخاب کرد که همراه قومش سختی و رنج را تحمل کند تا در قصر پادشاه زندگی کند. و شهادت های راحاب به عظمت خدا شهادت می دهد (یوشع فصل ۲ آیه های ۹ تا ۱۱). اینها از جمله کسانی هستند که ابر بزرگ شهادت ها را همانطور که در رساله به عبرانیان فصل ۱۲ آیه ۱ گفته شده است شکل می دهند. آنها شاهدهای بی اراده نیستند، مانند تماشاچی های یک بازی؛ در مقابل فعالانه به ما شهادت می دهند که خدا وفادار است و در هر مسئله ای که با آن به مشکل بر می خورند حمایتشان می کند. ما در این نبرد بزرگ تنها نیستیم.

نگاهی به بعضی از موضوع هایی که در رساله به عبرانیان فصل ۱۱ اشاره شده بیاندازید. چه کسانی بودند و چگونه بودند؟ چه تشویقی را شما از این واقعیت که آنها انسان هایی بی نقص و بی تقصیری نبودند بلکه همانند ما آدم هایی با ترس، احساسات تند و ضعف هایی بودند را بدست می آورید؟

اندیشه ای فراتر:

ما نمی دانیم که چرا گناه در زهره قیام کرد. خانم الن جی هوایت به ما می گوید که «زهره (شیطان) به تدریج شروع به پرورش علاقه به تجلیل نفس کرد.» - کتاب شیوخ و انبیاء صفحه ۸. این واقعیت که در موجودی بی نقص این اتفاق افتاد به روش نیرومند حقیقت اختیار آزاد و انتخاب آزاد به عنوان بخشی از حکومت خدا را آشکار می کند. خدا همه مخلوقات باهوش را نیک آفرید؛ آنها موجودات دارای قوه تشخیص با ذات اخلاقی نیک بودند و چیزی در آنها تمایل به شر نداشت. بنابراین چطور گناه در زهره (شیطان) برخاست؟ جوابی برای آن وجود ندارد. عذر و بهانه ای برای گناه وجود ندارد. اگر بهانه ای برای آن یافت می شد، پس خدا در نهایت می توانست مسئول آن باشد. ما به عنوان انسان عادت به روابط علت و معلول داریم. اما گناه دلیلی ندارد؛ به اختصار دلیلی برای آن وجود ندارد. گنگ و بی معنی است. زهره نتوانست اعمالش را توجیه کند، بخصوص که یکی از موجودات مورد لطف خدا بود. به گونه ای، بهر حال، با سوء استفاده از آزادی، زهره خود را فاسد کرد و از «حامل نور» بودن به شیطان «متخاصم» تبدیل شد. اگرچه چیزهای زیادی وجود دارد که ما درک نمی کنیم، باید به اندازه کافی بفهمیم تا فقط بدانیم چقدر باید مراقب عطیه آزادی عمل و آزادی انتخاب خودمان باشیم.

پرسش هایی برای بحث:

۱. حسادت نقش بزرگی در سرکشی شیطان در برابر خدا ایفا کرد. با توجه به تجربه شخصی تان، حسادت چه نوع خسارتی را باعث شد؟ ما چطور می توانیم مبارزه بر خلاف این حس متعارف را بیاموزیم؟
۲. بر روی هدیه شگفت انگیز اختیار آزاد و انتخاب آزاد بیشتر مکث کنید. چطور این هدیه ها را هر روز به کار می بریم؟ به بعضی از اثرات وحشتناک به کار گرفتن اشتباه این هدیه نگاه کنید. چطور می توانیم نحوه بکارگیری صحیح آنرا را بیاموزیم؟
۳. درباره نقش احکام در متن اختیار آزاد و انتخاب آزاد بیاندیشید. واقعیت محض که خدا قانون دارد باید شهادتی باشد به حقیقت اختیار آزاد. دست کم، هدف از قانون اخلاقی چیست جز اینکه مخلوقاتی که دارای قوه تشخیص هستند می توانند اطاعت از این قانون را انتخاب کنند؟ روی ملزومات قانون و آنچه درباره آزادی بشر می گوید بیشتر مکث کنید.
۴. تمایل نیرومندی، بخصوص در قسمت های معین جهان، برای رد کردن واقعی بودن شیطان وجود دارد. چرا چنین دیدگاهی بسیار متضاد حتی به مسائل پایه ای و قابل درک کتاب مقدس است؟

بحران در باغ عدن



بعد از ظهر شنبه

برای مطالعه این هفته: پیدایش فصل ۱ آیه ۲۸، رساله به رومیان فصل ۸ آیه ۱۷، متی فصل ۶ آیه ۲۶، پیدایش فصل ۲ آیه ۱۵ تا ۱۷، فصل ۳ آیه ۱ تا ۷، فصل ۱۰ آیه ۱۰ تا ۱۹ را بخوانید.

آیه حفظی: «میان تو و زن، و میان نسل تو و نسل زن، دشمنی می گذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد.» (پیدایش فصل ۳ آیه ۱۵).

بعد از آفرینش جهان خدا اعلان داشت همه چیز «بسیار نیکو» بود (سفر پیدایش فصل ۱ آیه ۳۱). به هر حال، در حال حاضر بدیهی است که در جهان هر چیزی «بسیار نیکو» نیست. با وجود فلسفه ها و پنداره های متفاوت که، بیش از قرن ها تلاش کرده اند مسائل را بهبود ببخشند، جهان ما به بی نظمی ها، ناامنی، خشونت، جنگ، آلودگی، ظلم و استثمار پیش می رود. اگر قرن بیستم با فهرستی از خوش بینی درباره آینده و آنچه انسان می توانست برای پیشرفت آینده انجام دهد شروع کرد، قرن بیست و یکم بطور حتم آن خوش بینی ها را با دلیل خوب نیز از دست داده است.

ما چگونه به این وضع دچار شدیم؟ پاسخ در نبرد بزرگ یافت می شود، گرچه شروعش در آسمان بود بدبختانه خیلی زود در تاریخچه زمین به این دنیا آمد. این هفته خواهیم دید که چگونه شیطان قادر به بهره کشی از آزادی انسان شد، به این معنی که ویرانی را شروع کرد که همه ما حتی امروز تجربه می کنیم. داستان سقوط تذکری نیرومند برجا می گذارد که تنها محافظ مان به عنوان نوع بشر نه تنها به گفته های خدا ایمان بیاوریم بلکه، مهمتر از آن خواسته هایش را اطاعت کنیم.

*درس این هفته را برای آمادگی روز شنبه ۹ ژانویه مطالعه کنید.

سه برکت

در زمینه آفرینش، عبارت «و خدا دید که نیکو بود» هفت بار در فصل ۱ سفر پیدایش ظاهر می شود: نور (فصل ۱ آیه ۴)؛ زمین خشک و دریا (آیه ۱۰)؛ گیاهان مولد دانه و درختان مولد میوه (آیه ۱۲)؛ خورشید، ماه و ستارگان (آیه ۱۶)؛ دریاها پر از ماهی و آسمان پر از پرندگان (آیه ۲۱)؛ و حیوانات، چارپایان و خزندگان (آیه ۲۵). در آخر، زمانی که کار خدا به پایان رسیده است، به این جمله می رسیم: «سپس خدا هر آنچه را که ساخته بود دید، و اینک بسیار نیکو بود.» (پیدایش فصل یک آیه ۳۱).

اضافه بر اینکه خدا همه چیز را «بسیار نیکو» اعلام نمود، او یک قدم جلوتر رفت و آفرینش خود را در سه بخش مخصوص «برکت» داد.

نخست، موجودات دریا و پرندگان را برکت داد. آنها را تشویق نمود و گفت: «بارور و زیاد شوید و آب دریاها را پر سازید، و پرندگان نیز بر زمین زیاد شوند.» (فصل ۱ آیه ۲۲). دوم، وقتی آدم و حوا آفریده شدند، خدا آنها را نیز، با تشویقی مشابه برکت داد: «بارور و زیاد شوید و زمین را پر سازید.» (فصل ۱ آیه ۲۸).

سفر پیدایش فصل یک آیه ۲۲ و ۲۸ را بخوانید. هر دو برکت ها به روش مشابهی شروع می شوند، اما چه چیزی برای آدم و حوا اضافه شده است؟

انسان ها به صورت مشترک با ماهی ها و پرندگان از تشویق الهی برای بارور و زیاد شدن استفاده می کنند، اما تفاوت زمانی حاصل می شود که مسئولیت مراقبت از زمین و همه موجودات آن به آدم و حوا داده می شود. در اینجا نگاه اجمالی از اهمیت موجود آفریده در تصویر خدا را می بینیم. آفریننده نخستین والدین مان را دعوت کرد که شریک او برای حمایت و مراقبت از قلمرو آفرینش باشند. (رساله به رومیان فصل ۸ آیه ۱۷؛ رساله به عبرانیان فصل ۱ آیه ۲ و ۳ را ببینید).

برکت سوم اهدایی در داستان آفرینش سبت روز هفتم است (سفر پیدایش فصل ۲ آیه ۳). در اینجا تأکید بیشتری وجود دارد که انسانها چیزی بیش از حیوانات هستند؛ ایشان آفریده شده بودند تا از دوستی با آفریدگار لذت ببرند به گونه ای که هیچ کدام از دیگر مخلوقات نمی توانند. اینجا دلیل خالی از اشتباه از جایگاه ویژه ای که در آفرینش به انسان ها داده شده است، می بینیم. عیسی این مسئله را تأکید می کند: «پرندگان آسمان را بنگرید که نه می کارند و نه می دروند و نه در انبار ذخیره می کنند و پدر آسمانی شما به آنها روزی می دهد. آیا شما بسی با ارزش تر از آنها نیستید؟» (متی فصل ۶ آیه ۲۶). بدون کاستن از ارزش دیگر موجودات، او روشن می کند که مردمان در زمین، منحصر به فرد و ویژه هستند.

در چه صورت هایی شرح آفرینش کتاب مقدس به بشریت (از این رو، هر کدام منحصر به فرد) جایگاه و مقامی می دهد که دیدگاه جایگزین مبدا، مانند نظریه تکامل، نمی تواند بدهد؟ در نور شرح کتاب مقدس از مبدا انسان، از خود پرسید: آیا شما با دیگران همانطور رفتار می کنید که ایشان سزاوارش هستند؟

دوشنبه

۴ ژانویه

آزمایش کنار درخت

خدا هر چیزی را بصورت جداگانه و با مرزهای تعریف شده مشخص آفرید: روشنایی و تاریکی، آب های بالا و پایین را، خشکی و دریا، شب و روز، موجودات بنا به نوعشان، یک روز جدا از روزهای دیگر، زن جدا از مرد، و یک درخت جدا از درختهای دیگر.

سفر پیدایش فصل ۱ آیه های ۴، ۶، ۷، ۱۴، ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۲۵ را بخوانید. چرا این موضوع که مرزهای تعریف شده مشخص طرح ریزی شده هستند حتی قبل از خلقت انسان ها دارای اهمیت است؟

همان طور که خدا انسان، چهارپا و پرنده را از زمین شکل داد (پیدایش فصل ۲ آیه ۷ و ۱۹)، او همچنین درختان زیبا با میوه های خوش طعم را از زمین رویانید (آیه های ۸ و ۹). خدا همچنین قطعه خاص زمین را انتخاب کرد و در آن باغی را کاشت. ما فقط می توانیم سعی کنیم زیبایی آن را در ذهن تجسم کنیم؛ باغ های شگفت انگیزی که امروز می بینیم بی شک انعکاس کوچکی از چیزی است که شبیه باغ عدن بوده است. در وسط این باغ ویژه کاشته شده در عدن (از تمام دنیا جدا شده) دو درخت منحصر به فرد، درخت حیات و درخت آگاهی از نیک و شر وجود داشت. میوه درخت دوم (درخت دانش نیک و شر) نمی بایست خورده شود و گرنه عواقب سختی میداشت. (پیدایش فصل ۲ آیه ۱۷).

پیدایش فصل ۲ آیه های ۱۵ تا ۱۷ را بخوانید. در این آزمایش پیروی شان از خدا ایده جدایی در اینجا چگونه آشکار شد؟

طبقه بندی ملموس و روشن است: از همه درختان دیگر بخورید، اما از این درخت خاص نه، همان که از دیگر درختان متمایز بود. چیز مبهمی در مورد کلام خدا وجود نداشت. آدم و حوا به عنوان موجودات اخلاق مدار آفریده شده بودند، و پایبندی به اخلاقیات بدون آزادی نمی تواند وجود داشته باشد. اینجا آزمایشی بود تا ببیند که ایشان با آن آزادی چه خواهند کرد. «درخت معرفت، آزمایشی از اطاعت شان از خدا و محبت شان نسبت به او ساخته شده بود. خداوند مناسب دیده بود یک ممنوعیت درباره استفاده از همه آنچه در باغ وجود داشت برایشان قرار دهد؛ اما چنانچه آنها از اختیار او در این مورد بخصوص صرف نظر کنند، متحمل گناه سرپیچی خواهند بود.» - الن جی هوایت، شیوخ و انبیاء، صفحه ۵۳.

چه چیزهایی در زندگی تان وجود دارد که بی شک احتیاج دارید از آنها فاصله بگیرید؟

۵ ژانویه

سه شنبه

سقوط: بخش اول

مار توصیف شده به عنوان «حیله گستر» نسبت به هر حیوان دیگری (پیدایش فصل ۳ آیه ۱)، در سراسر تاریخ کتاب مقدس به نشانه ای نیرومند تبدیل شد. موسی ماری برنجی ساخت و آن را بر تیر نهاد تا از مردن مردمان گرفتار به مصیبت مارهای کشنده در طول سفر خروج جلوگیری کند (اعداد فصل ۲۱ آیه های ۵ تا ۹). همان مار برنجی به وسیله ای برای بت پرستی و تمرین کارهای جادویی تبدیل شد و در حدود هفتصد سال بعد توسط پادشاه حزقیال نابود شد. (پادشاهان ۲ فصل ۱۸ آیه ۴). در کتاب مکاشفه «مار قدیمی» بصورت روشن به عنوان «ابلیس، یا شیطان» شناخته شده است. (مکاشفه فصل ۱۲ آیه ۹).

پیدایش فصل ۳ آیه ۱ تا ۵ را بخوانید. شیطان از چه روشی در مبادرت به فریب دادن حوا استفاده کرد؟

نخستین کلماتی که بوسیله مار ادا شد کلمات مملو از بدگمانی و شک بود: «آیا خدا براستی گفته است» (پیدایش فصل ۳ آیه ۱). در مقابل بجای اینکه حوا متحیر شود که چرا یک مار با او سخن می گوید، بسرعت به حیطة طعنه هایی که ایمان را تخریب می کند کشیده شد. وقتی شیطان پرسید، «آیا خدا براستی گفته است که از هیچ یک از درختان باغ نخورید؟» (پیدایش فصل ۳ آیه ۱)، استنباط آن بود (براساس زبان اصلی) که خدا ایشان را از خوردن

همه درختان منع کرده بود، در حقیقت در حالی که آن چیزی نبود که خدا ایشان را از انجام آن منع کرده بود.

سیرت خدا در اینجا مورد پرسش قرار می گیرد. این حمله ای مستقیم به اوست. مار می بایست حوا را دچار اشتباه کرده باشد، چرا که پاسخش جزییاتی را اضافه می کند که، با توجه به مدارک کتاب مقدس، خدا اجازه نداد: «زن به مار گفت: از میوه درختان باغ می خوریم، اما خدا گفته است، از میوه درختی که در وسط باغ است مخورید و بدان دست مزیند، مبدا بمیرید.» (پیدایش فصل ۳ آیه ۲ و ۳؛ مقایسه کنید با فصل ۲ آیه ۱۷ مقایسه کنید). قسمت مربوط به دست نزدن به آن را، او (حوا) افزود، شاید در سردرگمی خودش.

موفقیت شیطان در این زمینه او را جسور کرد؛ سپس او اقتدار خدا را بصورت مستقیم به چالش کشید: «به یقین نخواهید مرد» (پیدایش فصل ۳ آیه ۴). واقعیتی که او، روی درخت، میوه را لمس کرد و زنده ماند باعث شد که بیانش باورکردنی شود. او سپس آخرین حربه اش را به کار برد: «خدا می داند روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز خواهد شد و همچون خدا شناسنده نیک و بد خواهید بود.» وسوسه گر نشان داد که نه تنها خدا متقلب است بلکه چیز خوبی را از آن ها دریغ کرده است.

شیطان حقیقت را با اشتباه آمیخت. مردم به چه چیزهایی اعتقاد دارند که مخلوطی از حقیقت و اشتباه است. چرا همیشه چنین آمیختگی کشنده است، بخصوص در دوره های الهیات؟

۶ ژانویه

چهارشنبه

سقوط: بخش دوم

وقتی خدا تصمیم به آفریدن آدم و حوا گرفت، او توضیح داد که ایشان به شباهت او و برحسب صورت خدا ساخته خواهند شد. (پیدایش فصل ۱ آیه ۲۶). طعمه روی «قلب» وسوسه گر چنین بود که اگر آن ها میوه ممنوعه را بخورند، «همانند خدا» خواهند شد. حقیقت این است که آن ها در واقع همانند خدا بودند. آن ها بر مبنای صورت او ساخته شده بودند، اما واقعیت تلخ این است که در گرمای وسوسه، آن ها بینش این حقیقت مقدس را از دست دادند.

به اضافه خدا مهیا کننده اصلی خوراک شان بود، اما بخشی از سرکشی آدم و حوا را به انتخاب چیزی برای خوردن خارج از مرزهایی که خدا داده بود درگیر کرد. مثل این است که به منزل شخصی برای صرف خوراک دعوت شده اید، و به جای خوردن از خوراک های

روی میز، گنجه یا یخچال شان را بررسی کنید و با چیزهایی که توجه تان را جلب می کند از خودتان پذیرایی کنید. این نه تنها توهینی به میزبان تان خواهد بود بلکه نشان خواهد داد که برای رابطه های تان با ایشان ارزشی قایل نیستید.

سفر پیدایش فصل ۳ آیه ۴ تا ۷ را بخوانید. وسوسه گر به حوا تضمین داد که با خوردن آن میوه چشمان آن ها باز خواهد شد. چه چیزی دیدند وقتی چشمان شان گشوده شد و بینش جدید حاکی از چه بود؟

حوا در احساساتش غوطه ور شد (پیدایش فصل ۳ آیه ۶). درخت چشم نواز بود، و در حینی که او دندان هایش را به قسمتی از میوه فرو برد، حوا تصور کرد که او به حالت هستی بالاتری وارد شد. وقتی او آدم را در تجربه اش شریک کرد، آری چشمان شان گشوده شد (آیه ۷)، اما آن ها بواسطه آنچه دیدند شرمسار شدند.

مورد مهمی که اینجا وجود دارد طرد خدا به عنوان مهیا کننده هر چیز خوب و در مقابل انتخاب راه حلی توسط انسان برای نیاز بشر بود (در این مورد، میل به خوردن). خدا قبلا خوراک آدم و حوا را تضمین کرده بود و فهرست خوراک شان را فراهم ساخته بود. خوردن شان از درخت ممنوعه اقدامی خارج از آن مفاد بود و فقدان اعتمادی را نشان داد که مجوزی نداشت، با توجه به موقعیت منحصر به فردشان.

چه نوع «میوه ممنوعه ای» (همانی که اغلب بسیار اغوا کننده، خوشایند و بسیار پر از وعده است) امروزه برایمان قابل دسترس است؟ چطور می توانیم یاد بگیریم تا چنین خطایی را مرتکب نشویم زمانی که چنین فریب های قدرتمندی ارائه می شوند؟

۷ ژانوی

پنجشنبه

پیامدها

شاید مدتی از ورود به حیات ابدی گذشته باشد پیش از آنکه بطور کامل درک کنیم چقدر زیان بواسطه آن اتفاق در پای درخت ایجاد شد. همه آنچه خدا در طول هفته آفرینش انجام داد از هم گسیخته می شد. روابطی که خدا برقرار نمود شکست: بین مردمان و خدا (ایشان از او پنهان شدند)، بین یکدیگر (آدم حوا را بخاطر رنج ها و مشکلاتش مقصر دانست)، میان انسان ها و محیط (مار به دشمن تبدیل شد، زمین حالا خار و خس تولید خواهد کرد و فقط خوراک را در ازای مشقت زیاد انسان تولید خواهد کرد).

سفر پیدایش فصل ۳ آیه ۱۰ تا ۱۹. بهانه های آدم و حوا چه چیز را درباره اینکه چطور صدمه دیده اند فاش می کند؟

توجه کنید که خدا چگونه با این بهانه ها معامله کرد. پیش از اینکه خدا بتواند ایشان را نجات ببخشد، آدم و حوا می بایست مسئولیت برای آنچه انجام داده اند را قبول می کردند؛ از این رو خدا به ایشان نتایج کارهای شخصی شان را به دقت توضیح داد. ولی در ابتدا، مار نفرین شده بود و خاک خواهد خورد، مورد تنفر زن خواهد بود و سرش کوبیده خواهد شد. (پیدایش فصل ۳ آیه ۱۴ و ۱۵).

پس خداوند به حوا گفت که او درد بسیاری باید در زایمان تجربه کند (پیدایش فصل ۳ آیه ۱۶). آدم، در این ضمن، باید با عرق ریختن و سختی کشیدن خوراک بدست آورد به جای اینکه مانند یک پادشاه زندگی کند. (پیدایش فصل ۳ آیه ۱۷ تا ۱۹).

آدم و حوا اکنون با انتخاب ادامه در سرکشی و یا بازگشت به خدا روبرو بودند. قبول مسئولیت بخاطر اشتباه شان نخستین قدم شان در بازگشت به خدا بود، اما حتی آن شهادت برای حل مشکلی که انسان بواسطه گناه بوجود آورده بود کافی نبود.

راه دیگری برای مطمئن کردن آینده نسل بشر باید وجود می داشت. بنابراین، خدا قربانی حیوانی را برای اشاره به نجات دهنده فراهم ساخت. (پیدایش فصل ۳ آیه ۲۱). موجودی بود، یک مار، که آن ها را با گناه، زیان و رابطه های از هم گسیخته آشنا کرد؛ موجودی خواهد بود، یک بره، که به منجی در آینده اشاره خواهد کرد، کسی که اعاده، مصالحه و یک آینده را تضمین خواهد کرد. (پیدایش فصل ۳ آیه ۱۵). به هر حال، به جای نماینده پادشاه بودن و حکومت کردن در تمام زمین، آدم و حوا حال به زمین و به یکدیگر متکی هستند آنگونه که هرگز قبلا نبودند. «در میان موجودات تراز پایین آدم به عنوان پادشاه ایستاده بود، و مادامی که به خدا وفادار ماند، کل طبیعت حکومتش را به رسمیت شناخت؛ اما وقتی که سرپیچی کرد، این حاکمیت از دست رفته بود.» - الن جی. هوایت، Education، صفحه ۲۶.

بی درنگ پس از سقوط، به ما امید نجات داده شد. پیدایش فصل ۳ آیه ۱۵ را ببینید. چطور می توانید چنان امیدی را از آن خود بسازید؟ چطور می توانید به شادی در آن برسید، با اینکه می دانید علی رغم انتخابهای گذشته تان به شما ارزانی می شود؟

اندیشه ای فراتر:

اگرچه از باغ عدن خیلی دوریم، از آفرینش اولیه، هنوز خیلی چیزها در دنیا وجود دارد که از نیکویی خدا با ما سخن می گوید. به اطراف نگاه کنید: ما نه تنها زیبایی باورنکردنی را بلکه طرح افسانه ای را نیز می بینیم، همه اینها به محبت آفریننده مان گواهی می دهند. برای نمونه به چیزهایی مثل سیب، پرتقال، نارنگی، توت فرنگی، تمشک آبی، آوکادو، گوجه، لیمو، لیمو عمانی، هندوانه، بادام، گردو، گلابی، آلو، هویج، نخودفرنگی، موز، آناناس، انار، کلم بروکلی، کلم پیچ، کلم فندقی، پیاز، تمشک، آلبالو، کرفس، پاپایا، بادمجان، ریواس، اسفناج، طالبی و غیره... آیا بصورت اتفاقی این ها اینقدر خوشمزه هستند (گرچه بعضی مردم کلم فندقی دوست ندارند!)، ولی برای ما بسیار مفید هستند و آیا همینطور اتفاقی از زمین روئیدند و خودشان بارور شدند؟ بی شک خیر. همه به این وفور نعمت دسترسی ندارند، به هر حال، قحطی، سیل و بیماری های واگیردار وجود دارند و مردمان گرسنه پیدا می شوند. بدون شک، این گواهی است به اینکه چقدر زیاد جهان ما بخاطر گناه آسیب دیده است. اما اگر بتوانیم، فقط برای لحظه ای، به «ورای» آسیب در آفرینش برگردیم و فقط چشم اندازی به خود آفرینش داشته باشیم، شگفتا! چه گواهی ای به محبت خدا. فقط باید به یاد داشته باشیم: امید در خود آفرینش نیست بلکه فقط در خود آفریننده است.

پرسش هایی برای بحث:

۱. به عنوان انسان هرگز بنا نبود بمیریم. مرگ یک انحراف است، چیزی که انسان هرگز نمی بایست بدان آگاه باشد و یا تجربه اش کند. بنابراین، وحشت عالم گیر مرگ که همه ما آن را احساس می کنیم، بدون شک، بقایای چیزی است که همراه خود از باغ عدن برگرفته ایم. در همه نکاتی که کتاب مقدس در موردشان وعده های زندگی ابدی را به ما داده است مکث کنید. چطور می توانند به ما کمک کنند تا با شوک وحشتناک مرگ روبرو شویم؟

۲. چه بخش هایی از جهان آفرینش درباره حقیقت خدا و محبت خدا برای ما بصورت نیرومند با شما حرف می زند؟

۳. دوباره فصل ۳ پیدایش را بخوانید درباره اینکه چطور آدم و حوا گناه خود را توجیه کردند. چرا اینقدر انجام آن ساده و آسان است؟ راه های مشابهی که ما در جستجویشان هستیم کدام هستند؟ برای مثال، چقدر ما ادعای بی اساس وراثت، محیط، و یا دیگران را دلیل اشتباه هایمان می دانیم؟ چطور می توانیم از این اندیشه خطرناک نجات پیدا کنیم و ذهنمان را برای به عهده گرفتن مسئولیت کار هایمان آماده سازیم؟

سرکشی جهانی و شیوخ



بعد از ظهر شنبه

برای مطالعه این هفته: پیدایش فصل ۴ آیه ۱ تا ۱۵؛ فصل ۳ آیه ۹ و ۱۰؛ فصل ۴ آیه ۹؛ فصل ۶ آیه ۱ تا ۱۳؛ به انضمام فصل ۵۱ آیه ۱؛ پیدایش فصل ۲۲ آیه ۱ تا ۱۹؛ فصل ۲۸ آیه ۱۲ تا ۱۵ را بخوانید.

آیه حفظی: «اینک من با تو هستم و تو را هر جا که بروی محافظت خواهم کرد و تو را به این سرزمین باز خواهم آورد. زیرا تا زمانی که آنچه را به تو وعده دادم به جا نیاورم، رهایت نخواهم کرد.» (پیدایش فصل ۲۸ آیه ۱۵).

داستان هایی که به دنبال سقوط انسان می آیند دارای زمینه فریب خوردگی و شکستن رابطه ها است، برای نخستین بار در باغ عدن دیده شد، در مرتبه عمیق تر. در طول این مدت کشمکش ها گسترش یافت و در سراسر دنیا متنوع شد.

در داستان قائن و هابیل، عبادت عامل ایجاد نفاق و مرگ شد، مضمونی تکراری در سرتاسر تاریخ. داستان طوفان نوح آشکار می کند که سرکشی و گناه چگونه باعث از هم شکافتن هر آنچه خدا آفریده بود، شد. گناه نه تنها آفرینش را تغییر شکل می دهد بلکه آن را نابود می کند. تجربه ابراهیم دلگرمی بزرگی است در کشمکش با نمایش میل خدا برای برداشتن پی آمد سرکشی انسان بر خود. او جانشین ما می شود.

سپس در داستان های یعقوب و عیسو و یوسف و برادرانش، اثر متقابل ادامه دار رابطه های گسیخته را می بینیم که وسیله ای شده است که شیطان از آن برای نابودی خانواده ها و گروه های مردم استفاده می کند.

با این حال در تمام این موارد، وفاداری خدا، در حالی که او فرزندان مورد آزار قرار گرفته اش را حمایت می کند و پرورش می دهد، ادامه می یابد.

*درس این هفته را برای آمادگی روز سبت ۱۶ ژانویه مطالعه کنید.

قائن و هابیل

پیدایش فصل ۴ آیه های ۱ تا ۱۵ را بخوانید. این آیه ها درباره اینکه چگونه گناه به شدت ریشه دوانده به ما چه می گوید؟

هنگام تولد قائن، حوا به وجد آمده بود. او بطور قطع یقین داشت که نجات دهنده وعده داده شده در پیدایش فصل ۳ آیه ۱۵ را به دنیا آورده است. «از خداوند مردی را بدست آوردم» (پیدایش فصل ۴ آیه ۱). آیه بصورت واژه به واژه ترجمه شده را می توان به این شکل خواند، «من انسانی را که خداوند است ساخته ام» بر مبنای ابتدایی اش، به سادگی آشکار می کند که حوا گمان کرد که یگانه ای را به دنیا آورده است که خداوند وعده اش را داده بود (پیدایش فصل ۳ آیه ۱۵).

از لذت سال های کودکی قائن و چیز تازه ای از والدین جدید که با غرور از رشد فرزند اول شان مسرور بودند گفته نشده است. روایت به سرعت به تولد دومین نوزاد و سپس به دو مرد جوان که عبادت می کردند می پردازد. به هر حال، همانطور که اغلب می بینیم، تفاوت های بر سر عبادت به سوی داستان غم انگیزی هدایت می کند.

پیدایش فصل ۳ آیه ۹ و ۱۰؛ فصل ۴ آیه ۹ را بخوانید. واکنش های آدم و قائن مقایسه کنید زمانی که خدا از ایشان پس از اینکه هر کدام مرتکب گناه شدند پرسش کرد چه شباهتی و چه تفاوتی وجود دارد؟

به تفاوت های موجود در احساسات آدم در مقایسه با قائن توجه کنید. آدم گیج و مبهوت، ترسان و شرمسار به نظر می رسد (پیدایش فصل ۳ آیه ۱۰)، اما قائن خشمگین است (پیدایش فصل ۴ آیه ۵)، عیب جو و سرکش (پیدایش فصل ۴ آیه ۹). قائن به جای اینکه مانند آدم بهانه ضعیف و کم بنیه ارائه کند، دروغ آشکار و وقیحی را بیان می کند.

به هر حال، از یأس و ناامیدی اندازه ای از امید و خوش بینی بدست آمد. همراه با تولد شیث، حوا دوباره گمان کرد که آن وعده داده شده را به دنیا آورده است (پیدایش فصل ۴ آیه ۲۵). نام «شیث» از کلمه به معنی «قرار دادن یا ارائه دادن» گرفته شده، همان کلمه ای که در پیدایش فصل ۳ آیه ۱۵ برای منجی استفاده شد کسی که در جایگاهی برای به چالش کشیدن مار و کوبیدن سرش، قرار خواهد

گرفت. به موازات پیدایش فصل ۳ آیه ۱۵، حوا فرزند تازه تولد یافته اش را به عنوان «نسل زن» به جای هابیل توصیف می کند. به این ترتیب، حتی میان یأس و ناامیدی و مصیبت و همانطور که نبرد بزرگ میان نیک و شر در حال گسترش بود، مردم همچنان به امید نجات متوسل شدند. ما بدون آن چه داریم؟

پیشانی آدم و حوا بر مرگ فرزندشان را تصور کنید، که به اندازه کافی بد می بود بجز برای این حقیقت که پسر دیگرشان او را کشته بود؟ از این رو، ایشان دو فرزندشان را از دست دادند. چطور می توانیم این درس دشوار که گناه عواقب ناگواری فوری در پس خود دارد را یاد بگیریم؟

۱۱ ژانویه

دوشنبه

طوفان نوح

پیدایش فصل ۶ آیه ۱ تا ۱۳ را بخوانید. از چه راه هایی نبرد بزرگ بین نیک و شر که در اینجا آمده است را می بینیم، فقط هم اکنون خیلی شدیدتر از گذشته؟

در داستان طوفان نوح برگشت نسبی قانون های ویژه آفرینش را می بینیم؛ بسیاری از آن چیزهایی که خدا از یکدیگر تفکیک کرده بود حالا پیش هم بازگشتند. آب ها در بالا و در پایین، دریا و زمین خشک، ماهی های دریا، پرندگان آسمان، و همه موجودات زنده ای که روی زمین حرکت می کردند، همه به هم می رسیدند. به نظر می رسید زمین «بی شکل و خالی» به سمت عقب می رود (پیدایش فصل ۱ آیه ۲).

در حالی که به ظاهر شاهد پیروزی نیروهای شریر هستیم، ولی نبوغ خلاق خدا هنوز در کار است. او آفرینش جدیدی را دوباره با تفکیک عناصر مختلف طرح ریزی می کند. در ابتدا، او نوح (تنها انسان بی گناه) را از مردمان آن زمان که در تبهکاری قهار بودند و افکار پلید، فاسد و تند و خشن داشتند جدا کرد. (پیدایش فصل ۶ آیه ۸ و ۹ و آیه های ۵ و ۱۱ تا ۱۳ را مقایسه کنید). سپس خدا وظیفه ساختن یک کشتی بسیار بزرگ را به نوح واگذار کرد. آنگاه او گروه کوچکی از مردم، پرنده ها و حیوانات را جدا ساخت و در قسمت امن کشتی جای داد تا بتواند از چیزی که در راه بود نجات یابند. بر پایه فیض خدا، زندگی ادامه خواهد داشت و دنیای جدیدی از پس مانده قدیمی آن برخاست. این آفرینشی نو است.

اما به سختی کامل است. مدتی بعد از طوفان نوح، در حینی که نوح و خانواده اش دوباره خودشان را مستقر می گردانند، ما از ضعف اخلاق انسان یادآوری می شویم. نوح مست می شود و اتفاقات شرم آور پیش می آید. (پیدایش فصل ۹ آیه ۲۰ تا ۲۷). اینگونه حتی یکی از قهرمانان با ایمان (رساله به عبرانیان فصل ۱۱ آیه ۷ را ببینید) لحظات بد خود را داشت. نبرد بزرگ نه تنها در مقیاس بزرگ بلکه در دل های افراد نیز ادامه می یابد.

کتاب مقدس طوفان نوح را به عنوان محو کننده تمام حیات توصیف می کند (پیدایش فصل ۷ آیه ۴). عبارت مشابهی برای توصیف کارهای نجات دهنده در بخشش گناه جای دیگری در کتاب مقدس استفاده شده است (اشعیا فصل ۲۵ آیه ۸ و فصل ۴۳ آیه ۲۵، به انضمام فصل ۵۱ آیه ۱). یا زندگی مان یا گناهان مان محو می شود. چطور چنین حقیقت نیرومندی نشان می دهد که چقدر مسائل بطور واقعی سیاه و سفید هستند؟

سه شنبه

۱۲ ژانویه

ابراهیم

در حالی که ابراهیم (در ابتدا ابرام نامش بود) برای وفا داری اش شناخته شده است، تجارب زندگی اش بیشتر در مورد وفاداری خدا به اوست. خدا دو مرتبه ابراهیم را اطمینان داد که او صاحب فرزندی خواهد شد. او ابتدا وقتی ابراهیم حدوداً ۷۵ سال سن داشت به وی این را فرمود. (پیدایش فصل ۱۲ آیه ۲ و ۴)، سپس در حدود ده سال بعد (پیدایش فصل ۱۳ آیه ۱۶) خدا دوباره به او گفت.

سرانجام، پس از لغزش های زیاد ابراهیم، کودک وعده داده شده - کودک عهد و پیمان - به دنیا آمد و وفاداری خدا به خدمتکار گهگاه متزلزل آشکار شد (پیدایش فصل ۷ آیه ۱۹ و ۲۱؛ پیدایش فصل ۲۱ آیه ۳ تا ۵ را ببینید).

پیدایش فصل ۲۲ آیه ۱ تا ۱۹ را بخوانید. در این بخش با توجه به تمام نبرد بزرگ چه امیدی آشکار شده است؟

«این برای تحت تأثیر قرار دادن ذهن ابراهیم با حقیقت مژده انجیل و همچنین برای آزمایش ایمانش بود که خدا به او دستور داد فرزندش را قربانی کند. زجری که

او در طی روزهای تاریک امتحان وحشتناک تاب آورد اجازه داد تا او از تجربه شخصی اش قدری از فداکاری عظیمی را که توسط خدای سرمدی برای رهایی انسان در نظر گرفته شد درک کند. آزمایش دیگری نمی توانست باعث شکنجه جان ابراهیم شده باشد که پیشنهاد قربانی کردن فرزندش شد. خدا فرزندش را به مرگ زجر و شرم داد. فرشتگانی که شاهد احساس حقارت، غم و اندوه جان پسر خدا بودند اجازه مداخله را مانند مورد اسحاق نداشتند. صدایی برای بانگ، «همین کافی است» نبود. برای نجات نسل ساقط در گناه پادشاه جلال زندگی اش را ارزانی داشت. چه سند محکم تری از رحم و دلسوزی و محبت بی نهایت خدا می تواند ارائه شود؟ او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه همه ما فدا ساخت، آیا همراه با او همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟» (رومیان فصل ۸ آیه ۳۲).

«قربانی خواسته شده از ابراهیم تنها برای خیریت او نبود، و نه منحصرأً برای منفعت نسل های بعدی؛ بلکه همچنین برای راهنمایی فرشته های بی گناه آسمان و دیگر جهان ها بود. میدان نبرد بین مسیح و شیطان - میدانی که برنامه رهایی نجات بر روی آن ساخته شده - کتاب درسی جهان است. برای اینکه ابراهیم فقدان ایمان در وعده های خدا را نشان داده بود، شیطان در حضور فرشتگان و خدا او را به شکست در به جا آوردن شرایط عهد و بی لیاقتی دریافت برکاتش متهم ساخت. خدا تمایل داشت که صداقت خدمتکارش را در حضور تمام آسمان اثبات کند، تا نشان دهد هیچ چیز کمتر از پیروی و اطاعت بی نقص نمی تواند مورد قبول واقع شود و همچنین نقشه نجات را در حضور آنها بیشتر بگستراند.» - الن جی. هوایت، شیوخ و انبیاء صفحه ۱۵۴ و ۱۵۵.

چهارشنبه

۱۳ ژانویه

یعقوب و عیسو

کشمکش میان هدف های خدا و سرکشی فردی پیشرفت بیشتری در داستان یعقوب و عیسو نمایان می سازد. در دوران باستان رایج بود که فرزند اول پسر برکت پدر (نخست زادگی) قبل از مرگ پدر را دریافت کند. این شامل بیشتر دارایی خانواده بود؛ بنابراین پسر ارشد مسئول رفاه و آسایش خانواده می شد.

عیسو از برادرش یعقوب بعد از اینکه از گرفتن آن امتیاز ویژه بزرگ با حيله محروم شد متنفر شد و بعد از فوت پدرشان تصمیم به کشتن او گرفت (پیدایش فصل ۲۷ آیه ۴۱). ربکا یعقوب را برای محافظت به دور فرستاد، فکر می کرد که پس از چند روز همه چیز دوباره خوب خواهد شد. (پیدایش فصل ۲۷ آیه ۴۳ و ۴۴). چند روز به بیست سال تبدیل شد و ربکا دیگر هیچوقت یعقوب را ندید.

پیدایش فصل ۲۸ آیه های ۱۲ تا ۱۵ را بخوانید. چه امید بزرگی در رؤیای یعقوب پیدا شد؟

با تکرار وعده هایی که به ابراهیم داده شد، خدا یعقوب را ضمانت می داد که نقشه ها در حال پیشروی بودند. حتی با اینکه رفتارهای یعقوب نشان از چشم پوشی از نقشه خدا داشت، خدا همچنان برای او در آنجا حضور داشت. به هر حال، یعقوب باید بیست سال حيله گری پدر زنش را ابتدا در ازدواجش و سپس در دست رنجش تاب می آورد. (پیدایش فصل ۲۹ آیه ۲۰ و ۲۳، ۲۵ و ۲۷؛ فصل ۳۱ آیه ۷). ولی در چرخش غیرعادی فلک، تمام آن سال های خدمت به همسرش به نظر می رسید فقط مثل چند روزی باشد، زمانی که ربکا می اندیشید که یعقوب از او دور خواهد بود (پیدایش فصل ۲۹ آیه ۲۰).

وقتی یعقوب تصمیم گرفت به خانه بازگردد، ابتدا لابان او را تعقیب کرد. (پیدایش فصل ۳۱ آیه ۲۵ و ۲۶)، سپس عیسو همراه ۴۰۰ مرد عازم شد تا او را ببیند. هر دوی این شرایط برای زندگی تهدید آمیز بودند و خدا باید برای نجات او دو بار مداخله می کرد؛ ابتدا رؤیایی به لابان داد تا به او بگوید که یعقوب را مورد آزار قرار ندهد (پیدایش فصل ۳۱ آیه ۲۴)؛ سپس شخصاً، برای گلاویز شدن با یعقوب و چلاق کردن او مداخله کرد (پیدایش فصل ۳۲ آیه ۲۴ تا ۳۰). این منظره لنگ لنگان راه رفتن برای یعقوب با چوبدستی می توانست عیسو را تحت تأثیر قرار دهد که یعقوب تهدید نخواهد بود. هدایا جلوتر فرستاده شده بود و با احتیاط سخن گفتن یعقوب، همه این ها برای حل جدایی بین دو برادر کافی بود. آخرین باری که آنها را با هم می بینیم زمانی است که پدرشان را به خاک می سپارند. (پیدایش فصل ۳۵ آیه ۲۹)؛ بنابراین، هر نقشه ای پیشینی که عیسو بعد از مراسم خاکسپاری برای کشتن یعقوب داشت حال فراموش شده بود.

به همه درد و رنج هایی که این انتخاب های احمقانه برای این افراد چه مقصر و چه بی گناه به ارمغان آوردند بنگرید. چطور می توانیم بیاموزیم که قبل از هر عملی بیشتر فکر، فکر، فکر کنیم؟

۱۴ ژانویه

پنج شنبه

یوسف و برادرانش

درست همانطور که یعقوب سزاوار بدی های زیادی از طرف برادرش عیسو بود بعد از رفتاری که با او کرد، چیزی مشابه آن در داستان یوسف و برادرانش می بینیم.

اینجا دوباره می بینیم که برادر از برادر تنفر دارد بخاطر اینکه یکی بیش از دیگری مورد توجه قرار گرفته است (پیدایش فصل ۳۷ آیه ۳ و ۴). پیراهن رنگی از ملحفه راه راه دوخته نشده بود. کلمه اصلی اشاره می کند که ردایی گران قیمت بود که توسط اعضای خانواده سلطنتی پوشیده می شد و با قلاب دوزی گران بها و سوزن کاریهای رنگارنگی پوشیده بود، که یک سال برای دوختن آن وقت صرف می شد.

آنگاه که یوسف به برادرانش درباره خوابش گفت (پیدایش فصل ۳۷ آیه ۵ تا ۱۱)، او حتی دشمنی و حسادت بیشتری بر علیه خودش به بار آورد. بنابراین، در اولین فرصت توطئه چیدند تا از دست او خلاص شوند (پیدایش فصل ۳۷ آیه ۱۹ و ۲۰). برادران باید به خودشان تبریک گفته باشند که چقدر از میان برداشتن او از زندگی شان ساده بوده است. هیچ کدام، حتی، نمی دانستند که خدا چگونه از این وضعیت برای نجات خودشان سال ها بعد استفاده خواهد نمود.

پیدایش فصل ۴۵ آیه های ۴ تا ۱۱ را بخوانید. تصویر بزرگتری که یوسف دید چه بود؟ تمرکز اصلی او روی چه بود؟

بیاندیشید به اینکه چه چیزی ممکن بود از ذهن یوسف گذشته باشد به عنوان پسری در غل و زنجیر و در حال راه رفتن در پی شتر و مشغول تماشای تپه های اطراف خانه کودکی اش که از نظر او ناپدید می شدند. سپس برای فروش قرار گرفتن و خریداران فضول در حال انگولک کردن او و تحقیر کردن او در وارسی هایشان قبل از پیشنهاد مزایده برایش. بسیاری ایمان شان را بخاطر تحقیر و رنج کشیدن کمتری از دست داده اند.

یوسف می توانست انتخاب کند که بر ضد خدا و تلخ مزاج شود، اما او در عوض انتخاب کرد که ایمانش را در میان رنج دلخراش نگه بدارد، نبرد بزرگ در زندگی شخصی اش مثل نمایشی نقش بازی کرد. او بزودی به زندگی در خانواده یکی از مهم ترین نظامی ها در کشور خو گرفت و در زیر برکت خدا بزودی اعتماد او را بیشتر جلب کرد (پیدایش فصل ۳۹ آیه ۱ تا ۴). سرانجام این برده در مصر رهبر شد.

با وجود مشهود بودن گسیختگی خانواده و وجود خیانت و شر در این داستان اما پایان خوشی داشت. پس چگونه، ایمان تان را دست نخورده نگاه می دارید و زمانی که همه چیز به همان خوبی که برای یوسف اتفاق افتاد به نظر پیش نمی رود آیا از خود روحیه مهربان نشان می دهید؟

اندیشه ای فراتر:

شکی نیست، آنگونه که این داستان ها نشان می دهند، زندگی در این زمین، میان نبرد بزرگ، همیشه همان طور که ما می خواهیم بازی نمی کند. برای نمونه، آدم و حوا دست خطی نداشته اند، زمانی که فرزند تازه متولد یافته شان را میان بازوان شان نگه داشتند، که یکی دیگری را خواهد کشت. صاف و وقتی با موسی ازدواج کرد، به طور حتم آینده ای را که در رؤیا ساخته بود صاحب نشد. آیا فکر می کنید زندگی زناشویی لیه، همانی بود که درباره اش وقتی دختر جوانی بود در تخیل داشت؟ و ارمیای جوان - هر چه که امیدها و آرزوهایش بود - آن ها به طور حتم دربردارنده توبیخ و تنبیه و یا خیانت کار فرض شدن توسط قوم خودش نبودند؛ و داود و بَتشَبَع یک حکایت متفاوت را به آن داستان که سرانجام آشکار شد ترجیح نمی دادند. در مورد عیسی چطور؟ البته که عیسی به دنیا آمد تا بمیرد؛ نکته اصلی همین بود. اما از جنبه انسانی اش، جنبه ای که از همان خاک رس مثل ما به دنیا آمد، همان جنبه ای که در باغ جتسیمانی گریست، «ای پدر من اگر ممکن است این جام از من بگذرد...» (متی فصل ۳۶ آیه ۳۹). او کوبیده می شود، استهزاء می شود، مورد اهانت قرار می گیرد و در سن سی و سه سالگی مصلوب می شود، بطور حتم این ها چیزی نبود که کسی آرزویش را داشته باشد. شکی نیست، زندگی می تواند با ما رفتار زشتی داشته باشد. اما این مسئله نباید باعث شگفتی شود، اینطور نیست؟ چه انتظاری از دنیای ساقط و گناهکار دارید؟ یک بهشت. عمر باغ عدن مدتها پیش تمام شده است. اما دوباره باز خواهد گشت و وقتی که باز می گردد، فاصله بین آنچه زندگانی مان در حاضر است، و آنچه در آینده خواهد بود بینهایت بیشتر از فاصله بین آنچه ما امید آن را داشتیم و آنچه که در مقابل دریافت کردیم، خواهد بود.

پرسش هایی برای بحث

۱. تفاوت های فاحش بین فرزندان یک خانواده آن هایی که ایمان به خدا را نگاه داشته اند و آن هایی که نیاز به آن را ندیدند در چیست؟
۲. زمانی که رقابت و حسادت بین فرزندان خانواده به نظر می رسد که به اهداف خدا برای خانواده های امروزی استیلا می یابد، چطور ممکن است که فردا را مثبت ببینند؟ چه می تواند برای خانواده های کلیسای شما جهت کمک به آن ها انجام شود برای اینکه هدف بزرگتر خدا را ببینند؟
۳. برای افراد حاضر در کلیسای شما کسانی که فکر می کنند در دنیا تنها هستند و زندگی شان بی معنی و خالی از ارزش است چه می تواند انجام شود؟

کشمکش و بحران: داوران



بعد از ظهر شنبه

برای مطالعه این هفته: داوران فصل های ۴، ۶، ۱۴، رساله به عبرانیان فصل ۱۱ آیه ۳۲، کتاب اول سموئیل فصل ۲ آیه های ۱۲ تا ۲۵، فصل ۸ آیه های ۱ تا ۷ را بخوانید.

آیه حفظی: «حنا دعا کرده گفت: دل من در خدا بوجود می آید، شاخ من در خداوند برافراشته شده است. دهانم بر دشمنانم فخر می کند، زیرا که در نجات تو شادمانم.» (کتاب اول سموئیل فصل ۲ آیه ۱).

عصر داوران دوره ای پر هرج و مرج در تاریخ مقدس بود. قوم خدا در نظر خداوند مرتکب شرارت شدند، خداوند ایشان را در دستان ملتی ستمکار «قرار داد»، قوم در پیشگاه خداوند فریاد برآورد و خداوند نجات دهنده ای را برخیزانید که آرامش را به آن سرزمین به ارمغان آورد. چنین بود، تا اینکه این چرخه غم انگیز دوباره تکرار شد. دَبَوْرَه، یکی از داوران اسرائیل، به خاطر اعتمادی که به مردان اطراف خود القاء می کرد قابل توجه بود. او و یاعیل قهرمان هستند در حینی که مردان به خاطر کمروئی و فقدان ایمان به دلگرمی احتیاج داشتند. مسئله ای تکراری در نبرد بزرگ زمانی که قوم خدا با نابرابری های محال روبرو می شود در داستان جِدْعُون نیز دیده می شود. شَمْشُون یکی از آخرین داوران بود. بعد از وی این قوم به هرج و مرج و ناامیدی و یأس تنزل یافت. او قهرمان بی میلی بود که علاقه بیشتری به تعقیب زنان داشت تا در پیروی خدا، مانند هم میهنانش که میل بیشتری به پرستش بت ها داشتند تا خدمت به خداوند. سموئیل امید را برای قوم به ارمغان آورد. تحت نظر او ساختار رهبری جدید همراه با پادشاهان برقرار شد و یکی از کارهای پایانی او تدهین آینده پادشاه داود بود.

*درس این هفته را برای آمادگی روز شنبه ۲۳ ژانویه مطالعه کنید.

دَبورَه

داستان دَبورَه جزئیات جالبی به مضمون نبرد بزرگ می افزاید. در اینجا قوم خدا را می بینیم که از ستم رنج می برند و با مشکلات ناممکن روبرو هستند. این قرینه ها چیزی است که در مکاشفه فصل ۱۲، همراه با رقابت باورنکردنی غیرمنصفانه بین یک اژدهای هفت سر و فرزند تازه متولد شده مشاهده می کنیم. (مطالعه روز سه شنبه هفته اول را ببینید.)

شخصیتهای اصلی این داستان برگرفته از یابین، پادشاه کنعان؛ سیرا و فرماندار ارتش وی؛ و دَبورَه ی نبی و داور است (کسی که مشاجره های مدنی را بین طرف های مخالف حل کرد) که درجه ی نفوذ و تأثیر غیرمعمولی داشت که یک زن در آن دوران می توانست داشته باشد.

فصل ۴ کتاب داوران را بخوانید. به چه روش هایی مضمون نبرد بزرگ که در اینجا نشان داده شده را می بینیم؟ در پایان، چه کسی به تنهایی پیروزی را به قوم اسرائیل آورد، در حالی که سزاوار آن نبودند؟

قهرمان زن داستان یاعیل همسر حابر است که از هم فکر بودن با مردان خدا هراسی ندارد و آنکسی که نقشی بسیار مهم در شکست دشمنان خدا بازی کرد. امروزه قضاوت اقدامات او از دیدگاه ما کار ساده ای نیست. بنابراین، کاری که نباید انجام دهیم این است که از کردار یاعیل برای توجیه فریب و خشونت به منظور دستیابی به اهدافمان استفاده کنیم، مهم نیست که آن اهداف چقدر درست می توانند باشند.

دَبورَه در بحث های منتهی به کشمکش به باراق اطمینان می دهد که نبرد از آن خدا خواهد بود (بازتاب نبرد بزرگ، به طور حتم). از دو فعل جهت تشریح اینکه خدا چگونه این کار را انجام خواهد داد استفاده می شود (داوران فصل ۴ آیه ۷). او سیرا را به رود قیشون بیرون «خواهد کشید» (کلمه به ماهی در تور انداختن اشاره می کند)، جایی که او را به دست باراق تسلیم خواهد کرد. سرود شکرگزاری دَبورَه بعضی از جزئیات را نمایان می کند (کتاب داوران فصل ۵). ارابه های سیرا در راه های تنگ و باریک نزدیک رود قیشون به دلیل بارندگی زیاد گرفتار شدند. آسمان ها و ابرها باریدن گرفتند و از کوه ها آب ها «جاری شد» (فصل ۵ آیه های ۴ و ۵)، طوفانی ناگهانی بوجود آورد که تعداد زیادی از سربازان دشمن را از بین برد (فصل ۵ آیه ۲۱) و قوم اسرائیل نجات می یابد.

به اطمینانی که این مردان جنگی به دَپورَه داشتند بیاندیشید. در حالی که از یک جهت خوب بود (بدون شک)، چرا باید همیشه به مقدار اطمینانی که به هرکس داریم محتاط باشیم؟

دوشنبه

جَدْعُون

۱۸ ژانویه

فصل ۶ آیه ۱ کتاب داوران را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی دارد می افتد؟ داوران فصل ۶ آیه ۱۰ را ببینید.

بعد از دَپورَه، سرزمین برای چهل سال آینده از آرامش لذت برد، اما خیلی زود در دستان ستمگران گرفتار شدند. این بار میان بودند، کسانی که همراه با هم پیمانان شان، وارد اسرائیل شدند و همه محصولات تازه کاشته شده آنها را نابود می کنند و احشام آنها را می دزدند. (داوران فصل ۶ آیه های ۳ تا ۵). قوم بنی اسرائیل بسیار فقیر شد و به درگاه خداوند فریاد برآوردند (داوران فصل ۶ آیه های ۶ و ۷). ایشان دریافتند که خداهای متداولشان حالا دیگر بی فایده بودند.

فصل ۶ آیه های ۱۲ تا ۱۶ کتاب داوران را بخوانید. فرشته خداوند به جَدْعُون چه گفت و واکنش او چه بود؟ آیا نایبستی درک می کرد که چرا به چنین وضعی دچار بودند؟ داوران فصل ۶ آیه های ۷ تا ۱۰ را ببینید.

اگرچه شکایت جَدْعُون بی جا بود (آنها نافرمان بودند؛ به همین دلیل مورد ظلم و ستم قرار گرفتند) خدا برای نجات دوباره آماده بود اما این بار از طریق جَدْعُون. چقدر جالب که خدا جَدْعُون «مرد زورآور» را انتخاب کند درحالی که جَدْعُون خود را کاملاً چیزی دیگر تصور می کرد: «اما سرورم من چگونه می توانم اسرائیل را نجات دهم؟ این طایفه من در منسی ذلیل تر از همه است و خود من در خاندان پدرم کوچکترینم.» (داوران فصل آیه ۱۵). بدون شک که جزء حیاتی نیروی جَدْعُون حس ضعف و بی ارزش بودن خود او بود.

همچنین به پرسشی که جَدْعُون در داوران فصل ۶ آیه های ۳۶ تا ۴۰ از خداوند پرسیده بود، توجه کنید. به خاطر همین آگاهی از نابرابری ها بر علیه آنها و ضعف خود او بدنبال ضمانت ویژه حضور خدا بود. از این رو، در اینجا مردی را داریم

که خیلی خوب وابستگی کاملش به خدا را درک کرد. در داوران فصل ۷ می توانیم درباره موفقیت شگفت انگیز جَدْعُون بر علیه ستمگران قومش و نجات قوم اسرائیل توسط خدا بخوانیم.

چرا خداوند تصمیم می گیرد که در مسیر این نجات از انسان های ساقط در گناه استفاده کند؟ به همین دلیل، آیا می توانست «بیش از دوازده فوج از فرشتگان» را فرا بخواند (متی فصل ۲۶ آیه ۵۳) تا آنچه را که در آن زمان برای قوم اسرائیل مورد نیاز بود انجام دهد؟ ما به عنوان انسان های ساقط در گناه چه نقشی در نبرد بزرگ و انتشار مژده انجیل بازی می کنیم؟

سه شبهه

شَمْشُون

۱۹ ژانویه

خطوط جنگی بین نیک و شر در داستان شَمْشُون نامشخص به نظر می رسند. زندگی اش از سبکی جالب همراه با خبری از طرف فرشته خداوند آغاز می گردد بنا بر اینکه باید از ابتدای تولد نذیره باشد. فرشته به پدر و مادر شَمْشُون نحوه آماده بودن برای فرزند ویژه شان را می آموزد. به مادر گفته می شود که الکل و یا خوراک حرام مصرف نکند (داوران فصل ۱۳ آیه های ۴، ۱۳ و ۱۴؛ همچنین فصل ۱۱ لایوان را ببینید). براستی که خدا نقشه های بخصوصی برای شَمْشُون داشت؛ متأسفانه همه چیز به آن خوبی که انتظار می رفت از آب در نیامد.

«به محض ورودش به دوران بلوغ، همان زمانی که او می بایست مأموریت الهی اش را به اجرا درآورَد - زمانی که بیشتر از همیشه میباید با خدا صادق بوده باشد - شَمْشُون به دشمنان قوم اسرائیل پیوست. او نپرسید آیا می توانست خدا را زمانی که با هدف انتخابش یکی می شد بهتر ستایش کند، یا آیا خود را در جایگاهی می دید که نمی توانست انجام این هدف را بواسطه زندگی اش تکمیل کند. خدا به همه آن هایی که نخست در جستجوی عزت نهادن به او هستند، حکمت را وعده داده است؛ اما برای آن هایی که در پی خشنودی خودشان هستند وعده ای وجود ندارد.» - الن جی هوایت، شیوخ و انبیاء، صفحه ۵۶۳.

داوران فصل ۱۴ آیه ۱ تا ۴ را بخوانید. چطور ممکن است خدا از ضعف شَمْشُون برای زنها به عنوان «فرستی جهت اقدام در برابر فلسطینی ها» استفاده کند؟ (آیه ۴).

شَمْشُون بطرق مختلف بر علیه فلسطینی ها «اقدام کرد»، هر کدام در پاسخی از روی خشم به خاطر اهانت های شخصی. ابتدا او سی نفر را کشت و لباس های شان را به جشن عروسی برد تا بدهی اش را پردازد (داوران فصل ۱۴ آیه ۱۹). آنگاه گندم زارهای شان را هنگامی که همسرش به ساق دوشش داده شد نابود کرد. (داوران فصل ۱۴ آیه ۲۰ و فصل ۱۵ آیه ۱ تا ۵). سپس شَمْشُون بسیاری را به انتقام کشتن همسر و پدر او توسط فلسطینی ها کشت. (داوران فصل ۱۵ آیه های ۶ و ۷ و ۸). هنگامی که فلسطینی ها سعی به تلافی آن کار داشتند (داوران فصل ۱۵ آیه ۹ و ۱۰)، او هزار نفر را با استخوان فک الاغی از بین برد. (داوران فصل ۱۵ آیه ۱۴ و ۱۵). در آخر او معبدشان را ویران کرد و سه هزار نفر را به خاطر کور کردن خود از پا در آورد (داوران فصل ۱۶ آیه ۲۱، ۲۸ و ۳۰).

صحبت از قهرمانی معیوب و ناقص است. به نظر موارد بسیار اندکی درباره شَمْشُون وجود دارد که ما باید بدنبال تقلید از او باشیم، ولو اینکه او در رساله به عبرانیان فصل ۱۱ آیه ۳۲ همراه با بعضی شخصیت های بلندمرتبه در یک فهرست قرار می گیرد. واضح است حقایق بسیاری در این داستان وجود دارد که پنهان مانده است. به این فکر کنید که خدا با شَمْشُون چه کاری می توانست انجام دهد. در مورد خودمان چطور؟ برای تحقق امکانات خودمان چه کارهای بیشتری می توانیم انجام دهیم؟

چهارشنبه

۲۰ ژانویه

روت

به جای صحبت درباره ارتش های بزرگ دشمن که قوم خدا را تهدید کرده اند، داستان روت درباره مسئله کوچک تری صحبت می کند: یک خانواده تقریباً در حال نابودی دوباره احیاء می گردد. در حالی که دو مضمون بزرگتر را در بر می گیرد - آفرینش خدا نابود می شود و قوم او مورد تهدید قرار می گیرند - روت همچنین از نبرد بزرگ در سطح فردی می گوید، آنجا که در واقعیت همیشه ادامه داشته است. جای شگفتی نیست که سرزمین یهودا در عصر داوران از خشکسالی رنج می کشید (روت فصل ۱ آیه ۱، تنبیه فصل ۲۸ آیه ۴۸، فصل ۳۲ آیه ۲۴؛ همچنین داوران فصل ۱۷ آیه ۶، فصل ۲۱ آیه ۲۵ را ببینید). این نشانه ای بود که قوم عهد و پیمان خدا را ترک کرده اند. گناه و سرکشی زمینی که شیر و شهد در آن جاری بود را به زمینی خشک و بایر تبدیل کرد، اما در کتاب روت، خدا سرزمین را «دلجویی نموده» و زندگی را به آن بازگرداند، «به ایشان دوباره نان داد» (روت فصل ۱ آیه ۶).

هنگامی که اَلِیْمَلْک، همسرش نَعُومی و دو پسر جوانش ابتدا به موآب رفتند، آن‌ها رفتند چرا که آینده‌ای می‌خواستند. سرزمین دشمن اعانه‌ای موقتی ارائه داد اما، زمانی که شوهر و دو پسرش مردند، نَعُومی در نهایت تصمیم گرفت به وطن خود بازگردد.

روت فصل ۱ آیه ۸، ۱۶ و ۱۷ را بخوانید. اهمیت خواست روت برای همراهی با نَعُومی چیست؟

روت از ملت دشمنی بود که در فرصت‌های بسیاری تلاش کرد تا اسرائیل را نابود کند، اما او خواست که همراه با قوم خدا شناخته شود و خدای آنها را ستایش کند. علاوه بر این، او در نظر میهنی که خود اختیار کرده بود التفات یافت، نه فقط از طرف بوَعز (روت فصل ۲ آیه ۱۰) بلکه همچنین بواسطه مردمی که او را می‌شناختند (روت فصل ۲ آیه ۱۱). بوَعز اعتماد داشت که او در نظر خدا نیز التفات یافته است (روت فصل ۲ آیه ۱۲) و تحسین خود را نسبت به او یک قدم جلوتر برد و برای ازدواج با او موافقت کرد (روت فصل ۳ آیه ۱۰ و ۱۱).

به هر حال، فامیل نزدیک‌تر از بوَعز وجود داشت که ادعای نخست زمین مرد مرده را داشت اگر او با روت ازدواج می‌کرد. به هر حال فامیل نزدیک‌تر میلی به همسر دیگر نداشت، چرا که برنامه‌های مالی‌اش را پیچیده می‌کرد (روت فصل ۴ آیه ۶). در این مرحله مجمع شاهد‌ها روت را برکت داد، او را مانند زنان بزرگ در تاریخ اسرائیل شناختند (روت فصل ۴ آیه ۱۱ و ۱۲)، این امر واقع شد زمانی که او جد مسیح شد. (روت فصل ۴ آیه ۱۳ و ۱۷؛ متی فصل ۱ آیه ۵ و ۶).

صحبّت از داستانهای «تا ابد شاد و خوشبخت زندگی کردن» است. متأسفانه، تعداد زیادی از آن‌ها در کتاب مقدس موجود نیست. بدون شک، تعداد زیادی از آن‌ها خارج از کتاب مقدس نیز وجود ندارد. گرچه در اینجا نیز می‌توانیم ببینیم که با وجود بالا و پایین‌های زندگی در نهایت اراده خدا حاکم خواهد شد؛ و این همان خبری نیکو است برای تمام کسانی که خدا را دوست می‌دارند و به او اعتماد می‌کنند.

۲۱ ژانویه

پنجشنبه

سموئیل

ابتدای کتاب سموئیل چه ارتباطی با نبرد بزرگ دارد؟ تهدید مشهودی برای نظم خلقت وجود ندارد و ارتش‌های بزرگ بر سر مرز وجود ندارند. حملات شریک ماهرانه‌تر و به همان اندازه حقیقی‌اند.

کتاب اول سموئیل فصل ۲ آیه های ۱۲ تا ۲۵ را بخوانید. چگونه واقعیت نیک در برابر شر را در این آیه های غم انگیز آشکار می بینیم؟

«هر چند او (عیلی) به حکمرانی مردم منصوب شده بود، اما اهل خانه خودش را اداره نکرد. عیلی پدری بخشنده بود. دلباخته آرامش و آسودگی، او اقتدارش را جهت تصحیح عادت های بد و هوای نفس فرزندانش بکار نبرد. به جای مخالفت با آن ها یا تنبیه شان، تسلیم اراده آنها می شد و به آن ها اجازه می داد راهشان را ادامه دهند.» - الن جی هوایت شیوخ و انبیاء صفحه ۵۷۵. در مقایسه با آن ها، پسر بچه ای را می بینیم که لباس کاهنی بر تن داشت (کتاب اول سموئیل فصل ۱۲ آیه ۱۸ و ۱۹) و عیسی «در حکمت و قامت و رضامندی نزد خدا و مردم ترقی می کرد» (کتاب اول سموئیل فصل ۲ آیه ۲۶؛ لوقا فصل ۲ آیه ۵۲). این سموئیل بدون شک رهبری قدرتمند و وفادار در اسرائیل شد. «و تمام اسرائیل از دان تا بئرشیع دانستند که سموئیل برقرار شده است که نبی خداوند باشد.» (کتاب اول سموئیل فصل ۳ آیه ۲۰).

به هر حال این بدان معنا نیست که همه چیز به خوبی پیش رفت. قوم در جنگ با فلسطینی ها مواجه شد و دو پسر عیلی کشته شدند؛ فلسطینی ها تابوت عهد خدا را گرفتند و وقتی عیلی ۹۸ ساله خبر را شنید از دنیا رفت (کتاب اول سموئیل فصل ۴ آیه ۱۴ تا ۱۸).

متأسفانه، سموئیل می باید همان مشکلی که عیلی با آن روبرو بود را تجربه می کرد: پسرانی که در وفاداری و صداقت او را پیروی نکردند (کتاب اول سموئیل فصل ۸ آیه ۱ تا ۷).

سموئیل نقطه تحولی در تاریخ قوم خدا را بوجود آورد. او آخرین داور بود و شخصیت کلیدی در پیشبرد نبرد بزرگ. تأثیر مداوم او مردم را در دوره سختی راهنمایی کرد. جای افسوس دارد که پسرانش از او تبعیت نکردند، اما خدا به دودمان انسان ها وابسته نیست. مانند نتیجه ارتدادشان، شیوخ درخواست پادشاه کردند که بهترین گزینه نبود، همانطور که قرن های تاریخ بعدی آشکار خواهد نمود.

مهم نیست که زندگی خانوادگی مان چقدر خوب یا بد است ما برای کسی که به او در نبرد بزرگ خدمت می کنیم، پاسخگو هستیم. هر اشتباهی که شما مرتکب شده اید، چرا همیشه باید آن را به خاطر آورید امروز، هم اکنون هرگز دیر نیست که با خداوند آن را اصلاح کنید؟ ممکن است فردا خیلی دیر باشد، اما نه امروز.

اندیشه ای فراتر:

کتاب مقدس به خاطر نادیده نگرفتن گناه انسانها شناخته شده است. اگر این کار را انجام می داد، چطور می توانست شرح حال بشریت را چنین دقیق به تصویر بکشد؟ یک ترسیم واضح ویژه از شرارت انسان در کتاب اول سموئیل فصل ۲ آیه های ۱۲ تا ۲۵ دیده می شود، زمانی که پسران عیلی در مقایسه با سموئیل جوان نشان داده شده اند. کتاب اول سموئیل فصل ۲ آیه ۱۲ می فرماید، «پسران عیلی از بنی بَلِیعال بودند و خداوند را نشناختند.» نخست به مغایرت توجه کنید: اصل و نسب نقشی مهم در زندگی بر پایه کتاب مقدس بازی می کند و در این یک خط «پسران عیلی» اکنون به «پسران بَلِیعال» تبدیل شدند. بَلِیعال کلمه ای غنی است، در اشکال و مفاهیم مختلف، تقریباً همیشه منفی استفاده شده است. در حقیقت، به کل و بَلِی عبری مربوط می شود، که به معنی «مخالفت» یا «خیر» یا «بدون» است. «بَلِیعال» خود به معنی «بی ارزش»، «بی فایده» می باشد و در جاهای دیگر همانطور که نظر به پسران عیلی بود استفاده می شود؛ برای همین مردان دیگر نیز «پسران بَلِیعال» خوانده شدند. (کتاب دوم تواریخ فصل ۱۳ آیه ۷ و کتاب اول پادشاهان فصل ۲۱ آیه ۱۳). در امثال فصل ۶ آیه ۱۲، به مفهوم شریر است. (در دوران قدیم دیگری نزدیک به ادبیات شرق، بَلِیعال به عنوان نام دیگری برای خود شیطان دیده می شود). تقریباً در هر موردی در کتاب مقدس امری منفی ظاهر می شود. بعنوان انسان ها، موافق شبیه خدا آفریده شدند، آن ها به منظور یک هدف و برای داشتن مفهوم آفریده شدند؛ و هنوز طبق نظر کتاب مقدس، این مردان بی ارزش و «پسران بی ارزشی» بودند. چه ضایع کردن غم انگیز زندگی. ما یا برای خداوند، کاری براساس مفهوم و هدف برای او انجام می دهیم و یا در پایان، بی ارزش هستیم. همچنین نظر به اینکه همه هستی ما و هدف مان برای زندگی فقط از جانب او می آید معنی پیدا می کند.

پرسش هایی برای بحث:

۱. کتاب مقدس این را آشکار می کند: در نبرد خط میانه ای وجود ندارد: ما یا در یک طرف هستیم یا طرف دیگر، طرف مسیح یا شیطان. ولی زندگی آن گونه که می شناسیمش همیشه با چنین تضادهای نیرومند آشکار نمی شود. درست است؟ گاهی اوقات مطمئن نیستیم که چه تصمیمی صحیح است یا چه تصمیمی اشتباه است؛ حتی در شرایط اخلاقی، همینطور. همیشه تصمیم گرفتن به این که چه کاری باید انجام بدهیم به این سادگی نیست.. چه راه هایی هست که می توانیم برای کمک به انتخاب درست مان راهنمایی (رهنمود) را جستجو کنیم، در این زمانه، خیلی آسان نیست که بدانیم چه انتخابی «درست» است؟

۲. باز چه راه هایی کسانی که مورد تحسین شما بودند به گونه ای موجب نا امیدی شما شدند؟ در عین حال، به چه روش هایی شما باعث نا امیدی آن هایی شده اید که نظر تحسین به شما داشتند؟ از این اتفاقات درباره ایمان، اعتماد، فیض و ضعف اخلاقی انسان چه درمی یابید؟

نبرد ادامه دارد



بعد از ظهر شنبه

برای مطالعه این هفته: کتاب اول سموئیل فصل ۱۷ آیه های ۴۳ تا ۵۱، کتاب دوم سموئیل فصل ۱۱ آیه های ۱ تا ۱۷، کتاب اول پادشاهان فصل ۱۸ آیه های ۲۱ تا ۳۹، کتاب دوم پادشاهان فصل ۱۹ آیه های ۲۱ تا ۳۴، استر فصل ۳ آیه های ۸ تا ۱۱، نحمیا فصل ۱ را بخوانید.

آیه حفظی: «پس ایشان را از دست خدای خویش که به مهربانی بر من بود و نیز از سخنانی که پادشاه به من گفته بود، آگاه ساختم. پاسخ دادند: 'بیایید برخیزیم و بنا کنیم.' پس دستان خویش را به جهت انجام این کار نیکو قوی ساختند.» (نحمیا فصل ۲ آیه ۱۸)

وقتی زندگی داود، ایلیا، حزقیال، استر و نحمیا را با هم مقایسه می کنیم، موضوعات مشابه ای به چشم می خورد: خدا قادر است از مردم «ناچیز» برای برگرداندن جریان شر استفاده کند. در میان بعضی از این گزارشات می توانیم ببینیم که باوجود موانع زیاد، نیازی نیست زیر فشار طاقت فرسای شر خم شویم. در مقابل می توانیم محکم بایستیم، ولی فقط در قدرت خدا که به عهد و پیمان خویش پایبند است، عهدهایی که در عیسی تحقق می یابند. وقتی که قوم خدا در توانایی او تاب می آورند، خواهند دید که نیروهای شریر به اندازه کافی برای غالب شدن نهایی قدرتمند نیستند.

تمرکز و چالش، برای ماست تا در نجاتش لذت ببریم. این همیشه در بافت چالش های طاقت فرسا که گاهی خود را درگیر آن می بینیم معنی ندارد، چالش هایی که بسیار بزرگتر از خودمان هستند. شادی در نجات بواسطه خدا پیش از رسیدن نجات اقامی است از روی ایمان و عبادت، تا اینکه پی آمد منطقی آنچه باشد که در اطرافمان رخ می دهد. از سوی دیگر بخاطر آنچه مسیح برای ما انجام داده است، اعتماد به وفاداری خدا واقعاً تنها کار منطقی است که می توانیم انجام دهیم.

*درس این هفته را برای آمادگی روز شنبه ۳۰ ژانویه مطالعه کنید.

داود، جلیات و بتشبع

زندگی پیچیده است و این به خاطر این است که به عنوان انسان، ما پیچیده هستیم. تصور کنید - مخلوقات که بصورت خدا آفریننده جهان آفریده شدند، ولی بعدها خودشان را فاسد کردند. تعجبی نیست که امکانات مان برای هر دو امر نیک و شر می تواند به سطوح جالب توجهی برسد؛ و فقط این نیست که بعضی مردم به سطوح بسیار عالی «نیکی» نائل می شوند در حالی که دیگران، متأسفانه به نهایت تباهی نزول می کنند. در عوض، هر دوی این منتهی درجه ها می تواند در همان شخص آشکار گردند! خبر عالی این است کسانی که زمانی پست ترین بودند، به فیض خدا، کارهای عظیمی برای خود و بشر انجام داده اند. البته، خلاف آن نیز می تواند اتفاق بیافتد: آنهایی که در منتهی درجه بلندی هستند می توانند به ژرفا سقوط کنند. شیطان و نبرد بزرگ واقعی است و جز اتصال به خداوند، حتی بهترین ما می تواند به طعمه ای برای دشمن مان تبدیل شود. (رساله اول پطرس فصل ۵ آیه ۸).

کتاب اول سموئیل فصل ۱۷ آیه های ۴۳ تا ۵۱ را بخوانید. چه کلماتی از دهان داود بیرون آمد که برای فهم پیروزی اش بسیار مهم است؟ در مقابل، کتاب دوم سموئیل فصل ۱۱ آیه های یک تا ۱۷ را بخوانید. چه تضاد چشم گیری را در همان انسان می بینیم؟ چه چیز این تفاوت را بوجود آورد؟

داود کسی که جلیات غول پیکر را شکست داد همان داودی است که مغلوب شهوت و خودبینی خویش گشت. این مرد قبلاً چه تعداد زن داشت؟ و او یکی دیگر را می بیند، یک زن شوهر دار و پس ناگهان این گفته ها که «جنگ از آن خداوند است» (کتاب اول سموئیل فصل ۱۷ آیه ۴۷) یا «که در اسرائیل خدایی هست» (کتاب اول سموئیل فصل ۱۷ آیه ۴۶) کجا می روند؟ اگر زمانی بود که داود نه تنها نیاز داشت بداند «نبرد از آن خداوند است» بلکه با زره خدا بر تن بجنگد، آن در منطقه جنگی دره ایلاه نبود بلکه در گوشه کنار قلب خودش آنجا که درون هر یک از ما نبرد بزرگ بیداد می کند.

وقتی که داود به خود آمد بعد از سقوط وحشتناکش با بتشبع، داود به اندازه کافی حزن و احساس خطاکار بودن تا پایان عمر داشت. اندوهش او را در نوشتن مزامیر فصل ۵۱ هدایت نمود، آنجا که او برای قلبی پاک (آیه ۱۰) و بازگرداندن رابطه اش با خدا به حالت قبل التماس می کند. (آیه های ۱۱ و ۱۲). در کشمکش

عظیم عالم هستی، انسان های پر قدرت به اندازه اشخاص دون پایه آسیب پذیر هستند؛ با این حال خدا خواهان همیاری با کسانی است که حقیقتاً توبه کرده اند.

هم اکنون درباره خودتان - پیروزی ها، دل شکستگی ها، غلبه ها و شکست هایتان بیاندیشید. چطور می توانید دروس هر یک از این داستان ها را در مورد شرایطی که هم اکنون با آن روبرو هستید به کار ببندید؟

دوشنبه

۲۵ ژانویه

بازگشت قلبها

ایلیای تَشْبِی باید یکی از جالب ترین شخصیت های کتاب مقدس باشد. ابتدا او را در حضور پادشاه یکه خورده ای می بینیم که به او می گوید تا سه سال دیگر بارانی نخواهد بارید (کتاب اول پادشاهان فصل ۱۷ آیه یک). نزدیک شدن به یک پادشاه و فرار از او ساده نبود، اما این مرد پر مو با کمر بند چرمی (کتاب دوم پادشاهان فصل یک آیه ۸) از میان نگهبانان عبور می کند، پیام خدا را منتقل نموده، سپس به سمت کوهستان حدود ۱۲ کیلومتر دورتر فرار می کند.

این ها لحظات تأسف باری برای پادشاهی شمال اسرائیل بود. اکثراً خداوند خدا را ترک کرده بودند (کتاب اول پادشاهان فصل ۱۹ آیه ۱۰) و در عوض داشتند خداهای باروری را می پرستیدند. گفتن اینکه بارانی نخواهد بارید چالشی مستقیم در برابر بَعْل بود، همان که تصور می شد باران را برای تضمین حاصلخیزی محصولات و گله ها خواهد بارانید تا کشاورزان را ثروتمند سازد. آداب مذهبی متداول بر باروری و درآمد تمرکز داشت.

برای سه سال آینده خدایان باروری بسیار مهم هستند. سپس ایلیا دوباره با پادشاه مقابله می کند و مواجهه ای بین خود او و همه انبیاء بَعْل و الهه اشیریم (الهه باروری) صورت گیرد - یک مرد در مقابل ۸۵۰ نفر (کتاب اول پادشاهان فصل ۱۸ آیه های ۱۷ تا ۲۰).

وقتی روز موعود فرا رسید و جمعیت بر کوه گرِمِل گرد آمدند، ایلیا به مردم گفت: «تا به کی میان دو فرقه می لنگید؟» (کتاب اول پادشاهان فصل ۱۸ آیه ۲۱). گاوهای نر انتخاب و برای قربانی آماده شده اند و مردم منتظر شدند تا ببینند کدام خدا با فرستادن آتش از آسمان به اندازه کافی قدرمند است. گاو نر نیرومندترین سوژه مذاهب باروری عهد عتیق بود. بطور حتم خدایان توان باروری شان را نشان خواهند داد.

کتاب اول پادشاهان فصل ۱۸ آیه های ۲۱ تا ۳۹ را بخوانید. با وجود حقیقت محض نبرد بزرگ در اینجا، ایلیا در واقع می خواست چه اتفاقی در اسرائیل بیافتد و چرا امروزه این موضوع اینقدر برایمان مهم است؟

جواب در کتاب اول پادشاهان فصل ۱۸ آیه ۳۷ نهفته است. معجزه با وجود تأثیر گذار بودنش، خود مشکل واقعی نبود: مشکل وفاداری اسرائیل به عهد بود. بعلاوه توجه کنید که چه کسی دل هایشان را بازگردانده بود. خود خداوند بود، حتی پیش از اینکه خود معجزه آشکار گردد. ولی خدا دل ها را به بازگشت به او مجبور نمی کند. او روح القدس خویش را می فرستد و مردم به آن روح پاسخ می دهند، ابتدا باید انتخاب کنند که به او بازگردند؛ فقط در این صورت، با قدرت او می توانند برطبق آن انتخاب عمل کنند. امروزه این موضوع فرقی نمی کند. تنها قدرت خداست که به تپش هر قلبی نیرو می بخشد، اما او حتی یکی از آن قلبهای تپنده را به پیروی از خود وادار نمی کند.

سه شنبه

۲۶ ژانویه

کلام مخالفت

وقتی که پادشاهی آشور ابرقدرت جدید، پادشاهی اسرائیل در شمال را تصرف نمود و ساکنانش را در سرتاسر بین النهرین پراکنده ساخت حزقیا پادشاه یهودا بود. (کتاب دوم پادشاهان فصل ۱۸ آیه های ۹ تا ۱۲). «آنچه که او بیش از این نمی توانست از طریق آنها در سرزمین پدری شان انجام دهد تلاش کرد تا بوسیله پراکنده کردن شان در میان بت پرستان به این مهم دست یابد. ولی نقشه او برای نجات همه آن کسانی که می خواهند از عفو نجات دهنده ی نسل بشر سودی ببرند باید تحقق یابد؛ و بخاطر پریشانی هایی که بر سر قوم اسرائیل آمد او داشت راه را برای آشکار شدن جلالش برای همه امتهای زمین آماده می کرد.» - الن جی هوایت، پیامبران و پادشاهان، صفحه ۲۹۲.

چند سال بعد، سَنحاریب پادشاه آشور توجهش به سمت یهودا جلب شد و تمامی شهرهای حصار دار را تصرف کرد و به زور مالیاتهای سنگین مطالبه کرد (کتاب دوم پادشاهان فصل ۱۸ آیه های ۱۳ تا ۱۵). گرچه حزقیا خزانه های کاخ سلطنتی و معبد را خالی کرد، پادشاه آشور راضی نبود و مأمورانی برای مذاکره در خصوص تسلیم اورشلیم فرستاد.

سپس آشوریان مردم را مسخره کردند، با اخطار نظر به اینکه هیچکدام از خدایان امت های همسایه، آنها را از دست پادشاه آشور نرهانیدند؟ چه چیز باعث می شود که

یهودیان گمان کنند خدایشان کار بهتری انجام خواهد داد؟ (کتاب دوم پادشاهان فصل ۱۸ آیه های ۲۸ تا ۳۰، ۳۳ تا ۳۵).

سپس حزقیا تنها کار ممکن را انجام داد - او دعا کرد (کتاب دوم پادشاهان فصل ۱۹ آیه های ۱۵ تا ۱۹). خدا قبلاً از اشعیاء برای تشویق حزقیا استفاده کرده بود (کتاب دوم پادشاهان فصل ۱۹ آیه ۶) و حال دوباره خدا نبی را به سوی او فرستاد.

کتاب دوم پادشاهان فصل ۱۹ آیه های ۲۱ تا ۳۴ را بخوانید، بخصوص آیه های ۲۱ و ۲۲. پیام خدا به قوم خود در خلال این بحران وحشتناک چیست؟

پی آمد تمام این ماجرا زمانی دیده شد که ارتش عظیم آشوری اطراف دیوارهای اورشلیم اردو زد. ساکنان وحشت زده شهر محصور یک روز صبح برخاستند، نه برای دیدن اقدامات نهایی پیروزی ارتش که نزدیک بود استحکامات شهر محصور را از هم بپاشد بلکه برای دیدن لاشه سربازانی که روی زمین در سکوتی مرگبار تا آنجا که چشم می دید پراکنده شده بودند (کتاب دوم پادشاهان فصل ۱۹ آیه ۳۵). پادشاه سرافکنده آشور به خانه بازگشت تا پایان زندگیش را در دستان پسران خودش ببیند (کتاب دوم پادشاهان فصل ۱۹ آیه های ۳۷ و ۳۷).

چطور می توانیم حتی در شرایط دلسرد کننده و ظاهراً ناممکن بیاموزیم که به خداوند اعتماد کنیم؟ چرا باید تصویر کامل را در نظر داشته باشیم بخصوص وقتی مسائل همیشه حداقل اکنون به طریق مثبتی تمام نمی شوند؟

۲۷ ژانویه

چهارشنبه

حکم مرگ

امروزه درک رسوم و سنن امپراطوری ایران باستان برایمان دشوار است، (همانطور که شکی نیست برای مردمان فرهنگ های مختلف در سرتاسر قرون بوده است) آنجا که داستان استر شکوفا شد. ولی یک چیز مسلم است: خداوند از آن امپراتوری در به جا آوردن وعده های پیمان به قوم اسرائیل استفاده کرده بود، وعده هایی که به ابراهیم بر می گشت (پیدایش فصل ۱۲ آیه های یک تا ۳، اشعیاء فصل ۴۵ آیه یک، کتاب دوم تواریخ فصل ۳۶ آیه ۲۳ را ببینید).

استر دختر جوان یهودی خود را ملکه یافت. اگرچه نحوه صعودش نسبت به یوسف در مصر یا دانیال در بابل نسبتاً متفاوت بود، او (همانطور که یوسف و دانیال بودند)

همانجا که خداوند می خواست باشد، بود و بواسطه خدا در راهی قدرتمند بکار برده شد، همان که چگونگی به تحقق رسیدن موضوع نبرد بزرگ در تاریخ را شرح داد.

استر فصل ۳ آیه های ۸ تا ۱۱ را بخوانید. نقشه های خدا برای قوم یهود را به خاطر بسپارید، بویژه در رابطه با آمدن مسیح موعود. موفقیت این حکم چه عواقبی در پی خواهد داشت؟

«پادشاه نتایج دور از دسترس را که در به پایان رساندن این فرمان همراهی می کرد درک نکرد. خود شیطان، تحریک کننده پنهان این توطئه، داشت تلاش می کرد تا زمین را از وجود محافظان دانش خدای حقیقی پاک نماید.» الن جی هوایت، انبیاء و پادشاهان صفحه ۶۰۰ و ۶۰۱؛ و از همین قوم، نجات دهنده جهان خواهد آمد.

چقدر جالب است که مشکل از عبادت شروع شد (استر فصل ۳ آیه های ۵ تا ۸) و سرپیچی گروه مشخصی از مردم در پیروی از قوانین و سنن کسی که در رأس قدرت قرار داشت. بنابراین، بطور حتم، شرایط در آخر جهان متفاوت خواهد بود، واقعیت پشت آن - نبرد بزرگ بین مسیح و شیطان - هنوز همانگونه است و آن هایی که می خواهند به خدا وفادار باشند با همان چیزهایی روبرو خواهند شد که یهودیان در اینجا روبرو شدند. به ما اخطار داده شده است که در صحنه های پایانی تاریخ زمین، فرمان صادر خواهد شد، که «هر که صورت وحش را پرستش نکند، کشته گردد.» (مکاشفه ۱۳ آیه ۱۵). چیزی که از تاریخ می آموزیم این است که از تاریخ درس عبرت نمی گیریم.

چرا ما اغلب تمایل داریم نسبت به کسانی که از ما متفاوتند بدگمان باشیم؟ چرا باید حقایق نیرومند آفرینش و رستگاری، حقایقی که ارزش ویژه هر انسان را نمایان می سازند، به ما نشان بدهند چقدر این طرز فکر اشتباه است؟ چطور می توانیم دل هایمان را از این گرایش بسیار نادرست پاک سازیم؟

۲۸ ژانویه

پنجشنبه

نحمیا

داستان نحمیا همان زمانی می آید که قوم اسرائیل دیگر به عنوان نهاد سیاسی وجود ندارد بلکه به عنوان بقایای پراکنده در سراسر سرزمین های خارج. بنابراین خدا، مثل همیشه، به وعده های عهد خود وفادار خواهد بود، حتی وقتی که مردم تا به پایان به عهد خود وفادار نبوده اند.

نحمیا فصل ۱ را بخوانید. پس زمینه دعای او چیست؟ از چه طرقی یادآور دعای دانیال در کتاب دانیال فصل ۹ آیه های ۴ تا ۱۹ است؟ در هر دوی موارد، مشکل چیست، و چگونه در تمامی نمایش نبرد بزرگ نقش ایفاء می کند؟

نحمیا با لطف پادشاه، اجازه یافت تا بازگشته و اورشلیم را دوباره بازسازی نماید. نحمیا در بازگشت خود، چند روز اول را فقط به بررسی پرداخت. او تلاش می کند تا شبانگاهان شهر را بازبینی نماید، اما توده های نخاله چنان وسیع و پهناور هستند که او نمی تواند دورتر برود. (نحمیا فصل ۲ آیه ۱۴)؛ بنابراین، برای بررسی اوضاع به خارج از دیوارها می رود (نحمیا فصل ۲ آیه ۱۵).

نحمیا فصل ۲ آیه های ۱۶ تا ۱۸ را بخوانید. فکر می کنید نحمیا چطور رهبران را برای شروع کار بر چیزی که فکر می کردند غیر ممکن است متقاعد کرد؟ نحمیا به کلیسای امروزمان چه می آموزد؟

اگر چه نحمیا در وهله اول به رهبران نگفت که چرا آمده است، برخی افراد وجود داشتند که خوشحال نبودند و هر کاری می توانستند کردند تا از انجام هر اقدامی در جهت بهتر شدن اورشلیم جلوگیری نمایند (نحمیا فصل ۲ آیه ۱۰، ۱۹ و ۲۰). وقتی کار تعمیر حصارها شروع شد (نحمیا فصل ۳)، این مأموران بیگانه «خشمگین و بسیار غضبناک» گردیدند (نحمیا فصل ۴ آیه یک) و تلاش ها را به ریشخند گرفتند (آیه های ۲ و ۳). وقتی دیدند قوم خدا در کارشان جدی هستند (آیه ۶)، خشمگین شدند و نقشه حمله ای را طرح کردند (آیه های ۷ و ۸).
عقب نشینی کردن بسیار ساده می بود؛ ولی با وجود همه این دسیسه ها بر علیه اقدام شان، ایشان پافشاری کردند. نحمیا با اعتماد به خدا شاهد بازسازی حصار بود و تهدیدهای دشمنانش را به دست خدا سپرد (نحمیا فصل ۶ آیه های ۱۴ و ۱۵).

همه ما با موانع روبرو می شویم. چطور می فهمیم چه وقت عقب نشینی کنیم و چه وقت ادامه بدهیم؟

اندیشه ای فراتر:

بدون شک کلام خدا، همانطور که این هفته مطالعه کردیم، به دفعات وفاداری او را به قومش نشان می دهد. بطور حتم، در خیلی از موارد، آن وقت که مسائل داشتند اتفاق می افتادند، وفاداری همیشه بدیهی یا آشکار نبود. به گزارشات که نگاه می کردیم، قادر بودیم اول تا آخر را ببینیم؛ بعضی از شخصیت های مورد بحث مانند اُریای حَتّی قادر نشدند. امروزه ما خود در نبرد بزرگ غوطه ور هستیم درست همانند کسانی که درباره شان مطالعه کرده ایم؛ و نه فقط ایشان، بلکه بسیاری دیگر وجود داشتند که اسم شان در داخل متن کتب مقدس آورده شده است ولی هیچوقت زنده نماندند تا ببینند امور اینچنین خوب از کار درآمدند. به همین خاطر این مسئله برای ما مسیحیان بسیار مهم است تا کلمات شگفت انگیز پولس را به یاد داشته باشیم، به خصوص وقتی روزگار سخت است (همانگونه که اغلب می تواند باشد) پس دلسرد نمی شویم. هر چند انسان ظاهری ما فرسوده می شود، انسان باطنی روز به روز تازه تر می گردد. زیرا رنج های جزئی و گذرای ما جلالی ابدی برایمان به ارمغان می آورد که با آن رنج ها قیاس پذیر نیست. پس نه بر آنچه دیدنی است، بلکه بر آنچه نادیدنی است چشم می دوزیم، زیرا دیدنی ها گذرا، اما نادیدنی ها جاودانی هستند؛ (رساله دوم به قرنثیان فصل ۴ آیه های ۱۶ تا ۱۸). اینجا پولس تلاش می کند تا توجه ما را نسبت به امری در پس دام ها، ضعف ها و نقطه ضعف های روزانه بشریت و همچنین به سوی تنها امیدی که زندگی را در اینجا به چیزی بیش از کار بیهوده بی رحم تبدیل می کند جلب نماید.

پرسش هایی برای بحث:

۱. برخی دیگر از وعده های کتاب مقدس که به امید نهایی مان اشاره دارند چه هستند؟ هر اندازه می توانید جمع آوری کنید و تنها یا در کلاس آن ها را با صدای بلند بخوانید و در آنچه به شما می گویند تأمل کنید. آن ها چه تصویری را به ما نشان می دهند؟
۲. آنچه سقوط داود را این چنین غم انگیز ساخت این بود که او بطور استثنایی مورد برکت خدا قرار گرفته بود. با وجود این همه که به او عطا شده بود - هنوز به همان گونه مرتکب گناه شد. با این حال، به جای تمرکز روی مسایل منفی، به یک جنبه مثبت از همه داستان فرومایه اش فکر کنید: رحمت خدا، حتی به کسی که از عرش به فرش سقوط کرده بود. این موضوع به ما در رابطه با اینکه رستگاری ای که ما در عیسی داریم چقدر واقعاً پر و کامل است؟ چطور اطمینان داشته باشیم که مهم نیست چه کار کرده ایم، یا چقدر سقوط کرده ایم، اگر ما مانند داود توبه کنیم، بخشش از آن ماست!

پیروزی در بیابان



بعد از ظهر شنبه

برای مطالعه این هفته: متی فصل یک آیه های ۲۰ تا ۲۳، یوحنا فصل ۹ آیه ۳۹، متی فصل ۳ آیه های ۷ تا ۱۲، فصل ۴ آیه های یک تا ۱۰، سفر تثنیه فصل ۳۴ آیه های یک تا ۴، مکاشفه فصل ۲۱ آیه ۱۰ را بخوانید.

آیه حفظی: «زیرا پسر انسان آمده تا گمشده را بجوید و نجات بخشد» (لوقا فصل ۱۹ آیه ۱۰).

«**هنگامی** که شیطان شنید عداوت میان خود او و زن و میان ذریت او و ذریت زن باید وجود داشته باشد، متوجه شد کار او در تباهی طبیعت انسان با وقفه مواجه خواهد بود... با این حال، هنگامی که نقشه نجات بطور کامل تری آشکار شد، شیطان به همراه فرشتگانش بخاطر عامل سقوط انسان بودن شادمانی کردند او می توانست پسر خدا را از جایگاه بلندمرتبه اش پایین بیاورد. او اعلان داشت که نقشه هایش بر روی زمین تا بدین جا موفقیت آمیز بوده و آن هنگام که مسیح می بایست طبیعت انسانی به خود بگیرد، او نیز ممکن است مغلوب گردد و در نتیجه از نجات نسل ساقط در گناه ممانعت به عمل خواهد آمد» - الن جی هوایت، شیوخ و انبیاء، ص ۶۶.

این هفته، ضمن اینکه وسوسه های در بیابان را از نظر می گذرانیم، می توانیم ببینیم نبرد بزرگ میان مسیح و شیطان را که اکنون اینچنین واضح در بین آنها ادامه دارد شاید قبلاً هرگز در کتاب مقدس به این وضوح آشکار نشده بود. شیطان ادعا کرده بود که دنیا از آن اوست و مسیح آمد تا آن را پس بگیرد؛ و محور پس گرفتن آن نقشه نجات بود. شیطان در کشتن عیسی بعد از تولد او شکست خورد، بنابراین راه دیگری را برای خرابکاری در نجات نسل بشر آزمود که ما آن را در وسوسه های بیابان بصورت آشکار می بینیم.

*درس این هفته را برای آمادگی روز شنبه ۶ فوریه مطالعه کنید.

عمانوئیل در صدد نجات

متی فصل یک آیه های ۲۰ تا ۲۳ را بخوانید. مفهوم نام داده شده به عیسی: «عمانوئیل» چیست؟

چرا عیسی به این دنیا آمد تا «با ما باشد»؟ اول، او آمد تا حاکمیتی که آدم از دست داد باز گرداند (رساله به رومیان فصل ۵ آیه های ۱۲ و ۱۵). ما نگاهی اجمالی به ویژگی شاهانه عیسی داریم (داشتن سلطه) موجب برانگیختن جمعیت شد (پنج هزار نفر خواستند او پادشاه شود) و هنگامی که کودکان آواز هوشیانا را سرودند (شکلی از دعا که مستقیم به کسی اشاره می کند که مردم را از دشمنانشان نجات می دهد). همچنین ما قدرتهای او را بر مخلوقات می بینیم، مانند توانایی اش در بازسازی دوباره انسان های صدمه دیده به انسانهای کامل (برای مثال، مرد نابینای مادر زاد و زنی که ۱۲ سال خونریزی داشت) و تأثیر قدرتش بر روی طبیعت، مانند زمانی که طوفان را آرام کرد و به باد و موج ها گفت خاموش باشند.

دوم او آمد تا داوری بیاورد و کارهای شیطان را نابود کند (یوحنا فصل ۹ آیه ۳۹، رساله اول یوحنا فصل ۳ آیه ۸). چند بار متعجب می شویم از اینکه چرا شریر کامیاب می شود؟ عیسی به بی عدالتی اشاره می کند و ما را دوباره قوت قلب می دهد که پایان نزدیک است. عیسی توسط دیوها به خاطر قدرتی که بر آن ها داشت شناخته شد. آن ها اغلب هویت حقیقی او را پیش از اینکه عیسی آن را آشکار نماید فریاد می کشیدند. او به تسخیر شدگان توسط دیو آرامش عطا کرد و هنگامی که دیگران از ترس می گریختند سلامت عقل شان را باز پس داد.

سوم، عیسی به دنیا آمد تا گمشده را بجوید و نجات بخشد (لوقا فصل ۱۹ آیه ۱۰) و گناهانشان را برگردد (یوحنا فصل یک آیه ۲۹). او شبیه به ما ساخته شد تا بتواند کاهن اعظمی امینی باشد و ما را به خدا بازگرداند (رساله به عبرانیان فصل ۲ آیه ۱۷). «معامله با گناه، انسان ها را از دست آن نجات دادن و به ایشان فیض، تبرئه و تجلیل، عدالت، عظمت بخشیدن - همه این ها هدف وعده برگزیده از ابتدا بود، که حال در عیسی مسیح تحقق یافت.»

—N. T. Wright (2009-09-25), Justification: God's Plan and Paul's Vision (Kindle Locations 1462-1463: InterVarsity Press. Kindle Edition).

در پایان، عیسی آمد تا ماهیت خدا را به ما نشان دهد، تا به ما و به دنیای نظاره گر نشان دهد سیرت حقیقی او واقعاً چگونه است؟ (یوحنا فصل ۱۴ آیه ۹).

هر کدام از این دلایل چگونه می توانند آمدن مسیح، زندگی شما و همراهی شما با خداوند را تقویت نماید؟

دوشنبه

۱ فوریه

تعمید عیسی

ظهور یحیی تعمید دهنده باید امواج شور و هیجان را به سرتاسر منطقه فرستاده باشد. او کسی بود شبیه ایلیای نبی (متی فصل ۳ آیه ۴، کتاب دوم پادشاهان فصل یک آیه ۸). او اولین صدای نبوی بود که مردم طی چهارصد سال شنیده بودند. خدا هیچ وقت برای چنین مدت طولانی خاموش نبوده بود. حال دوباره او داشت با مردم سخن می گفت. مطمئناً امر مهمی قرار بود اتفاق بیافتد.

متی فصل ۳ آیه های ۷ تا ۱۲ را بخوانید. چرا یحیی تعمید دهنده زمینه های داوری - غضب در پیش رو (آیه ۷)، تیشه ای بر ریشه درختان (آیه ۱۰)، پاک کردن کامل زمین خرمن کوبی (آیه ۱۲) و سوزاندن پوشال در آتش خاموشی ناپذیر (آیه ۱۲) را به معرفی مسیح مرتبط می کند؟

مردم گمان می کردند که در روزهای آخر دارند زندگی می کنند. آنها دیدند که یحیی از بیابان آمده و آنها را تشویق می کند به واسطه غسل تعمید از آبهای رود اردن بگذرند. این کمی شبیه خروج جدیدی از مصر بود و خیس شدن (به جای گذشتن از بستر خشکیده رودخانه) برای تطهیر و آمادگی برای زمین موعود جدید ضرورت داشت با هدایت خود مسیح در پیروزی بر رومیها و استقبال ملکوت ابدی خدا اعلام شده توسط انبیاء. دست کم این همان چیزی است که بسیاری از مردم گمان کرده بودند.

اما یحیی و عیسی جنبشی سیاسی را رهبری نمی کردند؛ این یک واقعه نجات بود. تعبیر لوقا از کاری که یحیی انجام می داد توصیف نقل قولی از اشعیا است که خدا مسیری را برای بازگشت تبعید شدگان به سرزمین موعود مهیا خواهد نمود (لوقا فصل ۳ آیه های ۳ تا ۶). ارمیا دلیل ساختن آن مسیر خاص را شرح می دهد: تا آن را برای آسیب پذیرترین قشر جامعه مهار سازد - کوران، لنگان، آبستان، مادران همراه با کودکان نوپا - و برای همه مشتاقان بازگشت به سرزمین موعود تا قادر به بازگشت باشند (ارمیا فصل ۳۱ آیه های ۷ تا ۹). جای تعجب نیست که مردم دور و بر یحیی جمع شدند؛ امیدشان برافروخت چون آنها نیز می توانستند برای روز بزرگ خدا که بزودی خواهد رسید آماده باشند؟

به هر حال، به طریقی که اکثرشان انتظار نداشتند، آمد، نه به خاطر اینکه به ایشان گفته نشده بود، بلکه به این دلیل که ایشان مفهوم کتب مقدس را درک نکردند (لوقا فصل ۲۴ آیه های ۲۵ تا ۲۷).

مردم وفادار تصورات غلط عمیقی را از ماهیت اولین ظهور خداوند داشتند. مردم وفادار چگونه می توانند در روزهای آخر از داشتن تصورات غلط درباره ماهیت بازگشت دوم او اجتناب نمایند؟

سه شنبه

۲ فوریه

تبدیل سنگ ها به نان

متی فصل ۴ آیه های یک تا ۳ را بخوانید. چه اتفاقی دارد می افتد و چرا؟ نبرد بزرگ را که در اینجا در حال وقوع است چگونه می بینیم؟

«هنگامی که عیسی به بیابان برده شد تا وسوسه گردد، او توسط روح خدا هدایت می شد. او طالب وسوسه نبود. او به بیابان رفت تا تنها باشد، تا به مأموریت و کارش بیاندیشد. او باید خود را با روزه و دعا برای مسیر خونینی که می پیمود تجهیز نماید. اما شیطان می دانست نجات دهنده به بیابان رفته بود و او گمان کرد این بهترین موقع برای نزدیک شدن به اوست.» - الن جی هوایت، آرزوی اعصار ص ۱۱۴.

تشابهات چشمگیری بین شرح وسوسه های عیسی و تجربه بنی اسرائیل در سرگردانی سفر خروج شان وجود دارد. پس از خروج از آب، عیسی به بیابان رفت، جایی که چیزی نخورد و به مدت چهار روز مورد آزمایش قرار گرفت. مشابه همین، قوم اسرائیل از میان آب (دریای سرخ) عبور کردند، به بیابان وارد شدند جایی که هیچ نانی برای خوردن نداشتند و در آنجا به مدل چهار سال ماندند. توجه کنید این مسئله به چه صورت در تثئیه فصل ۸ آیه های ۲ و ۳ توصیف شده است. «به یاد آرید چگونه یهوه خدایتان شما را چهار سال در بیابان رهبری کرد تا شما را خوار و زبون ساخته بیازماید و آنچه در دل شماست بدانند، که آیا فرمان های او را نگاه خواهید داشت یا نه. او شما را خوار و زبون ساخت و گرسنه گذاشت، و خوراک مّا را به شما خورانید که نه شما از آن خبر داشتید و نه پدرانتان، تا به شما بیاموزاند که انسان تنها به نان زنده نیست، بلکه به هر کلامی که از دهان خداوند صادر شود انسان زنده می شود.» روایت انجیل می گوید که عیسی پس از چهار روز گرسنه شد (متی فصل ۴ آیه ۲). سپس کسی با توصیه ای «مفید» ظاهر می شود، کمی شبیه تسلی دهندگان ایوب. این اولین بار نبود که

شیطان تصویر شده برای «کمک» به شخصی بحران زده می آید. فصل ۳ کتاب زکریا داستان کاهن اعظم را در زمان بازسازی اورشلیم بعد از اسارت بابل نگاشته است. به مجرد اینکه در رؤیا در حضور خدا ایستاد، کسی در جانب راست او ظاهر شد. کسی که در جانب راست او بود همیشه معتمدترین دوست برای محافظت و نگهداری در مقابل هر مهاجم احتمالی بود. اما آن مرد معتمد در زکریا فصل ۳ کسی جز «تهمت زننده» نبود که تظاهر به دوست معتمد بودن می کرد.

همین مسئله در بیابان برای عیسی اتفاق افتاد. کسی که برای «کمک» آمد خود را زمانی که گفت، «اگر تو فرزند خدایی، فرمان بده که این سنگ ها نان شوند» رسوا کرد (متی فصل ۴ آیه ۳). یک فرشته فرستاده شده از طرف خدا درباره الوهیت عیسی شکی نخواهد داشت. دوباره توجه کنید که پاسخ عیسی (متی فصل ۴ آیه ۴) نقل قولی است که به سفر خروج ربط دارد. «خوراک من را به شما خورانید که نه شما از آن خبر داشتید و نه پدرانان، تا به شما بیاموزند که انسان تنها به نان زنده نیست، بلکه به هر کلامی که از دهان خداوند صادر شود انسان زنده می شود» (سفر تثنیه فصل ۸ آیه ۳).

هر قدر که اغفال وسوسه نشدن دارای اهمیت است، چقدر مهم تر است که مطمئن باشید شما، حتی سهواً و ندانسته، کسی را به آن هدایت نمی کنید؟

چهارشنبه

۳ فوریه

آزمایشی دیگر

اولین وسوسه شبیه سفر خروج بود ولی در سقوط انسان ریشه داشت. عیسی با قرار دادن اولویت بر وفاداری به خدا به جای تسلیم شدن به اشتها موقعیتی را که آدم پای درخت معرفت نیک و بد از دست داد از نو بدست آورد. به هر حال، برای اینکه شکافی که از زمان آدم ساقط بوجود آمده بود پر شود، عیسی می باید در معرض دو تا وسوسه دیگر قرار می گرفت.

بر طبق انجیل متی، دومین وسوسه ای که شیطان بکار برد، بردن عیسی به بلندترین نقطه هیکل بود، احتمالاً گوشه جنوب شرقی که مشرف دره بود. طرح دوباره عبارت طعنه آمیز «اگر تو فرزند خدایی» نشان داد وسوسه کننده دوست عیسی نبود.

در اینجا مقصود واقعی شیطان چیست؟ اگر عیسی می پرید آیا چیزی را ثابت کرده بود؟ (متی فصل ۴ آیه های ۵ تا ۷).

عیسی علاقه ای به نمایش های بی ارزش نداشت. اعتماد او به خدا حقیقی بود، نه چیزی طرح ریزی شده برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران. اعتماد کامل عیسی به پدرش در عزیمت او از آسمان و تبدیل شدن به انسان، تحمل خشم، بد جلوه دادن ها، تحقیر عمومی و بی عدالتی در مرگش مشخص شد (رساله به فیلیپیان فصل ۲ آیه های ۵ تا ۸ را ببینید). این سرنوشت او بود و برای آن کاملاً آماده شده بود. مأموریتش پس گرفتن دنیایی بود که آدم و اولادش از دست دادند. همه وعده های پیمان قرار بود در عیسی تحقق بیابد و دنیا نیز فرصتی برای نجات می یافت.

دوباره عیسی با «نوشته شده است» پاسخ می دهد، دوباره روایتی از سفر تثنیه و دوباره تجربه خود را به خروج ربط می دهد: «یهوه خدای خود را میازما، چنانکه او را در مَسَّه آزمودی» (تثنیه فصل ۶ آیه ۱۶). مَسَّه مکانی بود که قوم اسرائیل در آنجا از فقدان آب به تلخی شکایت کردند و موسی با ضربه زدن به سنگ آب تهیه کرد. برای ارزیابی این تجربه، موسی شرح داد که قوم «خداوند را آزمودند، گفتند، آیا خداوند در میان ما هست یا نه؟» (خروج فصل ۱۷ آیه ۷). البته عیسی بهتر می دانست و فریب نخورد، ولو اینکه شیطان عبارت «نوشته شده است» را برای او بکار برد (متی فصل ۴ آیه های ۴ تا ۶).

همیشه دیدن مرز بین اعتماد به خدا بخاطر معجزه ها و انتظارات بیجا داشتن از خداوند زمانی که دعا می کنیم آسان نیست. چگونه آموختید یکی را از دیگری تمیز دهید؟ پاسخ خود را روز شنبه به کلاس بیاورید.

۴ فوریه

پنجشنبه

شیطان پرستی

در روایت انجیل متی، در حالیکه وسوسه اول بر روی اشتها و دومی بر روی دست انداختن (مهارت خدا) متمرکز می کند، چالش سوم مستقیم برای خود مسیح، برای مقام پادشاهی و مأموریت نهایی او بر روی زمین بود.

متی فصل ۴ آیه های ۸ تا ۱۰، تثنیه فصل ۳۴ آیه های یک تا ۴ و مکاشفه فصل ۲۱ آیه ۱۰ را مطالعه کنید. مفهوم «کوه بسیار بلندی» که شیطان عیسی را به آنجا برد چیست؟

در ارزیابی روشی که کتاب مقدس موضوع رفتن به بالای کوه بسیار بلند برای دیدن امتهای بکار می گیرد، ما می بینیم که سفر عیسی تور سیاحتی نبود. رؤیایی نبوی به این داستان ضمیمه شده است. از بالای کوه، موسی سرزمین موعود را همانطور که در دوران آخر خواهد

بود می بیند و یوحنا بعدها آینده اورشلیم جدید را می بیند. مشابه همین، عیسی خیلی فراتر از کشورهای دنیای روم باستان را می بیند. توجه کنید که شیطان همه چیز را در بهترین وجه به نمایش می گذارد. او فریبندگی و ثروت زیاد را نشان می دهد و نه جرم، رنج و زحمت و بی عدالتی را.

سپس شیطان می گوید: «اگر در برابرم به خاک افتی و مرا سجد کنی، این همه را به تو خواهم بخشید» (متی فصل ۴ آیه ۹). به همین طریق شیطان آدم و حوا را فریفت تا بخواهند شبیه خدا بشوند (در حالی که آنها شبیه او بودند)، شیطان وانمود کرد که او خداست و در نتیجه مالکیت اقوام جهان منحصرأ به او تعلق دارد و با گرفتن بیعت کوچکی، می توانست به سادگی همه را به عیسی بدهد (لوقا فصل ۴ آیه ۶ را ببینید؛ فصل ۲ آیه های ۷ و ۸ را ضمناً مقایسه کنید).

این آزمایش بر وفاداری تمرکز داشت. نسل بشر به چه کسی باید نهایت وفاداری را نثار کند؟ در باغ عدن، زمانی که آدم و حوا به ابلیس تسلیم شدند، آنها در حقیقت داشتند نخستین وفاداری شان را به شیطان تقدیم می کردند و آن آلودگی به سرعت در هر نسل متوالی پخش شد. بدون مداخله مستقیم الهی، نبرد بزرگ به خواست شیطان تصمیم گرفته می شد. نسل انسان و حتی شاید زندگی بر روی زمین، نمی توانست ادامه داشته باشد. پی آمد در هر جهت بسیار سهمگین بود.

توجه کنید که عیسی، مانند یوسف با همسر پوتیفار، به شریر اجازه نداد به او نزدیک شود. عیسی به شیطان فرمان داد از او دور شود. یوسف نمی توانست آن کار را انجام دهد، بنابراین خود را از صحنه شرارت بار دور کرد (پیدایش فصل ۳۹ آیه های ۱۱ و ۱۲). این درس ساده ای برای ما نیز هست.

در همه این سه مورد آزمایش، عیسی در دفاع از خود از کتب مقدس استفاده کرد. این امر برای ما در شرایط کاربردی چه مفهومی دارد؟ ما چطور می توانیم، در زمان مواجهه با آزمایش ها به منظور داشتن همین پیروزی ها از کتاب مقدس استفاده کنیم؟

جمعه

۵ فوریه

اندیشه ای فراتر:

با وجود اینکه شخص می تواند نویسندگانی را در سراسر قرون بیابد که به موضوع نبرد بزرگ اشاره کرده اند و با وجودی که امروزه بعضی از پیروان کلیسا های انجیلی به این ایده با دقت بیشتری می نگرند - هیچ کس به اندازه کلیسای ادونتیست های روز هفتم

بینش جهانی عمیق از نبرد بزرگ بوجود نیاورده است. مجادله ای حقیقی، جسمانی، اخلاقی و روحانی بین مسیح و شیطان، بطور یقین، نشانی بسیار مهم از اندیشه ادونتیست است؛ و جای تعجب نیست. در تمام کتاب مقدس یک مسئله وجود دارد که یک نویسنده انجیلی آنرا «موضوع جنگ عالم هستی» نامیده است و گاهی اوقات - مانند موضوع درس این هفته یعنی آزمایش ها در بیابان - موضوع به روشی واضح و بسیار کامل ظاهر می گردد. ایده جنگ بین نیک و شر حتی می تواند خارج از متن های مشخص مذهبی دیده شود. تی.اس. الیوت (T. S. Eliot) شاعر نوشت: «دنیا باز می گردد و دنیا تغییر می کند/ اما یک چیز تغییر نمی کند. / در تمام سال های عمر من، یک چیز تغییر نمی کند،.../ کشمکش های همیشگی بین نیکی و شر».

—The Complete Poems and Plays, 1909–1950 (New York: Harcourt

Brace & Company, 1952), p. 98.

نویسنده مُلحد آلمانی فردریک نیچه، نوشت: «بگذارید نتیجه بگیریم. دو ارزش مخالف «خوب و بد»، «نیک و شر» در کشمکشی هراسناک بر روی زمین به مدت هزاران سال با هم درگیر بوده اند».

—On the Genealogy of Morals and Ecce Homo (Vantage Books Edition:

Random House, Inc., 1967), p. 52.

کتاب مقدس، با مساعدت روح نبوت، آنچنان ماهیت حقیقی این نبرد و مسائل ابدی وابسته به آن را آشکار می نماید که هیچ چیز دیگر نمی تواند.

پرسش هایی برای بحث:

۱. در کلاس، پاسخ های سوال روز چهارشنبه را در رابطه با خط و مرز بین اعتماد به وعده های خدا برای آنچه که معجزه آسا و محرز پنداری است مرور کنید. چگونه تفاوت ها را درک کنیم؟

۲. آزمایش ها در بسیاری از اشکال و قالب ها، اندازه ها و رنگ ها و حالت ها می آیند، که همگی برای رسیدن به هر کدام از ما هر جا که هستیم به دقت طراحی شدند؛ و به طور حتم، بعضی چیزها کسی را وسوسه می کند که دیگری را وسوسه نمی کند. در کنار گناهان واضح، چه راه های ماهرانه تری وجود دارد که می تواند ما را وسوسه کند؟

۳. آزمایش های عیسی در بیابان و احساس حقارت که به او تحمیل شد را مطالعه کنید. در حالیکه انجام می دهید، درباره حقیقتی که همین عیسی براستی «خدا با ماست» بود فکر کنید. او تنها کسی بود که به واسطه اش «تمام چیزها خلق شد» (یوحنا فصل یک آیه ۳). در اینجا، ما چگونه می توانیم مفهوم شگفت انگیز خدا - خدا! - که این نبرد ترسناک را به جای ما تحمل می کند را درک کنیم؟ نظر به این حقیقت، چه چیزهای دیگری اهمیت می یابد؟

تعالیم عیسی و نبرد بزرگ



بعد از ظهر شنبه

برای مطالعه این هفته: متی فصل ۱۱ آیه ۲۹؛ رومیان فصل ۴ آیه یک تا ۶؛ متی فصل ۱۳ آیه های ۳ تا ۸ و ۱۸ تا ۲۳؛ متی فصل ۷ آیه های ۲۱ تا ۲۷؛ نامه یعقوب فصل ۲ آیه ۱۷؛ متی فصل ۷ آیه های یک تا ۵ را بخوانید.

آیه حفظی: «بیایید نزد من، ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، که من به شما آسایش خواهم بخشید.» (متی فصل ۱۱ آیه ۲۸).

هنگامی که به موضوع نبرد بزرگ فکر می کنیم، مایلیم به آن باشکوه و فراگیر ببانندیشیم. بدین مفهوم که دیدگاه تصویر بزرگی دارد. می تواند «روایت ماورائی» نامیده شود، داستانی که بخش عظیمی از واقعیت را پوشش و شرح می دهد، در مقابل روایت یا داستانی محلی که از لحاظ وسعت محدوده کمتری را توصیف می کند. برای مثال، داستان مشهور یکه تاز پول ریویر در مقایسه با انقلاب آمریکای عظیم تر و با شکوه تر روایتی محلی است.

و با این حال، هر قدر هم موضوع نبرد بزرگ با شکوه و جامع است و با اینکه مسائل تمام ناشدنی هستند، اینجا بر روی زمین، در زندگی های خودمان، در اینکه چطور با خدا ارتباط داریم، در آزمایش و در دیگران روزانه نقش می آفریند. همانطور که زندگی روزانه مردم گاهی اوقات تحت تأثیر قرار می گیرد در درجه ای بالاتر بواسطه رخدادهای بزرگ تر و با شکوه تر سیاسی و اقتصادی، هر کدامان با نبرد بزرگ نیز روبرو می شویم.

در درس این هفته، به بعضی از تعالیم عیسی در مسائل خیلی واقعی و عملی نگاهی می اندازیم همچنین تمام کشمکش های دانستن و انجام اراده خدا در خلال نبرد بزرگ را.

*درس این هفته را برای آمادگی روز شنبه ۱۳ فوریه مطالعه کنید.

انواع آسایش

«یوغ» مرا بر دوش گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا حلیم و افتاده دل هستم، و در جان خویش آسایش خواهید یافت.» (متی فصل ۱۱ آیه ۲۹). چگونه برگرفتن «یوغ» او آسایش را به روح های مان به ارمغان می آورد؟

این موضوع نکاتی را به بُعد شخصی فرد در میان یکی از مأموریت های بزرگ عیسی برای نجات مردم از دست دشمن پیشنهاد می کند. در واقع کلام او از ارمیاء اتخاذ شده است، کسی که به مردم وعده آسایش داد اگر به جای بت پرستی امت های همسایه به آیین پدران شان بازگردند. (ارمیاء فصل ۶ آیه ۱۶).

مفهوم آسایش در کتاب مقدس بسیار غنی می باشد و با خود خدا شروع می شود. از همه کار خود که ساخته بود آرامی گرفت (پیدایش فصل ۲ آیه ۲). آسایش او طلیعه استراحت سبت بود که هر هفته جشن گرفته می شد. این آسایش در کل سال طی عید های سالیانه نگاه داشته می شد (برای مثال، لاویان فصل ۱۶ آیه ۳۱)، در سال هفتم «سبت آرامی برای زمین» (خروج فصل ۲۳ آیه ۱۱) و سال پنجاهم یوبیل، هنگامی که برده ها آزاد شدند و قرض ها بخشیده شدند (لاویان فصل ۲۵ آیه ۱۰).

هنگامی که خدا همراه با قومش بود قدر آرامی دانسته می شد (سفر خروج فصل ۳۳ آیه ۱۴)، آنجا که نه «حریفی و نه واقعه بدی» وجود داشت (کتاب اول پادشاهان فصل ۵ آیه ۴) و نه دشمنی (سفر تثنیه فصل ۲۵ آیه ۱۹). از آسایش در زمینی که خدا به قومش داد لذت برده می شد (یوشع فصل یک آیه ۱۳) بخصوص زمانی که قوم از بردگی و اسارت بازگشتند (ارمیاء فصل ۳۰ آیه ۱۰). آسایش در مهمانوازی از بیگانگان نیز تقسیم می شد (پیدایش فصل ۱۸ آیه ۴) و در لذت بردن از داشتن اهل خانه ای پایدار (روت فصل ۱ آیه ۹، امثال سلیمان فصل ۲۹ آیه ۱۷).

ولی آسایش برای قوم خدا در زمان بردگی وجود ندارد (خروج فصل ۵ آیه های ۴ و ۵، مراثی ارمیاء فصل ۱ آیه ۳). آسودگی از شریران فرار می کند، که مثل دریای متلاطم نمی توانند آرام گیرند (اشعیاء فصل ۵۷ آیه ۲۰). تنها آسایشی که این انسانها می توانند انتظار داشته باشند مرگ و گودال قبر است (ایوب فصل ۳ آیه ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۱۷ و ۱۸). مکاشفه یوحنا فصل ۱۴ آیه ۱۱ نیز درباره آسایش هشدار جدی برای آنانی که در طرف اشتباه نبرد بزرگ در روزهای آخر هستند دارد.

آسایشی که عیسی ارائه می کند بسته ای بسیار سخاوتمندانه است. هدیه سبت را شامل می شود و به ما اجازه می دهد همراه با آفریننده زمانی را سپری کنیم. عرضه آسایش توسط

مسیح شرایط گمگشته ها را شناخته و ما را همه جانبه باز می یابد؛ و هنگامی که اشتباه می کنیم (که اشتباه می کنیم) همچنان مکان تضمین شده ای برای آرامش در کنار نجات دهنده مان داریم.

چه راه های دیگری علاوه بر سبت وجود دارند تا از آسایش که خدا به ما ارزانی می دارد لذت ببریم؟ آسایش روان مان را در مسیح چطور می توانیم بیابیم؟ همچنین رومیان فصل ۴ آیه یک تا ۶ را ببینید.

۸ فوریه

دوشنبه

کاشت و برداشت

موضوع نبرد بزرگ در مثال برزگر عیسی تلویحاً آورده شده است. بیان چهار پاسخ متفاوت به پیام انجیل نشان می دهد که در دنیا بیشتر از فقط انسان «خوب» و «بد» وجود دارد. زندگی پیچیده تر از این است و بنابراین نیاز است در رابطه با نحوه نزدیک شدن به کسانی که به نظر نمی آید آنطور که باید به انجیل پاسخ داده باشند محتاط باشیم.

متی فصل ۱۳ آیه ۳ تا ۸ و بعد از آن متی فصل ۱۳ آیه های ۱۸ تا ۲۳ را بخوانید. از چه راه هایی می توانیم واقعیت نبرد بزرگ در این داستان را بطور واضح ببینیم؟

جنگ برای جان ها واقعی است و دشمن هر کاری که ممکن است برای دوری مردم از نجات انجام دهد بکار می برد. برای نمونه، در زمینه افتادن دانه در راه، الن جی هوایت نوشت: «شیطان و فرشتگانش در میان اجتماعاتی که انجیل موعظه می شود حضور دارند. در حالی که فرشتگان آسمان برای تحت تأثیر قرار دادن دل ها بوسیله کلام خدا می کوشند، دشمن در حال آماده باش برای بی تأثیر کردن کلام است. همراه با شوقی که تنها برابر با نفرتش می باشد، او برای خنثی ساختن کار روح خدا می کوشد. در حالی که مسیح جان را با محبت به سوی خود می کشد، شیطان تلاش می کند توجه شخصی که برای جستجوی نجات دهنده به حرکت در آمده است را دور سازد.» - Christ's Object Lessons صفحه ۴۴.

کسی می توانست بپرسد، چرا کشاورز نتوانست بیشتر مراقب باشد تا دانه ها را با پاشیدن آن در راه به هدر ندهد؟ چرا او در جمع آوری سنگ ها کوشا تر نبود؟ چرا علف های هرز را بیشتر وجین نکرد؟

در هنگام کاشت بذر انجیل، تلاش انسان همیشه محدود است. ما باید همه جا بکاریم. ما قاضی خوب و بد بودن بستر نیستیم. حضور علف های هرزه به سادگی نشان می دهد که ما

قادر به جلوگیری از رشد و نمو شرارت دست کم در جاهایی که توقع نداریم نیستیم. این کار خداوند دروگر در نهان است که تضمین کننده نجات همه کسانی است که می توانند نجات یابند تا نجات یابند. ما کارمان را انجام می دهیم و باید بیاموزیم به او اعتماد کنیم تا خدمت خود را به انجام رساند.

چه راه هایی برای دیدن واقعیت این مثل وجود دارد؟ چرا گاهی کسانی که تازه غسل تعمید گرفته اند را می بینیم که از در خارج می شوند؟ و یا کسانی که هیچ علاقه ای نشان نمی دهند؟ یا کسانی که بخوبی در ایمان محکم استقرار می یابند؟

سه شنبه

۹ فوریه

بنا کردن بر صخره

این مسئله که در کجا کشمکش جهان هستی در اطرافمان آشکار می گردد، در مثل مردی که خانه ای بر روی صخره بنا می کند امری بسیار شخصی است.

متی فصل ۷ آیه های ۲۱ تا ۲۷ را بخوانید. چه چیز بسیار وحشتناک درباره این مثال وجود دارد؟

با تعمق در این داستان چه چیزی به ذهنتان خطور می کند؟ این سنگ و ماسه کجا هستند؟ برای بعضی افراد، ماسه فقط در ساحل پیدا می شود، اما به طور حتم این داستان درباره اقامتگاه ساحلی نیست. به احتمال قریب مکان جایی در میان تپه های سرسبز جایی در کنار دره که بر روی آنها بیشتر روستاها ساخته می شوند.

عیسی دو نوع خانه را توصیف می کند؛ یکی که فقط سطحی ساخته شده در حالی که دیگری بنیادش را بر بستر سنگی بنا نهاده (لوقا فصل ۶ آیه ۴۸). راه برای بیان تفاوت بین دو خانه تکمیل شده وجود ندارد مگر باران بر بلندی ها بارد و سیلی برق آسا در دره سرازیر شود. برای یکی از سازنده های خانه، این مشکلی نیست چراکه خانه بخوبی مهار شده است؛ اما برای دیگری، مشکل وجود دارد. بدون زیربنایی ایمن، خانه که فقط سطحی ساخته شده شکار آسانی برای سیلاب خروشان است.

عیسی این مثل را بکار برد چرا که می دانست ما چقدر خود را فریب می دهیم. کشمکشی جدی ادامه دارد و بدون حامی، احتمال اینکه جان سالم بدر ببریم وجود ندارد. عیسی بر شریر پیروز شده است و به همین دلیل او صخره نامیده می شود.

این نبرد شخصی مقابل شریر می تواند به پیروزی بیانجامد اما فقط اگر زندگی مان را محکم بر او بنا نماییم و این امر فقط از طریق پیروی از او محقق خواهد شد. «پس هرکس این سخنان مرا بشنود و به آن ها عمل کند، همچون مرد دانایی است که خانه خود را بر سنگ بنا کرد.» (متی فصل ۷ آیه ۲۴). به همین سادگی است. ولی ایمان زیاد جزء ترکیبی حیاتی است - کتاب مقدس می گوید ایمان بدون اعمال، «مرده» است (رساله یعقوب فصل ۲ آیه ۱۷، ۲۰ و ۲۶) و در این مثل مقدار مردن آن را می بینیم.

متی فصل ۷ آیه های ۲۲ و ۲۳ را بخوانید. اخراج دیوها به اسم عیسی یا به نام او نبوت نمودن همه تعدادی از انواع «ایمان» را در این افراد آشکار می نماید؛ و با این حال سرنوشت شان چه شد؟ از خود پرسید بر چه بنیانی خانه خود را ساخته اید و پاسخ را از کجا می دانید؟

چهارشنبه

۱۰ فوریه

داوری مکنید

عیسی موعظه بر فراز کوه را در روزهای ابتدایی خدمت خود ارائه نمود که کاملاً انقلابی بود. برای شروع، به مردم عادی گفت که آن ها در نظر خدا با ارزش و مبارک هستند (متی فصل ۵ آیه های ۳ تا ۱۲) و اینکه آن ها نمک هستند (متی فصل ۵ آیه ۱۳) و نور (متی فصل ۵ آیه های ۱۴ تا ۱۶) - دو متاع بسیار با ارزش. او از اهمیت احکام خدا صحبت نمود (متی فصل ۵ آیه های ۱۷ تا ۱۹) در عین حال به ایشان اخطار داد سعی نکنند تا دیگران را با رفتار نیک شان تحت تأثیر قرار دهند (متی فصل ۵ آیه ۲۰). در ادامه عیسی اشاره کرد که اخلاق به نوع تفکر فرد بستگی دارد و نه فقط به کردارش (متی فصل ۵ آیه های ۲۱ تا ۲۸)، با این وجود باید از کردار نیز محافظت شود (متی فصل ۵ آیه های ۲۹ و ۳۰). چنانچه فردی تمام موعظه را بخواند، می تواند از آن مطمئن شود که او تمام وسعت هستی و روابط انسان را پوشش داده است (متی فصل ۵ آیه های ۷ تا ۲۷).

متی فصل ۷ آیه های یک تا ۵ را بخوانید. به چه روش هایی حقیقت نبرد بزرگ در این آیه ها آشکار می گردد؟ همچنین اثر متقابل بین نیک و شر در اینجا چگونه آشکار می شود؟

«داوری نکنید، تا بر شما داوری نشود.^۱ خود را برتر از دیگران مپندارید و خود را قاضی آنان نکنید. از اینکه نمی توانید انگیزه درونی دیگران را تشخیص دهید، قادر به داوری دیگران نیستید. با انتقاد و عیب جویی از دیگران در حقیقت خود را محکوم می کنید؛ و با این کار

نشان می دهید با شیطان، متهم کننده برادران خود همدست هستید. خداوند می فرماید، 'خود را بیازمایید، تا ببیندی در ایمان هستی یا نه. خود را بیازمایید.^۱ این وظیفه ماست.' - الن جی هوایت، آرزوی اعصار صفحه ۲۹۳.

وقتی عیسی به مخاطبانش گفت داوری نکنید، او به دو نکته مهم پرداخت. نکته نخست، دلیلی که دیگران را داوری می کنیم این است که همان عملی را مرتکب می شویم که داریم بخاطرش حکم می کنیم (متی فصل ۷ آیه یک و ۲). توجهات را از خود دور نموده، اطمینان می یابیم همه اطرافیان مان به جای توجه به ما به فرد محکوم شده از طرف ما بنگرند. نکته دیگر عیسی این است که اغلب، مشکلاتی که در برادر یا خواهرمان می بینیم تنها بخش کوچکی از اندازه مشکل خودمان است - مشکلی که حتی ممکن است خودمان از آن آگاه نباشیم. دیدن ذره خاک اره در چشم دیگران بسیار ساده است اما قادر نیستیم تیر چوبی بزرگ در چشم خودمان را ببینیم.

تفاوت بین داوری یک شخص و داوری درستی یا نادرستی رفتارهای دیگران چیست و چرا تشخیص این دو از هم بسیار مهم است؟

۱۱ فوریه

پنجشنبه

«اینک من همیشه همراه شما می باشم»

متی شرح انجیل خود را با تعدادی از اطمینان بخش ترین کلماتی که عیسی گفت پایان می دهد، «اینک من هر روزه تا پایان این عصر همراه شما می باشم!» (متی فصل ۲۸ آیه ۲۰). این کلام در شرایط عملی، در زندگی شخصی، در سختی ها، شکست ها و ناامیدی ها و حتی وقتی احساس می کنیم خدا مأیوسمان کرده است چه معنایی برایمان باید داشته باشد؟

جالب است که متی انجیل خود را با کلماتی مشابه شروع می کند. بعد از لیست کردن اسامی نیاکان و شرح در مورد فرشته ای که اول مریم و سپس یوسف را ملاقات می کند، متی توضیح می دهد که نوزادی تولد یافته عمانوئیل خواهد بود، خدا با ما. (متی فصل یک آیه ۲۳).

خدا چندین بار در کتاب مقدس وعده داد، «من با شما خواهم بود». او وعده داد که با اسحاق (پیدایش فصل ۲۶ آیه ۲۴) و با یعقوب (پیدایش فصل ۲۸ آیه ۱۵)، با ارمیاء (ارمیاء فصل یک آیه های ۸ و ۱۹) و با فرزندان اسراییل باشد (اشعیاء فصل ۴۱ آیه ۱۰، فصل ۴۳ آیه ۵). زمینه بسیاری از این اشارات طی دوران سختی و ناملایمات است، زمانی که کلام خدا مناسب خواهد داشت.

آیه ای همتا کلماتی مشابه بکار می برد: «تو را هرگز و نخواهم گذاشت، و هرگز ترک نخواهم کرد» (رساله به عبرانیان فصل ۱۳ آیه ۵). تنها چند آیه بعد می افزاید، «عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابد همان است.» (رساله به عبرانیان فصل ۱۳ آیه ۸). این وعده نیز، چندین بار تکرار می شود. در واقع به موقعیتی اشاره می کند که موسی رهبری را به یوشع تحویل داد (تثنیه فصل ۳۱ آیه ۶ و ۸) و خدا عین عبارت را بعد از مرگ موسی برای یوشع تکرار نمود، «تو را ترک نخواهم کرد و و نخواهم گذاشت» (یوشع فصل یک آیه ۵). وقتی داود پادشاهی را به سلیمان واگذار کرد، او نیز به سلیمان می گوید که خدا سلیمان را ترک نخواهد کرد و و نخواهد گذاشت (کتاب اول تواریخ فصل ۲۸ آیه ۲۰).

عیسی، کسی که هیچگاه تغییر نمی کند و همیشه همراه مان است، ضمانتی محکم را به اجداد ایمان مان ارزانی داشت. ایشان با سختی و آزمایش روبرو شدند، یا در حال آغاز چالشی بزرگ در زندگی شان بودند؛ با این حال از ادامه حضور خدا مطمئن بودند.

این ضمانت ها برای کلیسای مسیح در زمان آخر قابل توجه هستند. وعده بودن عیسی با ما تا آخرین لحظه در مضمون شاگرد سازی بوسیله راهی شدن، تعمید گرفتن و تعلیم گرفتن موجود است. بنابراین تمرکز در همین جاست - در شادی نجات مردم از طرف بازنده بودنشان در نبرد بزرگ می باشد.

۱۲ فوریه

جمعه

اندیشه ای فراتر:

لئون وایسلتایر (Leon Wieseltier) نویسنده نوشت درباره آنچه که گفت، «یکی از داستان های غمناک دنیا». داستان او درباره مرد انگلیسی کور مادر زادی به نام «S.B.» بود. به هر حال خبر خوب این بود که S.B. در سن پنجاه و دو سالگی عمل پیوند قرنیه چشم داشت که به او بینایی بخشید. S.B. برای اولین بار در زندگی قادر به دیدن بود! باید برایش هیجان انگیز بوده باشد که سرانجام دنیایی که در تمام طول عمرش در اطراف او گسترده بود، اما در واقعیت قابل رؤیت نبود ببیند. هر چند وایسلتایر آنگاه کتابی که برای اولین بار داستان S.B. را در آن خواند نقل می کند، «دنیا را یکنواخت و کسل کننده یافت و از رنگ پوسته پوسته شده و معایب ناراحت بود... او عیوب بیشتری را در اشیاء مشاهده کرد و بی نظمی ها و خطوط کوچک روی چوب یا سطوح رنگ شده را مورد بررسی قرار می داد، آن چیزی که سبب ناراحتی او شده بود، از قرار معلوم انتظار دنیایی کامل تر داشت. او رنگ های روشن را دوست داشت، اما زمانی که نور محو می شد افسرده می شد. افسردگی او عمومی و قابل توجه شد. او زندگی جاری اش را کم کم واگذاشت

و سه سال بعد از دنیا رفت.» - www.newrepublic.com/article/113312 -
سطحی فهمیدن آن مشکل است ولی در سطح دیگر نیست. دنیای ما مکانی آسیب دیده است. نبرد بزرگ حدوداً شش هزار سال بسیار خروشان بوده است. شش هزار سال جنگ خرابی های زیادی در پس خود خواهد گذاشت؛ و با وجود همه کوشش های ما برای بهتر ساختن این دنیا، خط سیر آن به نظر نمی رسد به جهت درستی در پیش باشد. در واقع فقط دارد بدتر می شود. به همین خاطر به وعده نجات که فقط با پیروزی مسیح در نبرد بزرگ به ما می رسد نیازمندیم، پیروزی ای که در صلیب تأمین شد و آزادانه به ما عطا شد.

پرسش هایی برای بحث:

۱. از داستان S.B. چه درسی می توانید برای خود کسب نمایید؟
۲. همانطور که در درس سه شبه دیدیم، آنها که گفتند: «خداوندا خداوندا، آیا ما» به نام تو این و آن را انجام ندادیم، همانطور که گفتیم آیا ایمانداران در عیسی بودند؟ در عین حال به تأکید پاسخ آنها توجه کنید. بر چه کسی متمرکز بودند؟ روی چه چیزی تمرکز داشتند؟ چگونه پاسخ این سؤال نشان می هد که آنها بسیار خود فریفته بودند؟
۳. اگر یکی از اعضای خانواده و یا دوستانتان اشتباه مشخصی مرتکب شود، چطور با این مشکل برخورد می کنید که نخست داوری نباشد و دوم قضاوت دیده نشود؟

هم خدمتان در نبرد



بعد از ظهر شنبه

برای مطالعه این هفته: لوقا فصل ۵ آیه های ۶ تا ۸ و ۱۱؛ مرقس فصل ۳ آیه ۱۴؛ متی فصل ۸ آیه های ۲۳ تا ۲۷؛ مرقس فصل ۴ آیه های ۳۵ تا ۴۱؛ فصل ۹ آیه های ۳۳ تا ۳۷؛ متی فصل ۲۰ آیه های ۲۰ تا ۲۸ را بخوانید.

آیه حفظی: «آنها از یکدیگر پرسیدند، آیا هنگامی که در راه با ما سخن می گفت و کتب مقدس را برایمان تفسیر می کرد، دل در درون ما نمی تپید؟» (لوقا فصل ۲۴ آیه ۳۲).

عیسی از روزهای ابتدایی خدمتش به تنهایی کار نکرد. او انسان هایی را انتخاب کرد تا در موعظه، آموزش و خدمت سهمی داشته باشند؛ و با وجود اینکه چهار انجیل اصولاً بر زندگی، مرگ و قیام او متمرکزند، آنها غالباً در زمینه ی شاگردان که نزدیکترین به او بودند تمرکز داشت.

به این ترتیب می توانیم ببینیم، به همان اندازه که نبرد بزرگ در اطراف او خروشان بود، در اطراف شاگردانش نیز بود. تا به هنگام آن پایان تلخ، وقتی عیسی فریاد برآورد، «تمام شد»، شیطان دریافت که غیر ممکن است عیسی را بلغزاند و ساقط کند. به هر حال، پیروان مسیح شکار ساده تری بودند. نقص های شخصیتی ایشان مسیر تاخت و تاز او به درون شان را باز کرد تا اینکه دشمن به سادگی از آن بهره ببرد.

غرور، بدبینی، یک دندگی، خود خواهی، خرده نگریشان و دیگر معایب راه را برای شیطان باز می کنند. نیمی از مشکلات آنها این بود که، دیدگاه خودشان را از آنچه گمان می کردند باید و شاید اتفاق بیافتد برداشتند، به عیسی گوش ندادند که گفت چه رخ خواهد داد. آنها درس های سخت زیادی برای یادگیری داشتند. بدون شک، ما نیز داریم.

*درس این هفته را برای آمادگی روز شنبه ۲۰ فوریه مطالعه کنید.

فراخوان پطرس

وقتی کسی به مسائل باورنکردنی مورد مجادله در نبرد بزرگ می اندیشد، شگفت انگیز است که عیسی از انسان برای کمک به او در خدمت استفاده خواهد برد، بخصوص کسانی شبیه به این افراد معیوبی که او برگزید. بطور حتم، اگر وضعیت انسان ساقط را ملاحظه کنیم، در هر صورت هیچ یک از کسانی که او برگزید بدون کاستی های اخلاقی نخواهد بود.

عیسی در حال قدم زدن در امتداد کرانه شمالی دریای جلیل، جمعیت مردم در پی او، متوجه دو قایق ماهی گیری شد که صاحبان آنها مشغول نظافت بعد از شبی بدون صید بودند. این ماهیگیران با عیسی آشنا شده بودند. او در کنیسه آنها، جایی که همه را با کلامش متحیر ساخت تعلیم می داد. (لوقا فصل ۴ آیه ۳۱ و ۳۲). عیسی حتی یک دیو را از مردی در کنیسه شان اخراج کرده بود و همه متعجب شده بودند (لوقا فصل ۴ آیه های ۳۳ تا ۳۶). آنها عیسی را در خانه پطرس در حال شفای مادر زنش دیده بودند. (لوقا فصل ۴ آیه ۳۸ و ۳۹) و در غروب همان روز بسیاری دیگر را شفا داد (لوقا فصل ۴ آیه ۴۰ و ۴۱).

جای تعجب نیست که جمعیت عیسی را در امتداد ساحل دنبال می کردند. عیسی سوار قایق پطرس شده، از او خواست قایق را کمی از ساحل دور نماید تا همه بتوانند او را ببینند و سپس با مردم صحبت کرد (لوقا فصل ۵ آیه ۳). هنگامی که تعلیم او تمام شد، به پطرس گفت تا تور تازه تمیز شده خود را به آب عمیق بیاندازد. پطرس مطمئن بود چیزی عایدش نخواهد شد، اما با احترام به عیسی، همان که او خواست را انجام داد.

لوقا فصل ۵ آیه های ۶ تا ۸ را بخوانید. واکنش پطرس درباره او به ما چه می آموزد و چه کمکی به ما می کند تا بدانیم چرا با وجود اشتباهات مشهود پطرس، عیسی او را برگزید؟

واکنش پطرس جالب توجه است. شاید به کشتی گرفتن یعقوب با فرشته شباهت دارد - همان درک حضور الهی و احساس سخت نالایقی (پیدایش فصل ۳۲ آیه های ۲۴ تا ۳۰). یک چیز بسیار روشن است. پطرس از گناهکار بودنش آگاه شد زیرا متوجه حضور خداوند در آن جا شد. اعتراف آشکار او از گناهکاری اش برای مثال

در تضاد روشن با واکنش بعضی رهبران مذهبی قرار می گیرد که حتی در حضور عیسی به جای اعتراف به گناه خود او را گناهکار خطاب نمودند (یوحنا فصل ۹ آیه ۲۴ را ببینید).

لوقا فصل ۵ آیه ۱۱ می گوید که آنها «همه را ترک کرده» از عقب او روانه شدند یعنی، حتی با اینکه دام هایشان از پُری زیاد نزدیک بود پاره شوند، رهایش کردند تا او را دنبال کنند. در این جا چه پیامی برای ما وجود دارد؟

۱۵ فوریه

دوشنبه

«همراه با او»

وقتی عیسی اولین شاگردان را در ساحل جلیل دعوت کرد، ایشان قدرتش در برابر شریر را دیده بودند. او را در حال مبارزه با دیوها (لوقا فصل ۴ آیه های ۳۴ تا ۳۶)، شفای بیماران (لوقا فصل ۴ آیه های ۳۸ تا ۴۱)، سلطه بر طبیعت (لوقا فصل ۵ آیه های ۴ تا ۶)، آشکار کردن گناه و بعد تضمین کردن اینکه پطرس نیازی نبود بترسد را (لوقا فصل ۵ آیه ۱۰) دیده بودند. مدتی بعد، پس از دعا در طول شب (لوقا فصل ۶ آیه ۱۲)، عیسی (پیروان) شاگردانش را گردهم آورد و از آن گروه بزرگتر دوازده نفر را برگزید، آنها را رسولان نامید (لوقا فصل ۶ آیه ۱۳؛ کلمه یونانی اپوستولوس یعنی «اعزام کردن»). پیش از اینکه عیسی ایشان را اعزام نماید، مدتی را با تعلیم دادن به آنها سپری نمود (لوقا فصل ۹ آیه های یک تا ۵) تعلیماتی که شبیه به جزئیاتی بود که او بعدها به گروه بزرگتر ۷۰ نفره داد (لوقا فصل ۱۰ آیه های یک تا ۱۶).

مرقس فصل ۳ آیه ۱۴ را بخوانید. عیسی قبل از اعزام رسولان خواست که چه کار بکنند؟ چه پیام مهمی اینجا برای همه وجود دارد؟

شاگردان امروزی چند بار بیشتر مایل به رهسپار شدن و کار برای عیسی هستند بجای اینکه با او وقت بگذرانند؟ واقعیت ساده این است که وقتی برای تحقق بخشیدن فرمان انجیل، با فهرست خواسته های خودمان می شتابیم، نجات دهنده جهان را کنار گذاشته و خودمان را جایگزین او می کنیم. داشتن یک «تعصب مسیحایی» بسیار ساده است، فکر می کنیم نجات دنیا به ما بستگی دارد، فراموش می کنیم که عیسی به تنهایی نجات دهنده است. بیان این اصل که مقدار زیادی از تاریخ مسیحیت را کسانی آلوده کرده بودند که ابراز ایمان به نام عیسی نمودند، با او زمان صرف نکرد، او را شناختند و بواسطه او متبدل نشده

بودند خیلی سخت نخواهد بود. آخرین چیزی که دنیا و کلیسای ما احتیاج دارد کسانی هستند که به اسم مسیح به اطراف می روند ولی «با او» نبوده اند. یکی از عظیم ترین خدعه های شیطان در نبرد بزرگ توانایی اش در بکارگیری کسانی که به نام مسیح ادعا دارند و استفاده از آنها برای بی حرمت کردن همان نام بوده است. از این رو پیش از اعزام آنها، عیسی بدون شک، می خواست این مردان برای تعلیم گرفتن از او با وی باشند.

امروزه، بدون حضور جسمانی عیسی، مفهوم بودن «با او» چیست؟ چه راه های عملی واقعی وجود دارند که می توانیم امروز، به او زمان اختصاص بدهیم؟

سه شنبه

۱۶ فوریه

سلطه عیسی بر طبیعت

متی فصل ۸ آیه های ۲۳ تا ۲۷، مرقس فصل ۴ آیه های ۳۵ تا ۴۱ و لوقا فصل ۸ آیه های ۲۲ تا ۲۵ را بخوانید. واقعیت نبرد بزرگ که در این آیه ها آشکار شده اند را چطور می بینیم؟

در حالی که بطور کامل میزان تأثیر گزاری شیطان بر دنیای طبیعی را درک نمی کنیم، کتاب مقدس آشکار می کند که نفوذ او وجود دارد، همان طور که در داستان ایوب دیده شد (ایوب فصل یک آیه های ۱۸ و ۱۹ را ببینید). الن جی هوایت همچنین به ما می گوید که، «شیطان حتی هم اکنون بواسطه بلاها بر فراز دریا و خشکی می کوشد سرنوشت هر تعداد که ممکن است را به نابودی محکوم کند.» - In Heavenly Places، صفحه ۳۴۸، نشانه دیگر از قدرت او در این زمینه است. مطمئناً در خلال بلاهای طبیعی دائمی که به جهان ضربه می زنند، ما واقعیت نبرد بزرگ را که بر روی زمین در حال رخ دادن است می بینیم.

در این داستان بخصوص، بعد از یک روز طولانی تعلیم، وقتی غروب فرا رسید، عیسی پیشنهاد داد تا او و رسولان به کرانه مقابل که جمعیت کمتری دارد بروند. در بخشی از مسیر ناگاه طوفانی عظیم از باد پدید آمد و امواج کشتی را می کوفت (مرقس فصل ۴ آیه ۳۷). عیسی بسیار خسته بود و از قرار معلوم بی خبر در عقب کشتی خوابیده بود. شاگردانش در مبارزه با طوفان چنان درگیر بودند، که مدتی طول کشید تا متوجه خوابیدن عیسی شوند.

عیسی در ابتدا وقتی فریاد کشیدند چیزی به ایشان نمی گوید. او برای تشریح وضع نامساعدی که ایشان در آن قرار داشتند موعظه نمی کند یا راهی ارائه نمی دهد که رسولان بتوانند کاری بکنند تا در این شرایط پیروز باشند. او فقط بر می خیزد، دستش را بلند می کند

و به بادها و امواج نهیب می دهد که آرام و خاموش باشید، گویا آنها صرفاً بچه هایی پر سر و صدا هستند.

شاگردان در این اوضاع فقط در حیرت غرق می شوند. آنها «بی نهایت ترسان شده و به یکدیگر گفتند، این کیست که باد و دریا هم او را اطاعت می کنند!» (مرقس فصل ۴ آیه ۴۱). به هر جهت درس های زیادی در اینجا وجود دارند، با استفاده از این داستان می توانیم وسعت قدرت عیسی و همچنین نیاز خودمان به اعتماد بی چون و چرا به او را ببینیم.

با اینکه می توانیم واقعیت قدرت خداوند را، حتی بر طبیعت ببینیم، تنها جاییکه او آن قدرت را بزور به کار نخواهد برد بر اختیار خود ماست. در این مورد که چقدر باید در مورد هدیه مقدس انتخاب آزاد محتاط باشیم و چطور باید واقعیت نبرد بزرگ ما را در استفاده از این هدیه محتاط سازد به ما چه می گوید؟

چهارشنبه

۱۷ فوریه

چه کسی بزرگ ترین است؟

مرقس فصل ۹ آیه های ۳۳ تا ۳۷ را بخوانید. عیسی در اینجا چه درسی به رسولان داد و چه پیامی برای کسی که مدعی پیروی عیسی است وجود دارد؟ همچنین متی فصل ۱۸ آیه های ۳ تا ۵ را ببینید.

این مناظره در میان شاگردان بدون شک به تصور شان از آینده مربوط بود. آنها گمان کردند که عیسی داشت اسرائیل را از دست رومیان نجات می داد، پادشاهی داود را بازمی گرداند و به عنوان پادشاهی جدید با قام جلالی که قوم تحت پادشاهی سلیمان تجربه کردند حکمرانی می کند. چنانچه آن اتفاق می افتاد، آنها بدون شک می انگاشتند که به عنوان چندی از افراد مورد اعتماد عیسی، نقش های مهم و برجسته ای برای بازی در پادشاهی تازه بازایی شده خواهند داشت. اما حتی آن هم کافی نبود: آنها می خواستند بدانند چه کسی در میان شان در پادشاهی «بزرگ ترین» خواهد بود. این اگر تلقین زهره (شیطان) نبود، پس چه بود؟ (اشعیاء فصل ۱۴ آیه ۱۴ را ببینید).

متی فصل ۲۰ آیه های ۲۰ تا ۲۸ را بخوانید. عیسی به این خواهش چگونه پاسخ داد؟ نکته اصلی او چه بود؟

احتمالاً ناراحت کننده ترین مسئله در مورد این حادثه تأثر آور در زمینه آن نهفته است. آنها در راه به اورشلیم بودند جایی که عیسی می رفت تا مصلوب گردد. او تازه به آنها توضیح داده بود که می رفت تا تسلیم و به مرگ محکوم شده، تحقیر شود، تازیانه بخورد و مصلوب گردد و سپس روز سوم دوباره برخیزد (متی فصل ۲۰ آیه های ۱۸ و ۱۹). به محض اینکه گفتن این سخنان تمام شد، این پرسش که چه کسی بزرگ تر بود دوباره مطرح شد. آنها حتی نشنیدند عیسی چه گفت. مشخص بود که آنها گوش نمی دادند. علاقمند به جاه طلبی های کوتاه نظر خود، آنها درک اهمیت مسائل بزرگتر را از دست دادند و بر عقاید اشتباه پادشاهی دنیوی که هرگز روی کار نخواهد آمد تمرکز کردند و آنچه عیسی به ایشان درباره پادشاهی ابدی که از طریق فرارسیدن مرگش عرضه می داشت، از دست دادند.

فکر کردن به اینکه شاگردان چقدر کوتاه نظر و درگیر چیزهای بی اهمیت بودند ساده است. به خود نگاه کنید و بپرسید: «چه کوتاه نظری ها و در فکر چیزهای جزئی بودن ها را نیاز دارم از روح خود بزدایم؟»

۱۸ فوریه

پنجشنبه

رویارویی الهی با کلام

روز سوم بعد از مرگ عیسی بود. پیروانش هنوز در شوک به سر می بردند. آنها گمان کردند او رومیان را شکست خواهد داد، اما در عوض، به نظر می رسید، رومیان او را شکست دادند.

بسیاری از شاگردان همراه رسولان بعد از مصلوب شدن عیسی گرد هم آمدند. گروهی از زنان از میان آنها در صبح یکشنبه سری به قبر زدند. لوقا سه تن از آنان را نام می برد، اما زنان بیشتری با عیسی از جلیل آمده بودند (لوقا فصل ۲۳ آیه ۵۵، فصل ۲۴ آیه یک و ۱۰). آنها از سر قبر خالی برگشته تا به «یازده نفر و دیگران» بگویند که در آنجا دو مرد را با لباس های درخشان دیده بودند (لوقا فصل ۲۴ آیه ۹).

لوقا می نویسد که بعد از ظهر یکشنبه دو نفر از پیروان عیسی مسافت دو تا سه ساعته اورشلیم تا خانه خود در عمو آس را پیاده رفتند (لوقا فصل ۲۴ آیه ۱۳). مثل اینکه در

گفتگوشان درباره آنچه در آخر هفته اتفاق افتاده بود چنان مشغول بودند که متوجه قدم زدن غریبه ای نزدیک شان نشدند. شاید هرگز متوجه وی نمی شدند اگر او با این پرسش که چرا چنین غمگین بودند به گفتگوشان وارد نشده بود (لوقا فصل ۲۴ آیه ۱۷). این پرسش شخصی به نام کلیوپاس را بسیار به هیجان آورد. او از اینکه غریبه از همه آن چیزهایی که واقع شده بی اطلاع است متعجب بود. غریبه پرسید: «چه چیزهایی؟» (لوقا فصل ۲۴ آیه ۱۹).

لوقا فصل ۲۴ آیه های ۱۹ تا ۳۵ را بخوانید. این افراد چه گفتند که فقدان درک ایشان را مشخص می کرد و عیسی چگونه حقیقت را برای آنها توضیح داد؟

توجه کنید که تمام تأکید عیسی بر کتب مقدس بود. چنانچه او در نبرد خود با شیطان در بیابان به کتب مقدس متوسل شد، او در اینجا به کلام مقدس مراجعه می کند تا تاریکی که این دو در آن بودند را به عقب براند. عیسی فقط بعد از اینکه ایشان را با آموزه های کتاب مقدس درباره خود و مأموریتش آشنا ساخت به ایشان تجربیات نیرومندی برای تأیید آن آموزه های کتاب مقدس عرضه نمود: نخست، او خود را بر ایشان نمایان ساخت، نشان داد که او به راستی از مردگان قیام کرده بود؛ دوم، «او از نظر ایشان غایب شد» (آیه ۳۱). در این میان بدون شک با مطالعه کاملاً روشن کتاب مقدس بر کفار مرگ عیسی، که توسط این تجربیات نیرومند دنبال شد، این دو به اندازه کافی دلیل برای ایمان آوردن داشتند.

اینجا دوباره، مانند تمام انجیل می بینیم که عیسی کتاب مقدس را در مرکز و مقابل حفظ می کند. پس چگونه می توانیم خود را در مقابل هر نوع تفکری که باعث زیر سؤال بردن اعتبار کتاب مقدس می شود محافظت نماییم؟

۱۹ فوریه

جمعه

اندیشه ای فراتر:

هنگامی که اینجا در بعد جسمانی، عیسی دیوها را بیرون می کند (لوقا فصل ۶ آیه ۱۸)، به مایوس ها امید می بخشد (لوقا فصل ۶ آیه ۲۰ تا ۲۳)، به انسان نشان داد چگونه محبت شگفت آور خدا را در زندگی بکار ببرند (لوقا فصل ۶ آیه های ۲۷ تا ۴۹)، غلام یوزباشی را شفا داد (لوقا فصل ۷ آیه های ۲ تا ۱۰)، پسر مرده بیوه زن را زنده کرد (لوقا فصل ۷ تا ۱۶).

طوفان را آرام ساخت (لوقا فصل ۸ آیه های ۲۲ تا ۲۵)، مرد دیوزده ای را در جَدَریان از شر دیو آزاد ساخت (لوقا فصل ۸ آیه های ۲۶ تا ۳۹)، زنی که برای ۱۲ سال خونریزی داشت شفا داد (لوقا فصل ۸ آیه های ۴۳ تا ۴۸)، دختر مرده یایرس را زنده کرد (لوقا فصل ۸ آیه های ۴۱ و ۴۲، آیه های ۴۹ تا ۵۶)، و حتی ایلعازر را بعد از اینکه چهار روز از مرگش گذشته بود زنده کرد (یوحنا فصل ۱۱ آیه های ۳۹ تا ۴۴). همه این امور و خیلی بیشتر را او انجام داد و بازهم مردم در ایمان آوردن به او دچار تقلا بودند. «حتی شاگردان خود مسیح در یادگیری و درک بسیار کند بودند. علی رغم محبت شان نسبت به او و احترام شان به سیرت او، ایمان شان در فرزند خدا بودن او متزلزل بود. مقایسه مکرر ایشان به رسوم و سنت های پدران و سوء تفاهم ادامه دارشان از سخنان او، نشان می دهد چقدر برای ایشان رهایی از خرافات مشکل بود.» - الن جی هوایت، Manuscript Releases، جلد ۱۸، صفحه ۱۱۶. ایمان هدیه ای است از طرف خدا، اما هدیه ای است که مردم می توانند در برابرش مقاومت کنند. و به همین خاطر به ما اخطار شده است که شیطان و نبرد بزرگ واقعی هستند و دشمن به سختی می کوشد تا باعث شک و بی ایمانی ما بشود. نجات از طریق ایمان در آنچه مسیح برای ما انجام داده است بدست می آید؛ شیطان بدان آگاه است و بنابراین هر کاری خواهد کرد تا ما را از آن ایمان برگرداند؛ خوشبختانه و ما باید این را همیشه به خاطر داشته باشیم که عیسی بی نهایت از شیطان نیرومند تر است و اگر به عیسی وفادار بمانیم، شیطان نمی تواند بر ما غلبه کند.

پرسش هایی برای بحث:

۱. چه پاسخی خواهید داد به کسی که از شما بپرسد، «اگر عیسی قدرت بسیاری بر طبیعت دارد، چرا بسیاری از مردم حتی مسیحی ها، قربانی بلایای طبیعی می شوند؟» واقعیت نبرد بزرگ چگونه بر این پاسخ منطبق می شود؟
۲. بعضی دلایلی که برای ایمان داشتن به عیسی داریم کدامند؟ و کتاب مقدس درباره او چه می گوید؟ چرا همیشه حفظ این دلایل در برابرمان دارای اهمیت است؟ همچنین چرا با وجود داشتن این همه دلایل خوب تعداد زیادی از مردم در تقلا بر سر ایمان هستند؟ چه چیزهایی باعث تردید ما می شوند و بهترین راه مقابله با آنها چیست؟
۳. همانطور که در این هفته دیدیم، عیسی تعدادی انسان ناکامل را برای کار با خود برگزید. چه امیدی به شما می دهد در ارتباط با اینکه چطور عیسی شما را با وجود تمام ضعف هایتان می تواند به کار بگیرد؟

نبرد بزرگ و کلیسای اولیه



بعد از ظهر شنبه

برای مطالعه این هفته: اعمال رسولان فصل یک آیه های ۶ تا ۸، فصل ۲ آیه های ۵ تا ۱۲، پیدایش فصل یازده آیه های یک تا ۹، اعمال رسولان فصل ۴ آیه های یک تا ۳۰، فصل ۷ آیه ۵۴، فصل ۱۰ آیه های ۱۲ تا ۲۹ را بخوانید.

آیه حفظی: «چون شهادت پطرس و یوحنا را دیدند و دانستند که افرادی آموزش ندیده و عامی هستند، در شگفت شدند و دریافتند که از یاران عیسی بوده اند.» (اعمال رسولان فصل ۴ آیه ۱۳).

بزرگترین مانع بین عیسی و پیروانش عقاید پیشین آنها بود. اگر گفته های عیسی با آنچه که حواریون در مورد هویت او تصور داشتند همخوانی نداشت توجه کمی به آن گفته ها می کردند. حواریون درست تا زمان صعود عیسی به آسمان، کماکان او را در رابطه با آزاد ساختن اسرائیل از دست رومیان سؤال پیچ می کردند.

صرفاً بعد از ده روز دعا و معاشرت دوستانه در حضور خدا بود که در نهایت عقاید پیشین داشت با حقیقت جایگزین می شد و حواریون آماده پذیرفتن آنچه خدا به ایشان گفت بودند. این راه را برای رویداد باورنکردنی در اولین پنطیکاست (عید پنجاهه) بعد از مرگ عیسی مهیا نمود. بطور حتم، کلیسا با چالش های بسیار بخصوص از طرف رهبران دینی محلی روبرو می شود، از طرف بعضی از آنهایی که به همان اندازه مصمم بودند که کلیسا را متوقف کنند که اصرار به متوقف کردن عیسی داشتند.

بنابراین، در درس این هفته، نحوه اجرای مضمون نبرد بزرگ را از راه های مختلف خواهیم دید. آشکار شدن آن را به وضوح خواهیم دید درست مانند کسانی که صاحب قدرتند که از شیطان برای سرکوب کردن حقیقت الهام می گیرند؛ ولی اجرای نقش آن را در محیطی ظریف تر ولی حساستر یعنی قلب انسان خواهیم دید.

*درس این هفته را برای آمادگی روز سبت ۲۰ فوریه مطالعه کنید.

آغاز یک شروع تازه

عیسی پس از رستاخیز، برای تصدیق رستاخیز و کمک به درک بهتر حواریون از ملکوت خدا چهل روز را با آنها سپری کرد (اعمال رسولان فصل یک آیه ۳، رساله اول به قرنتیان فصل ۱۵ آیه های ۴ تا ۷). با وجود این در حالیکه دور هم جمع شدند، درست پیش از صعود عیسی به آسمانها، چیزی که در صدر افکارشان بود آیا این است زمانی که عیسی در نهایت بر رومیان چیره خواهد گشت یا خیر (اعمال رسولان فصل یک آیه ۶).

عقاید شان نسبت به آنچه باید رخ بدهد چنان نیرومند بود که حقیقتاً به آنچه عیسی داشت به آنها می گفت توجه نکردند. حتی بعد از سه سال و نیم آموزش نزدیک (برابر با مدرک دانشگاهی)، از بهترین معلمی که تاکنون دنیا شناخته است، حواریون هنوز اندیشه های اشتباه بسیاری را برای از یاد بردن داشتند.

اعمال رسولان فصل یک آیه های ۶ تا ۸ را بخوانید. برای مقابله با چنین جهالتی عیسی چگونه پاسخ داد؟

عیسی به جای تلف کردن وقت برای تصحیح هر سوء تفاهم شان بر مسئله واقعی تمرکز نمود. توانمندی توسط روح القدس بسیار با اهمیت تر از گفتگوهای سیاسی بود. حواریون پس از تماشای صعود عیسی در میان ابرها و ناپدید شدن او، متوجه دو مرد در کنارشان شدند. دو مرد به ایشان گفتند که عیسی باز خواهد گشت. همانگونه که مانند پادشاه پیروز به آسمان پذیرفته شد، او دوباره به همان عنوان پادشاه و فاتح، مطابق با تصور ایشان زمانی که از او درباره باز پس گیری پادشاهی اسرائیل پرسیدند خواهد آمد. اما آن روز حتی از بزرگ ترین رویاهای آنها برتر خواهد بود - چرا که او به عنوان پادشاه همه مخلوقات و نه فقط پادشاه قطعه ای از زمین در خاورمیانه خواهد آمد.

یازده حواری از کوه زیتون به اورشلیم بازگشتند، اذهان شان شناور در خاطرات و دل هایشان درخشان از حقایق نمایان شده توسط عیسی بود (حداقل آنهایی که درکش کردند). اما چیزی بیشتر نیاز داشتند. عیسی به ایشان گفت برای چند روز منتظر باشند تا روح القدس آنها را غسل تعمید دهد (اعمال رسولان فصل ۱ آیه های ۴ و ۵)، با اینکه دشمن شکست خورده بود، ولی هنوز کارش به اتمام نرسیده بود و ایشان به نیرویی از آسمان نیاز خواهند داشت تا آنچه عیسی از ایشان خواسته بود را به انجام برسانند.

اعمال رسولان فصل یک آیه ۱۴ را بخوانید. حال مهم ترین تفاوت در رفتار حواریون با یکدیگر، در مقایسه با گذشته مانند آن که در متی فصل ۲۰ آیه های ۲۰ تا ۲۴ دیدیم چه بود و چه پیامی برای ما در این تغییر رفتار وجود دارد؟ از چه راه هایی می توانید نفس را برای آمادگی دریافت روح القدس کنار بگذارید؟

دوشنبه

۲۲ فوریه

پنطیکاست (عید پنجاهه)

پیروان عیسی برای ده روز دعا کردند، تجربیات شان با عیسی را در روشنایی کتب مقدس سنجیدند، به یکدیگر تواضع و خوشرویی را ابراز نموده و در نهایت به روح القدس اجازه دادند تا حقیقت را بر ایشان القا نماید. همانگونه که روح روی لجه را در ابتدای جریان آفرینش پوشاند، روح خدا نیز سر هر کدام از حواریون را پوشانده مانند زبانه های تفکیک شده آتش بر هر یک از ایشان قرار گرفت (اعمال رسولان فصل ۲ آیه های ۲ و ۳). این شروعی تازه و خلقتی نو بود.

اعمال رسولان فصل ۲ آیه های ۵ تا ۱۲ را بخوانید. اهمیت رخداد آشکار شده در این آیه ها چیست؟ آن را با فصل ۱۱ آیه های یک تا ۹ سفر پیدایش مقایسه کنید.

مدتی پس از طوفان نوح، ساکنان زمین تصمیم به ساختن برجی گرفتند که سر به آسمان برساند (پیدایش فصل ۱۱ آیه های یک تا ۹). خدا برای ممانعت از این گستاخی و کوشش احمقانه (بعلاوه شرارت های تازه ای که آنها شروع کرده بودند، پیدایش فصل ۱۱ آیه های ۵ و ۶)، زبان رایج شان را مشوش کرده و ایشان را «بر روی تمام زمین» پراکنده ساخت (پیدایش فصل ۱۱ آیه های ۷ تا ۹).

ولی در روز پنطیکاست (عید پنجاهه)، خدا عکس این قضیه را انجام داد. او مردمی را می دید که مشغول ساختن شهر و برج جدید بابل نبودند، بلکه آماده بودند تا این خبر خوش که شیر یک روز برای همیشه به زیر افکنده خواهد شد را اعلام کنند.

آن روز مردم «از هر طایفه زیر فلک» در اورشلیم بودند (اعمال رسولان فصل ۲ آیه ۵؛ آنرا با پراکندگی در برج بابل مقایسه کنید) و در شگفتی افتادند زیرا هر کس زبان خود را از دهان حواریون می شنیدند (اعمال رسولان فصل ۲ آیه های ۶ تا ۱۱).

پطرس از این فرصت برای موعظه به آنها استفاده کرد. او از ریزش روح القدس که مردم را برای ملاقات با خدا آماده ساخت سخن می گفت (اعمال رسولان فصل ۲ آیه های ۱۷ تا ۲۱). او مأموریت حقیقی مسیح را خاطر نشان کرده و ایشان را بخاطر مصلوب کردن او سرزنش نمود (اعمال رسولان فصل ۲ آیه ۲۳). آنها «دلریش» گشته (اعمال رسولان فصل ۲ آیه ۳۷) و سه هزار نفر تعمید گرفتند و به حواریون پیوستند (اعمال رسولان فصل ۲ آیه ۴۱).

بعضی از کسانی که با الهام از شیطان به مرگ عیسی راضی شدند، حال تحت تأثیر روح القدس، به عیسی ایمان آوردند. این به ما از قدرت خدا نه فقط در بخشیدن بدترین گناه ها بلکه در تغییر سنگدل ترین ها چه می گوید؟

۲۳ فوریه

سه شنبه

روبرویی با صدوقیان

اعمال رسولان فصل ۴ آیه های یک تا ۳۴ را بخوانید. مضمون نبرد بزرگ چگونه در اینجا آشکار می شود؟ از چه طرقی این فقط یک نمونه از نحوه نقش آفرینی آن در تمام تاریخ را نشان می دهد؟ عملکرد شیطان و همچنین عملکرد خدا را چگونه می بینیم؟

«کاهنان و حاکمان دیدند که مسیح به بالاتر از آنها اعتلاء یافت. وقتی صدوقیان که به رستاخیز از مردگان اعتقاد نداشتند، شنیدند که حواریون رستاخیز مسیح از مردگان را اعلام می نمایند، خشمگین شده، پی بردند اگر حواریون اجازه سخنرانی درباره نجات دهنده ای برخاسته از مرگ را یابند و به اسم او معجزات انجام دهند، این عقیده که رستاخیز وجود ندارد توسط همگان رد خواهد شد و فرقه صدوقیان بزودی منقرض خواهد گشت.» - الن جی هوایت، The Acts of the Apostles، صفحه ۷۸.

بخصوص آنچه که باعث ناراحتی این رهبران گشت شفایی بود که خداوند توسط پطرس انجام داد (اعمال رسولان فصل ۳ آیه های یک تا ۱۰ را ببینید). اما حواریون در هنگام روبرویی با این رهبران متزلزل نشدند. کاهنان از این «افراد آموزش ندیده و عامی» چنین انتظاری نداشتند (اعمال رسولان فصل ۴ آیه ۱۳). آنها حواریون را به بیرون اتاق فرستاده، در میان خودشان مشورت کردند، تصور کردند اگر به این افراد دستور بدهند که به نام عیسی تعلیم ندهند با فروتنی اجرا خواهند کرد (اعمال رسولان فصل ۴ آیه ۱۸). چقدر در اشتباه بودند.

در عوض، حواریون بازگشته و به دیگران پیوستند و با هم خدا را پرستش کردند (اعمال رسولان فصل ۴ آیه ۲۴). آنها شهادت بیشتر و اینکه خدا دست خود را به شفای بیشتر دراز کند را خواستار شدند (اعمال رسولان فصل ۴ آیه های ۲۹ و ۳۰). آنها نیاز به صبر بیشتر نداشتند. بخاطر محبوبیت در حال افزایش حواریون، مردم بیماران خود را به کوچه ها بیرون آوردند تا سایه پطرس در حین گذر از آنها بیافتد (اعمال رسولان فصل ۵ آیه ۱۵). گروه بسیاری از شهرهای نزدیک آمدند و تمام بیماران آنها شفا یافتند (اعمال رسولان فصل ۵ آیه ۱۶). تا به این جا می توانیم آشکار شدن نبرد بزرگ را ببینیم: رهبران فاقد اصول اخلاقی در جستجوی پایمال کردن حقیقت بودند؛ ولی ایمانداران کتاب مقدس خود را می خواندند و برای نیروی الهی، شفای بیماران و نجات جان ها در دعا بودند. امور اگر چه، دست کم در ظاهر، همیشه بخوبی اینجا از کار در نمی آیند، ولی هرگز نباید فراموش کنیم که سرانجام، نبرد بزرگ به پایان خواهد رسید و پیروزی نهایی که از آن ماست بخاطر آنچه عیسی برای همه بشر به انجام رسانده بود قطعی است.

چهارشنبه

۲۴ فوریه

سنگسار کردن استیفان

حواریون تنها کسانی نبودند که از طرف تشکیلات مذهبی طی روزهای اولیه کلیسا مورد دشمنی قرار گرفتند. استیفان، کسی که از «ایمان و قدرت پر بود و آیات و شگفتی های عظیمه در میان قوم به انجام رساند» (اعمال رسولان فصل ۶ آیه ۸)، به حضور آن ها آورده شد. در حقیقت شهادت او چنان قانع کننده بود که دشمنانش برای کشاندن او در حضور دادگاه داستان های جعلی و مجرمانه بر علیه او اقامه کردند. (اعمال رسولان فصل ۶ آیه های ۹ تا ۱۴).

در اعمال رسولان فصل ۷ آیه های ۲ تا ۵۳، استیفان به کسانی که او را متهم کردند پیغام قدرتمندی می دهد. اعمال رسولان فصل ۷ آیه ۵۴ را بخوانید، اینکه می گوید «دلریش» شدند؛ یعنی، ایشان با کلمات او مجاب شدند. در اعمال رسولان فصل ۲ آیه های ۳۷ تا ۴۱، پس از شنیدن اتهامی مشابه از طرف پطرس دیگران نیز مجاب شدند. تفاوت در پاسخ ها به قانع شدن ها چه بود؟ درباره حیاتی بودن واگذاری قلب در حضور خدا به ما چه می گوید؟

حواریون تا اندازه ای از چالش رهبران سالم در رفتند، اما وقتی استیفان تلاش کرد همان کار را انجام دهد، توسط جمعیتی خشمگین کشته شد. مرگ استیفان آغاز تلاشی موزون توسط شیطان برای محو کردن جنبش جدید را مشخص نمود. تا این لحظه، پیروان عیسی مورد آزار و اذیت و تهدید واقع شده بودند، اما استیفان اولین کسی بود که کشته شد.

اما آنها چه انتظاری داشتند؟ اگر شیطان توانسته بود بعضی رهبران را برای اعدام عیسی الهام بخشد، بطور حتم پیروان او نباید کمتر از این برای خود انتظار داشته باشند. البته که، خداوند در سراسر نبرد بزرگ، پیروزی را از دل آنچه اغلب به نظر شبیه شکست است به دفعات بیرون خواهد آورد. در اینجا نیز اصلاً متفاوت نبود.

«سوئس، پس از مرگ استیفان بخاطر نقشی که در آن ایفا کرده بود به عضویت شورای عالی بنی اسرائیل انتخاب شد. برای مدتی او به وسیله ای قدرتمند در دستان شیطان برای اجرای شورش او در مقابل پسر خدا تبدیل شد. اما این شکنجه گر سَمج باید در بنا کردن کلیسایی که مشغول به نابودی اش بود به کار گرفته می شد. کسی قوی تر از شیطان سوئس را در گرفتن جای استیفان شهید برای موعظه و تحمل رنج در نام او و انتشار و گسترش نجات از طریق خون او برگزیده بود.» - الن جی هوایت، اعمال رسولان، صفحه ۱۰۲.

گاهی می بینیم که نیکی از آنچه بطور حتم شریر است بیرون می آید. این امری عالی است. ولی وقتی برافراشته شدن نیکی را از میان شرارت نمی بینیم و فقط شرارت بیشتر، چه کار می کنیم؟

۲۵ فوریه

پنجشنبه

تغییر نگرش ها

حواریون نه تنها با عقاید پیشین که مانع درک ایشان از آموزه های عیسی می شد تقلا می کردند، بلکه در تعصبات قومی نیز سهمیم بودند. یک نمونه از این داستان زن سامری است که عیسی از او مقداری آب برای نوشیدن طلب کرد. حواریون متعجب شده بودند که او حتی با آن زن صحبت کرد (یوحنا فصل ۴ آیه ۲۷).

همچنین تعصبات قومی در شرح حال گرنیلیوس یوزباشی رُم در قیصریه پدیدار گشت. گرنیلیوس «مردی پارسا بود که از خدا می ترسید» (اعمال رسولان فصل ۱۰ آیه ۲) و مردم احترام محلی زیادی برایش قائل بودند (آیه ۲۲). فرشته ای او را برای فرستادن پی پطرس در یافا الهام داد (آیه ۲۲؛ همچنین آیه های ۳ تا ۸ را ببینید).

در ضمن، پطرس در یافا برای دعا کردن به بام خانه می رود (آیه ۹). در پناه از خورشید و نسیم خنک دریا در حال استراحت کم کم احساس گرسنگی می کند و در انتظار میزبانان در حال تدارک نهار برای او هست رؤیای عجیبی می بیند. آسمان گشوده می شود و چیزی شبیه سفره ای بزرگ که از چهار گوشه بسته به سوی زمین آویخته بر او نازل می شود. درون سفره مجموعه ای از مخلوقات از نظر او حرام یا «ناپاک» می باشد و خطابی به او رسید که برخیز ذبح کن و بخور. (آیه های ۱۱ تا ۱۴).

واکنش پطرس وقتی به او خطاب شد خوراک «ناپاک» بخور چه بود؟ و معنای رؤیا چه بود؟ اعمال رسولان فصل ۱۰ آیه های ۱۲ تا ۲۹.

خدا در این رویا به پطرس درس مهمی می دهد. امروز بعضی مردم تصور می کنند این همان زمانی است که خدا رژیم غذایی انسان را تغییر می دهد و به مردم اجازه داد هر چیزی که دوست دارند بخورند. این چیزی نبود که پطرس از رویا دریافت کرد. ابتدا تعجب کرد که معنایش چیست؛ در ابتدا معنی مشخص نیست (اعمال رسولان فصل ۱۰ آیه ۱۷). هنگامی که همراهان گرنیلیوس رسیدند و مأموریت شان را شرح دادند، پطرس احساس کرد مجبور است با آنها برود (اعمال رسولان فصل ۱۰ آیه های ۲۲ و ۲۳). وقتی پطرس گرنیلیوس را ملاقات می کند، قادر می شود تا معنای رویا را به گرنیلیوس بازگو کند. مسیح نجات دهنده همه دنیاست. غریبه‌های نیز جانهایی گرانها هستند که مسیح بخاطر شان جان داد (اعمال رسولان فصل ۱۰ آیه های ۳۴ تا ۴۸).

پطرس داشت درسی را می آموخت که هنوز همه ما نیاز داریم بیاموزیم. همه موانع در مسیح برداشته شده اند و تمایز بین یهودی و غیر یهودی، بین همه مردم دیگر وجود ندارد، «بلکه از هر قوم هر که از او بترسد و عمل نیکو کند، مقبول او می گردد.» (اعمال رسولان فصل ۱۰ آیه ۳۵).

زیباست که معتقد باشیم همه ما در مسیح یکی هستیم؛ این همان چیزی است که کتاب مقدس می آموزد. بدبختانه، حتی در کلیسا همیشه این همان چیزی نیست که در قلب هایمان احساس می کنیم، اینطور نیست؟ نخست چطور می توانیم تعصبات خود را تشخیص دهیم و دوم، در قدرت خدا چطور می توانیم خود را از آن تعصبات پاک کنیم؟

۲۶ فوریه

جمعه

اندیشه ای فراتر:

فئودور داستایفسکی (Fyodor Dostoyevsky) نویسنده روس درباره بازگشت عیسی به زمین، ولی نه آنگونه که در کتاب مقدس پیشگویی شده نوشت. در عوض، در این داستان ساختگی، عیسی در اوج استنطاق بدعت وقتی که رهبران مذهبی قدرت شان را برای شریر بکار بردند، بازگشت. استنطاق کننده اعظم عیسی را که

چون دهقانی ظاهر شده بود دستگیر و به سیاه چال انداخت. آن شب عیسی را در زندان ملاقات کرد و از او بخاطر دادن آزادی به انسان ها شدیداً انتقاد کرد. او اعلام می کند «به جای گرفتن آزادی مردم از ایشان، تو آن را بیش از همیشه بزرگتر ساختی! تو آیا فراموش کردی که انسان آرامش و حتی مرگ را به آزادی در آزادی انتخاب در دانش نیک و بد ترجیح می دهد؟ برای انسان هیچ چیز گمراه کننده تر از آزادی وجدان او نیست، اما هیچ چیز بزرگ ترین دلیل رنج نیست.» با وجود جسارت و بدگمانی اش، حق به جانب اوست. ببین انسان ها با آزادی شان چه کرده اند. درد، شرارت، گناه، رنج، مرگ - همه از آزادی یا سوء استفاده از آن برخاسته اند. ولی خدا ما را به عنوان موجودات دوست داشتنی آفرید و تنها راه دوست داشتن آنگاه است که آزاد آفریده می شدیم. مقدار زیادی از نحوه تأثیر نبرد بزرگ در این دنیا به کارکرد آنچه مردم با هدیه روحانی و گران بهای آزادی (صلیب ارزش آن را آشکار می کند) انجام داده اند و هنوز انجام می دهند بستگی دارد. همانطور که در این هفته دیدیم، بعضی از افراد، وقتی با مژده انجیل مواجه شدند، توبه کردند و دل هایشان را به عیسی تقدیم کردند؛ در حالی که وقتی دیگران با آن روبرو شدند پیام آور را کشتند. آزادی هدیه گران بهایی است، اما ما باید در مورد نحوه عملکرد مان نسبت به آن مراقب باشیم.

پرسشهایی برای بحث:

۱. شکی نیست که عهد جدید به وحدتی که ما در مسیح داریم تأکید می ورزد. این ایده بسیار نیرومند است که در زمان خود انقلابی بود. متأسفانه حتی اکنون در قرن بیست و یکم یکی از بزرگترین شرارت ها که هنوز وجود دارد تعصبات نژادی، ملی و قومی است. تنها خدا وسعت خرابی که این شر بوجود آورده است می شناسد؛ و با این وجود که این را در دنیا انتظار داریم، در مورد کلیسا چطور، حتی کلیسای خودمان؟ چگونه آشکار می شود؟ این چرا به نوعی نگرشی اینچنین متناقض با اساسی ترین و بنیادی ترین تعلیمات انجیل دارد؟

۲. همه ما گهگاه بواسطه روح القدس احساس گناه می کنیم. وقتی آن حس به سراغتان می آید شما چطور پاسخ می دهید؟ نبرد بزرگ در حقیقت جایی درون قلب طغیان می کند. چگونه انتخاب های شما وقتی گناهان تان بواسطه روح آشکار می گردند مشخص می کند که در کدام طرف نبرد خواهید بود؟

پولس و سرکشی



بعد از ظهر شنبه

برای مطالعه این هفته: رساله به رومیان فصل ۵ آیه های ۱۲ تا ۲۱، رساله اول به قرنتیان فصل ۳ آیه های ۱۲ تا ۱۷، رساله اول به قرنتیان فصل ۱۲ آیه های ۱۴ تا ۲۶، رساله به افسسیان فصل ۶ آیه های ۱۱ تا ۱۷، رساله اول به قرنتیان فصل ۱۵ آیه های ۱۲ تا ۱۸ را بخوانید.

آیه حفظی: «چون این فساد پذیر، فساد ناپذیری را پوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه آن کلام مکتوب به حقیقت خواهد پیوست که می گوید: مرگ در پیروزی فرو بلعیده شده است.» (رساله اول به قرنتیان فصل ۱۵ آیه ۵۴).

نوشته های پولس مملو از مضمون نبرد بزرگ بود. شکی نیست که پولس نه تنها به حقیقت شیطان بلکه به واقعیت نیرنگ و مرگ او اعتقاد داشت. پولس در مکان های بی شماری، در مورد «توطئه های» شیطان (رساله به افسسیان فصل ۶ آیه ۱۱)، و نیرنگ های پرقدرتش (رساله دوم به قرنتیان فصل ۱۱ آیه ۱۴) و حتی نیروهای فوق طبیعی اش (رساله دوم به تسالونیکیان فصل ۲ آیه ۹) اخطار نمود. بطور محض هر کس نوشته های پولس را خوانده است، می داند تأکید رسول همیشه بر روی مسیح و پیروزی نهایی اش برای ما بوده است. هر قدر شیطان در غلبه بر قوم پیمان خدا در طول قرنهای پیروز شد، ابلیس مطلقاً در مقابل عیسی شکست خورد و همه وعده های پیمان در عیسی تحقق یافت، در نتیجه نجات را برای همه یهودیان و غیریهودیان که آن را در ایمان و اطاعت مطالبه می کنند تضمین می نماید. همچنین وفاداری مسیح مرگ مطلق شیطان (رساله به عبرانیان فصل ۲ آیه ۱۴) و پایان نبرد بزرگ را تضمین می کند. در این هفته نگاهی خواهیم انداخت به تعدادی از تصویرها و تشابهاتی که پولس در توصیف حقیقت نبرد بکار می برد و اینکه چگونه باید زندگی کنیم و در کنار یکدیگر به سود همگان بعنوان یک کلیسا و یک گروه از ایمانداران گرفتار در این کشمکش جهانی یاری رسانیم.

*درس این هفته را برای آمادگی روز سبت ۵ مارس مطالعه کنید.

آدم و عیسی

در حالی که پولس بخاطر تشریح روشنش راجع به خبر خوش شهرت دارد، توضیحش درباره نبرد بزرگ نیز اساسی است. او بطور مختصر در میان تعالیم خود انجیل خوش نکات اساسی اش را خلاصه می کند: به طریق عیسی «بواسطه ایمان تبرعه شده ایم» (رساله به رومیان فصل ۵ آیه ۱)؛ بصورت مستقیم به خدا دسترسی یافته ایم، و «در امید شادمانیم» (آیه ۲)؛ و رنج ها بیش از این ما را به ستوه نمی آورند (آیه های ۳ تا ۵). او همچنین به ما وعده می دهد که «در حالی که هنوز گناه کار بودیم مسیح بخاطر ما مرد» (آیه ۸)، و به همین خاطر حال ما بواسطه زندگی و مرگ مسیح به جای ما «نجات یافته ایم». ما همچنین از آخرین داوری خدا در مقابل گناه در امان شدیم (آیه های ۹ و ۱۰) و شادمانیم که با او مصالحه کرده ایم (آیه ۱۱).

رساله به رومیان فصل ۵ آیه های ۱۲ تا ۲۱ را بخوانید. چگونه نبرد بزرگ در این آیه ها نمایان شده است؟

پس از صحبت درباره تمام آنچه مسیح بخاطر ما انجام داده است، پولس شرح می دهد که چگونه عیسی آن ها را انجام داد. اگر آسیبی که توسط آدم در پای درختی که در باغ عدن قرار گرفته بود جبران نمی شد، هیچ امیدی برای آینده ابدی وجود نمی داشت و شیطان فاتح نبرد بزرگ می بود. آدم بخاطر کرده اش مرگ را برای همگان به ارمان آورد (رساله به رومیان فصل ۵ آیه ۱۲). حتی اعطای ده فرمان در کوه سینا نتوانست از مرگ و مشکل گناه جلوگیری کند. شریعت فقط نشان می دهد که گناه چیست. آن پاسخی برای گناه نبود. مشکل گناه و مرگ فقط می توانست از طریق قربانی شدن عیسی حل شود. عیسی کفاره را از طریق «هدیه با ارزش» زندگی خودش پرداخت کرد (رساله به رومیان فصل ۵ آیه های ۱۵ و ۱۶).

حال آدمی می توانست به شرایط اولیه بازگردانده شود. همانطور که مرگ بخاطر گناه آدم «حکمرانی» کرده بود، حال «وفور فیض» و «هدیه عدالت» می توانست به خاطر وفاداری عیسی حکمرانی نماید (رساله به رومیان فصل ۵ آیه ۱۷). منصفانه نیست که ما به خاطر آدم بهشت را از دست دادیم. ما دخالتی در انتخاب اشتباهش نداشتیم اما هنوز از عواقب آن رنج می بریم. به هر حال، این هم عادلانه نیست که ما دوباره بهشت را به دست آوریم. ما در راستای آنچه عیسی دو هزار سال پیش انجام داد کاری نکردیم. پولس مباحثه اش در رساله به رومیان فصل ۵ آیه های ۱۸ تا ۲۱ را بصورت خلاصه می کند. آدم اول محکومیت و مرگ را به ارمان آورد؛ آدم دوم آشتی و زندگی را.

«خدا محبت خود را به ما این گونه ثابت کرد که وقتی ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد» (رساله به رومیان فصل ۵ آیه ۸). نام خود را در آنجا قرار دهید و آن وعده را درخواست کنید. چه امیدی به شما می دهد؟

دوشنبه

۲۹ فوریه

«عمارت» کلیسا

«کلیسای مسیح ممکن است سست و معیوب باشد، ولی تنها چیز روی زمین است که نظر والایش را بر آن ارزانی می نماید.» - الن جی هوایت، In Heavenly Places، ص ۲۸۴.
در هیچ کجا این گفته نمونه خانم الن جی هوایت بهتر از اولین رساله پولس به قرنتیان توضیح داده نمی شود. در فصل ۳ رساله اول قرنتیان، پولس کلیسا را به محصول متفاوتی تشبیه می کند که مردم بر روی آن مشغول بکارند: یک نفر دانه می کارد، دیگری آن را آبیاری می کند، اما خود خدا برای رشد و کمال آن مسئول است (رساله اول به قرنتیان فصل ۳ آیه ۴ تا ۹).

پولس حال با تشریح کلیسا به عنوان یک بنا نکته اش را ادامه می دهد. شخصی پایه اش را بنا می نهد و دیگران بر روی آن می سازند (رساله اول به قرنتیان فصل ۳ آیه ۱۰). چرا که شالوده اصلی کسی جز مسیح نیست (رساله اول به قرنتیان فصل ۳ آیه ۱۱)، پس پیروان باید مراقب نوع مصالحی که به کار می برند باشند. داوری در پیش رو بین «مصلح نامرغوب و مناسب ساختمانی» را از یکدیگر تمیز خواهد داد (رساله اول به قرنتیان فصل ۳ آیه های ۱۲ تا ۱۵).

رساله اول به قرنتیان فصل ۳ آیه های ۱۲ تا ۱۵ را بخوانید. آن را با متی فصل ۷ آیه های ۲۴ تا ۲۷ مقایسه کنید. دو مورد از مواردی که آشکار می کند ما در نبرد بزرگ واقعاً طرفدار چه کسی هستیم، چه هستند؟

حال به این آیه در ذیل بنگرید: «آیا نمی دانید که معبد خدایید و روح خدا در شما ساکن است؟ اگر کسی معبد خدا را خراب کند، خدا او را هلاک خواهد کرد؛ زیرا معبد خدا مقدس است و شما آن معبد هستید» (رساله اول به قرنتیان فصل ۳ آیه ۱۶ و ۱۷).

باید به دو مورد توجه کنیم. اول این که متن بالا دارد درباره کلیسا و نحوه ساخته شدنش صحبت می کند. اصولاً درباره سلامتی حرف نمی زند. خدا افرادی که با انتخاب های غلط شیوه زندگی به بدن خودشان ضرر می رسانند را نابود نمی کند؛ آنها خود را نابود می کنند.

(پولس بعدها درباره بدن مان که در ارتباط با انتخاب های روحانی مان معبد روح القدس می باشد در رساله اول به قرن‌تین فصل ۶ آیه های ۱۵ تا ۲۰ صحبت می کند).
دوم مسئله این است که کلمه شما هر بار در این دو آیه قید شده است، به حالت جمع در زبان یونانی است. به شخص خاصی اشاره نشده است، بلکه به یک گروه اشاره شده است. بنابراین، اگر شخصی کاری انجام دهد تا کلیسا نابود شود، او دچار آشفتگی خطرناکی است. خدا اخطار می دهد که کسی را که تلاش به نابودی کلیسا کند از بین خواهد برد.

چطور می توانیم یقین حاصل کنیم که، هرچه می گوئیم و انجام می دهیم باعث ساخته شدن کلیسا می شود و نه متلاشی شدن آن؟

۱ مارس

سه شنبه

کلیسا به عنوان یک بدن

نقش و فعالیت کلیسا بوضوح در رساله اول قرن‌تین فصل ۱۲ مشخص شده است. در اینجا کلیسا شبیه به یک بدن شده است و با نقش هر یک از اعضایش بوضوح تشریح شده و همکاری شان به عنوان یک سیستم موزون را می بینیم (رساله اول به قرن‌تین فصل ۱۲ آیه ۱۲).

رساله اول قرن‌تین فصل ۱۲ آیه های ۱۴ تا ۲۶ را بخوانید. پیام عمده و اساسی این آیه ها چیست؟

پولس ظاهراً به شیوه ای خنده دار صحبت می کند، در فکر اینکه اگر پا یا گوش بگویند ما قسمتی از بدن نیستیم چه اتفاقی خواهد افتاد. پولس با حیرت به پیش می رود اگر همه بدن فقط چشم یا گوش بود چه اتفاقی می افتاد (رساله اول قرن‌تین فصل ۱۲ آیه ۱۷). تصور کنید یک گوش بزرگ در میان اتاق به پرواز درآمده و به ما «سلام» می کند. هر قدر هم مضحک به نظر برسد، در واقع اتفاق می افتند وقتی افراد سعی می کنند کلیسا را انگار که مالک منحصر آن هستند کنترل کنند.

پولس قبلاً فعالیت های مختلف در کلیسا را مشخص می کند و هر کدام را به عنوان هدیه روح القدس تشریح می کند. کسانی هستند که با حکمت صحبت می کنند و دیگران کتب مقدس را خوب می دانند (رساله اول به قرن‌تین فصل ۱۲ آیه ۸). کسانی وجود دارند که ایمان شان الهامی است برای همه و کسانی با نعمت شفا دهنده وجود دارند (رساله اول به قرن‌تین فصل ۱۲ آیه ۹). برخی قدرت معجزه کردن دارند، افرادی با بینش نبوی، کسانی که بوضوح

می توانند بین خوب و بد را تمیز دهند و کسانی که می توانند حصارهای زبان را بشکنند (رساله اول به قرنطیان فصل ۱۲ آیه ۱۰). توجه کنید که افراد مورد نظر آنهایی نیستند که درباره توانایی خود تصمیم می گیرند. در عوض، روح القدس هر کدام شان را از زمینه های متفاوت برای ساختن و یکی کردن بدنه کلیسا گلچین کرده است (رساله اول به قرنطیان فصل ۱۲ آیه های ۱۱ تا ۱۳). پولس برای مهم جلوه دادن این واقعیت مهم خودش تکرار می کند: خدا تنها کسی است که تصمیم می گیرد هر عضوی کجا قرار بگیرد (رساله اول به قرنطیان فصل ۱۲ آیه ۱۸).

مهم تر اینکه در مقابل اعضای بسیار تنها یک بدن وجود دارد؛ هر عضو بصورت ضروری به دیگران پیوند داده شده است، حتی کسانی که خود را بسیار با ارزش نمی دانند (رساله اول به قرنطیان فصل ۱۲ آیه های ۲۰ تا ۲۴). این همبستگی محافظی درون ساخته را برای تضمین ایمنی و تندرستی هر یک از اعضاء ساخته است. همبستگی زمانی معنی می دهد که آسیب ها و لذت ها به اشتراک گذاشته شوند (رساله اول به قرنطیان فصل ۱۲ آیه ۲۶).

بعضی از بدن‌ها با بیماری اختلالات دستگاه ایمنی مبارزه می کنند: وقتی بخشی از بدن به بخش دیگری حمله می کند. این بیماری ها گاهی می توانند تضعیف کننده و گاهی کشنده باشند. در ارتباط با آیه های امروز دشمن چگونه و به چه نحو در کار است تا بدن را تخریب کند و چگونه می توانیم توسط خداوند بکار برده شویم تا از این حمله جلوگیری کنیم؟

۲ مارس

چهارشنبه

زره خدا

واقعیت نبرد بزرگ و اینکه ما در یک نبرد واقعی با یک دشمن واقعی هستیم (رساله به افسسیان فصل ۶ آیه ۱۱)، بواسطه کاربرد تصویر سازی جنگ در افسسیان فصل ۶ توسط پولس آشکار می شود.

رساله به افسسیان فصل ۶ آیه های ۱۱ تا ۱۷ را بخوانید. این آیه ها درباره اینکه این نبرد چقدر واقعی و شخصی است چه به ما می گوید؟

چیز مهمی درباره قطعات مختلف زره نیست بلکه نحوه بکارگیری آن دارای اهمیت است. به تأکیدهای پولس توجه کنید که ما باید زره کامل را در اختیار بگیریم و نه فقط بخش های از آن را. به همین خاطر مقاومت خواهیم کرد (افسسیان فصل ۶ آیه ۱۳)، استعاره ای

در کتاب مقدس برای تشریح بی گناهان در داوری بکار رفته است (با مزامیر فصل یک آیه ۵ مقایسه کنید). به عبارت دیگر ما پیروز خواهیم بود.

چیزی که تمام زره را در جایش نگه می دارد کمر بند است، به عنوان استعاره برای حقیقت بکار رفته است (رساله به افسسیان فصل ۶ آیه ۱۴). بنابراین، حقیقت چیزی است که تمام استحکامات دفاعی روحانی مان را سر جای خود نگه می دارد. عیسی اغلب درباره حقیقت سخن می گفت (یوحنا فصل یک آیه ۱۴ و ۱۷؛ فصل ۴ آیه ۲۴؛ فصل ۸ آیه ۳۲؛ فصل ۱۴ آیه ۶). پشت سرش جوشن عدالت می آید (رساله به افسسیان فصل ۶ آیه ۱۴)؛ «عدالت» کلمه کلیدی دیگری در موعظه های عیسی است (برای مثال، متی فصل ۵ آیه ۶ و ۱۰؛ فصل ۶ آیه ۳۳). در عهد قدیم عدالت مظهر حفظ انصاف و ضمانت اینکه هر کسی معامله ای عادلانه دارد.

نعلین استعداد انجیل (رساله به افسسیان فصل ۶ آیه ۱۵) نمایان گر مژده صلح است، عبارتی که از اشعیا فصل ۵۲ آیه ۷ گرفته شده است، درباره افرادی است که فواصل طولانی را می پیمایند تا بگذارند مردمی که در اسارت هستند بدانند که اورشلیم دوباره بنا شده است و اینکه خدا آزادی را دوباره به قومش بازگردانده است. این شیوه دیگری از بیان است که بخشی از جنگ در مقابل شریر اعلام پیروزی به نقد خدا به مردم است و اینکه آنها اکنون می توانند در صلح با خودشان، با دیگران و با خدا زندگی کنند.

سپر ایمان (رساله به افسسیان فصل ۶ آیه ۱۶) مانع «تیرهای آتشین» از ضربه زدن به هدف مورد نظرشان می شود تا نابودی کلی به بار آورد. کلاهخود نجات (رساله به افسسیان فصل ۶ آیه ۱۷) برابر با تاجی است که عیسی با ما سهیم می شود (مکاشفه فصل یک آیه ۶، فصل ۲ آیه ۱۰) و شمشیر روح (کلام خدا) تنها سلاح ما برای دفاع شخصی است، تا بکار برده شود همانطور که عیسی چنین کرد زمانی که توسط شیطان مورد آزمایش قرار گرفت (متی فصل ۴ آیه ۴، ۷ و ۱۰).

زره کامل به ما درباره وابستگی مان به خدا در نبرد بزرگ چه می گوید؟
چطور می توانیم یقین پیدا کنیم که هیچ بخشی از خودمان را بدون حفاظ
باقی نگذاریم؟

۳ مارس

پنجشنبه

آخرین دشمن

ظاهراً برخی در کلیسای قرن تس در مورد مسئله قیام از مردگان نامطمئن بودند. پولس به دقت اهمیت آنرا به عنوان اصل اساسی انجیل توضیح می دهد (رساله اول به قرنتیان فصل

۱۵ آیه های یک تا ۴). به نظر می رسد نگرانی هایی در مورد ایماندارانی که مرده اند وجود دارد (رساله اول قرنیتان فصل ۱۵ آیه ۶) و بعضی پیشنهاد می کنند که مردگان در بازگشت عیسی از قلم خواهند افتاد (رساله اول قرنیتان فصل ۱۵ آیه ۱۲). شرایط مشابهی در مورد تسالونیکیان وجود دارد (رساله اول به تسالونیکیان فصل ۴ آیه های ۱۳ تا ۱۷).

رساله اول به قرنیتان فصل ۱۵ آیه های ۱۲ تا ۱۸ را بخوانید. نتیجه ی تکذیب رستاخیز از مرگ چیست؟

پولس مباحثه اش را با گفتن این که «اگر تنها در این زندگی به مسیح امیدواریم، حال ما از همه دیگر آدمیان رقت انگیزتر است» به پایان می رساند (رساله اول به قرنیتان فصل ۱۵ آیه ۱۹). برخلاف آن براستی مسیح از مردگان برخاسته و «نوبر خفتگان» شده است (رساله اول به قرنیتان فصل ۱۵ آیه ۲۰).

پولس مسیح را با آدم مقایسه می کند: «زیرا همان گونه که در آدم همه می میرند، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد» (رساله اول به قرنیتان فصل ۱۵ آیه ۲۲) و مشخص می کند که قیامت عمومی کی خواهد بود: «هنگام آمدن او» (رساله اول به قرنیتان فصل ۱۵ آیه ۲۳). سپس با مقایسه آن دو «آدم» ادامه می دهد (رساله اول به قرنیتان فصل ۱۵ آیه های ۴۵ تا ۴۹). اولین انسان از خاک ساخته شد، ولی انسان آسمانی از آسمان بود و اینچنین او ما را دگرگون خواهد کرد. معنی آن در توضیح آنچه در ظهور دوباره مسیح روی می دهد تشریح شده است «زیرا شیپور به صدا در خواهد آمد و مردگان در فسادناپذیری برخوانند خاست و ما دگرگونه خواهیم شد. زیرا این بدن فساد پذیر باید فسادناپذیری را بپوشد و این بدن فانی باید به بقا آراسته شود» (رساله اول به قرنیتان فصل ۱۵ آیه های ۵۲ و ۵۳).

اگرچه ابتدا آدم برای زندگی ابدی آفریده شد، نسل انسان بزودی رو به زوال گذاشت تا جایی که فقط برای یک مدت کوتاه نسبی زندگی کند. اگر بناست حیات ابدی را به ارث می بریم، برای همیشه ماندگار خواهیم بود و همان چیزی است که به ما داده خواهد شد.

رساله اول به قرنیتان فصل ۱۵ آیه های ۲۳ تا ۲۶ را بخوانید. هرچند در نبرد بزرگ غرق شده ایم و اگر چه به نظر نیروهای مرگ، شرارت و ناپاکی به دنیا چیره می شوند، این آیه ها در مورد اینکه چطور نبرد بزرگ به پایان می رسد به ما چه می گویند؟ شخصاً چطور می توانیم آن سوی چیزی که می بینیم نگاه کنیم و درک کنیم که این وعده ها برای ما شخصاً چه مفهومی دارند؟

اندیشه ای فراتر:

«نه فقط انسان بلکه زمین نیز بواسطه گناه تحت کنترل شیطان قرار گرفته و قرار بود که توسط نقشه نجات به حالت اول بازگردد. در آفرینش زمین تحت حاکمیت آدم قرار گرفته بود. اما با تسلیم به امتحان تحت قدرت شیطان درآمد و سلطنتی که در اختیار داشت به فاتحش انتقال یافت. بنابراین شیطان 'خدای این جهان' شد. او آن سلطنت را که در اصل به آدم سپرده شده بود غصب کرده بود. اما مسیح، با قربانی کردن خود کفاره گناه را پرداخت، نه تنها انسان را نجات داد، بلکه مالکیتی که از آن محروم شده بود را دوباره به دست آورد. تمام آنچه بوسیله اولین انسان از دست رفت توسط دومی بازگردانده می شود.» - الن جی هوایت، The Signs of the Times، ۴ نوامبر ۱۹۰۸. اگرچه ساده است آنگونه که ما به اطراف دنیا می نگریم، تا این حقیقت اساسی که شیطان شکست خورده است و اینکه «زمان او کوتاه است» را فراموش نکنیم (مکاشفه فصل ۱۲ آیه ۱۲). شرارت، مرگ و رنج در این جهان شایع شده است، با اینحال به ما وعده داده شده است که بخاطر آنچه مسیح انجام داده است تمام این ها قلع و قمع خواهند شد. همچنین اگر تا به حال برایمان روشن نیست، ولی باید بشود: این ها بواسطه هر آنچه که ما به عنوان انسان انجام می دهیم از ریشه کنده نخواهند شد، مگر که بطور کامل دنیا و تمام زندگی بر روی آن را نابود کنیم که مطمئناً چنانچه به اندازه کافی زمان داشته باشیم و خدا جلوی ما را نگیرد این کار را خواهیم کرد. تنها مداخله فوق طبیعی خدا دگرگونی های وعده داده شده را برای ما به ارمغان خواهد آورد. ما به طور حتم خود نمی توانیم از پس مشکلات برآییم.

پرسش هایی برای بحث:

۱. "گر چه کلیسا ضعیف و معیوب است و دائماً احتیاج دارد که مورد اخطار و مشورت قرار گیرد، با وجود این کلیسا مورد احترام عالی مسیح است. او تجربه های فیض را در دل های انسان خلق می کند و چنان تغییر سیرتی را باعث می شود که فرشتگان را شگفت زده می کند و شادی شان را در سرودهای نیایشی نشان می دهند. ایشان از فکر اینکه انسان گناهکار و خطا کار می تواند اینچنین تغییر شکل بدهد شادمانی می کنند." الن جی هوایت،

"The Signal of Advance," The Advent Review and Sabbath Herald –
January 20, 1903.

به چه روش هایی بواسطه آنچه عیسی برای ما و در ما انجام می دهد ما تغییر می یابیم؟
۲. ما وجود نبرد بزرگ را چگونه درون کلیسا چه در سطح محلی و یا در کل می بینیم؟ چه مسائلی در جدا کردن ما، در تضعیف ما، در بازداشتن ما از آنچه برای انجام آن ها فراخوانده شده ایم وجود دارند؟ چطور می توانیم باعث شفا و اتحاد بشویم وقتی که افراد بر سر نکاتی که ممکن است معتقد باشیم که حیاتی هستند موافق نیستند؟

پطرس در مورد نبرد بزرگ



بعد از ظهر شنبه

برای مطالعه این هفته: رساله اول پطرس فصل ۲ آیه های ۹ و ۱۰؛ تثنیه فصل ۱۴ آیه ۲؛ رساله اول پطرس فصل ۴ آیه های یک تا ۷؛ رساله دوم پطرس فصل ۱ آیه های ۱۶ تا ۲۱؛ رساله دوم پطرس فصل ۳ آیه های ۳ تا ۱۴؛ دانیال فصل ۲ آیه های ۳۴ و ۳۵ را بخوانید.

آیه حفظی: «لکن شما قبیله برگزیده و کهانت ملوکانه و امت مقدس و قومی که ملک خاص خدا باشد هستید، تا فضایل او را که شما را از ظلمت به نور عجیب خود خوانده است، اعلام نمائید.» (رساله اول پطرس فصل ۲ آیه ۹).

پطرس به وفور در خصوص نبرد بزرگ می نویسد. شاید به خاطر اینکه او بهتر از هر کسی می دانست چقدر گرفتار شدن به حيله های شیطان آسان است. برای همین هم به واقعی بودن این کشمکش بسیار حساس بود. با این وجود پطرس نوشت: «هشیار و بیدار باشید زیرا که دشمن شما ابلیس مانند شیر غران گردش می کند و کسی را می طلبد تا ببلعد.» (رساله اول پطرس فصل ۵ آیه ۸). پطرس شکل گرفتن منازعات را به روشهای متفاوت می بیند. او منازعه در حال وقوع در کلیسا توسط کسانی که زمانی دوست و هم صحبت ایمانداران بودند ولی اکنون نسبت به خدا و هر نقطه نظر بازگشت مسیح بدگمان و تحقیرآمیز هستند را می بیند. او بطور جدی و با قدرت بر علیه مسخره کنندگان سخن می گوید زیرا اگر ایمان به وعده بازگشت مسیح از دست برود چه امیدی باقی خواهد ماند؟ از طرف دیگر شاید پطرس متأثر از تقصیر های خود اینچنین با قطعیت ایمان را تصدیق می نماید. او خوب می داند استهزا کردن و انکار نمودن و تلاش برای مخفی شدن در انبوه جمعیت تا بخاطر پیروی از عیسی بدست دیگران محکوم نشوی مثل چیست. برای همین او بر اینکه ایمانداران باید زندگی در خور و سزاوار با دعوت آسمانی و انتخاب خود در خداوند داشته باشند اصرار می ورزد.

*درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۲ مارس آماده شوید.

از ظلمت به نور

رساله اول پطرس فصل ۲ آیه های ۹ و ۱۰ را بخوانید. واقعیت نبرد بزرگ در این دو آیه چگونه به نظر می آیند؟

این آیه ها از سفر خروج فصل ۱۹ آیه ۶، «مملکت گهنة و امت مقدس» و از تثئیه فصل ۷ آیه ۶ (در تثئیه فصل ۱۴ آیه ۲ تکرار می شود) «قوم مقدس»، «برگزیده است تا قوم مخصوص برای خود او باشی» و «قوم مخصوص» می آیند. البته این تعهدها در طول سفر خروج داده شدند، آن هنگام که قوم خدا از بردگی آزاد شد و در راه منتهی به سرزمین وعده داده شده در حرکت بود. پطرس شباهتی را بین قوم خدا در سفر خروج و کلیسا در دوران خودش می دید.

پس کلمات پطرس توصیف کننده محصول نهایی نیستند بلکه در عوض توصیف کار در جریانند. آری ما توسط خدا برگزیده و انتخاب شده بودیم و باید آشکارا او را برای بیرون کشیدن مان از تاریکی که شیطان دنیا را در آن غرق نموده است شکرگزار باشیم. ولی این موضوع سبب کامل شدن ما نمی شود یا بدین معنی نیست که ما به نحوی به مقصد رسیده ایم (رساله به فیلیپیان فصل ۳ آیه ۱۲ را ببینید). بر عکس آگاهی از گناهکاری و نقایص خودمان جنبه ای حیاتی از معنای واقعی پیروی از عیسی و تشخیص نیاز برای عدالت او در زندگی هایمان می باشد.

هر انسان گناهکاری باید بدین نحو نزد مسیح بیاید. «ما را نه به سبب اعمال نیکویی که کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود نجات بخشید.» (رساله به تیطس فصل ۳ آیه ۵). زمانی که شیطان به شما می گوید که شما گناهکار هستید و نمی توانید برکات خدا را دریافت کنید، به او بگویید که مسیح به این جهان آمد تا گناهکاران را نجات بخشد. ما نمی توانیم خود را در حضور خدا شایسته و مقبول سازیم؛ درخواستی که اکنون و برای همیشه مصرانه ارائه می نماییم وضع کاملاً نا امید ماست که قدرت نجات بخش او را احتیاج ما می گرداند. با انکار اتکای به نفس می توانیم به صلیب جلجتا نگریسته، بگوییم، «بهایی در دست بهر پرداخت ندارم؛/ چاره در توسل به صلیب تو دارم.» - الن جی هوایت، آرزوی اعصار، صفحه ۲۹۷.

تنها راه مطمئنی که می دانیم ما «از ظلمت به نور عجیب او» دعوت شده ایم (اول پطرس فصل ۲ آیه ۹) آگاهی از مقدار وابستگی مان به مسیح می باشد، کسی که از جانب خدا برای ما حکمت، عدالت، پاکی و آزادی شده است. (رساله اول به قرنتیان فصل ۱ آیه ۳۰).

چه چیز از ذهن تان می گذرد زمانی که بخاطر کردار و حتی سیرت خود احساس در هم شکستگی و نا امیدی می کنید؟ هنگامی که این افکار به سراغ تان می آیند با آنها چگونه مقابله می کنید؟ چگونه این لحظات را می توان به برتری روحانی خود تبدیل نمود؟

۷ مارس

دوشنبه

تحت فشار هم قطاران

رساله اول پطرس فصل ۴ آیه های ۱ تا ۷ را بخوانید. چرا انتخابهای شیوه زندگی اهمیت دارند و چگونه آمادگی مان را برای بازگشت مسیح تحت تأثیر قرار می دهند؟

پطرس توضیح می دهد که ایمانداران به اندازه کافی زندگی خود را صرف کارهایی که اطرافیان آنها را مجبور به انجام می کنند کرده اند (رساله اول پطرس فصل ۴ آیه ۳). ولی اکنون همه چیز تغییر کرده است و ایمانداران ممکن است بخاطر شرکت نکردن در جمع «عجیب» به نظر بیایند، شاید موجب انتشار غیبت کینه توزانه ای درباره آنها شود (رساله اول پطرس فصل ۴ آیه ۳). بدین ترتیب شیطان حتی از دوستان سابق برای دلسرد کردن ما در همراهی با خدا استفاده خواهد نمود.

پطرس ایمانداران را تشویق می کند تا از این حمله ها وحشت نکنند. «غیر یهودیان» باید به خدا همان داور یکتا حساب خودشان را پس بدهند، پس درباره آنچه می اندیشند جای نگرانی نیست (رساله اول پطرس فصل ۴ آیه ۵).

نکته ارائه شده توسط او حیاتی است. چند نفر را می شناسید که به فشار خواسته های دیگران به جای پایبندی به اعتقادشان تسلیم شده اند؟ این موضوع بخصوص برای جوانان دشوار است چرا که با چیزی به نام «فشار هم قطاران» در حال مقابله هستند.

به جای اینکه نگران پذیرش بوسیله دیگران باشیم و از ایده ها، تقاضاها و انتظارات شان از ما پیروی کنیم، پطرس ایمانداران را نصیحت می کند تا با کسانی که تماس می گیریم مهربان و با محبت باشیم (رساله اول پطرس فصل ۴ آیه های ۸ و ۹). این موضوع فقط وظیفه دیگری را به فهرست وظایف مسیحی مان نمی افزاید بلکه مهمترین کار برای انجام دادن و مهمترین روش برای ارتباط برقرار کردن با اطرافیان مان باید باشد. شاید به همین دلیل پطرس پیشنهاد می کند تا در دعاهایمان جدی باشیم (رساله اول پطرس فصل ۴ آیه ۷)، چون خدا آگاه است که بعضی وقتها ما می توانیم در جلب رضایت «غریبه ها» نسبت به محبت و مهربانی با نزدیکان مان بیشتر جدی باشیم. نه تنها نیاز است که برایشان دعا کنیم بلکه به

خدا اجازه دهیم تا ما را نسبت به نگرانی هایشان حساس تر نماید. بعنوان «نسل ملوکانه و کهانت مقدس»، ما خوانده شدیم تا آنها را بسوی نیکی سوق دهیم نه اینکه به آنها اجازه دهیم تا ما را بسوی زشتی راهنمایی کنند. تاریخ مصیبت بار اسرائیل به همین شکل بود: به جای اینکه بت پرستان تحت تأثیر خوبی قوم اسرائیل قرار بگیرند بالعکس آنها قوم را تحت تأثیر شرارت قرار دادند.

با چه نوع تأثیرپذیری از هم قطاران درگیر هستید؟ چگونه می توانید در برابر آن مقاومت کنید؟ از چه طریقی این کلام «بدی را به نیکویی مغلوب ساز» (رساله به رومیان فصل ۱۲ آیه ۲۱) شایسته اینچنین وضعیت هایی می باشد؟

۸ مارس

سه شنبه

کلام مطمئن تر انبیاء

رساله دوم پطرس فصل ۱ آیه های ۱۶ تا ۲۱ را بخوانید. در رابطه با نبوتی که اینچنین مهم است چه می گوید؟

پطرس چیزهای زیادی را در دوراناش به چشم دیده بود و به برخی از آنها در این نقل قول اشاره می نماید: تجلی عیسی بر فراز کوه (رساله دوم پطرس فصل ۱ آیه ۱۸) و تصدیق نبوت ها درباره او (رساله دوم پطرس فصل ۱ آیه ۱۹). هر یک از این ها پطرس را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده بود؛ ولی او زمان بیشتری را بر آخرین نکته یعنی نبوت ها صرف می کند. این موضوع ممکن است به شکست هایش بعنوان یک حواری ربط داشته باشد. چندین بار پطرس چون فکر می کرد آنچه که گفته می شود به نقد می داند به سخنان عیسی توجهی نکرد؟ چند بار عیسی از نحوه رفتار پیش روی رؤسای کهنه در اورشلیم گفته بود؛ ولی وقتی امور دقیقاً همانطور که عیسی گفته بود رخ دادند پطرس در چندین مورد متفاوت بدون آمادگی غافلگیر شد؟ بطور حتم دردآور ترین این «شکست ها» زمانی بود که عیسی پیش بینی کرد پطرس او را انکار خواهد نمود. پطرس از اینکه چنین اتفاقی هرگز نخواهد افتاد بسیار مطمئن بود، ولی وقتی چنین شد باید بدترین مرحله زندگی اش بوده باشد.

شاید به همین خاطر پطرس متعهد شد تا پیرو با ایمان عیسی بودن را توضیح دهد. او «وعده های بینهایت عظیم» و پرازش را به پیروان یادآور می شود تا آنها بجای اسیران «فساد شهوت در جهان شدن» به این طریق «شریک طبیعت الهی» گردند (رساله دوم پطرس

فصل ۱ آیه ۴). برای اطمینان از اینکه ایمانداران برآستی از فساد خلاصی یافته اند او تعدادی از خصوصیت های به هم پیوسته ای که نحوه زندگی مسیحی را توصیف می کند فهرست می کند: ایمان، فضیلت، معرفت، پرهیزکاری، بردباری، خداشناسی، دوستی و محبت برادرانه (رساله دوم پطرس فصل ۱ آیه های ۵ تا ۸). هر یک بر روی دیگری بنا شده و همراه با هم یک واحد یکپارچه را تشکیل می دهند. پولس همین خصوصیات را به جای این که «ثمره ها» بخواند «ثمره» نامید (رساله به غلاطیان فصل ۵ آیه های ۲۲ و ۲۳) چرا که واحدی جدا نشدنی را تشکیل می دهند.

پطرس در ادامه می گوید که ایمانداران اگر این ارزش ها را بخشی از زندگی شان قرار دهند هرگز نخواهند لغزید و از آنها خواست تا با جدیت «دعوت و برگزیدگی خود» را ثابت نمایند (رساله دوم پطرس فصل ۱ آیه ۱۰).

به یاد داشته باشید که روی سخن رساله پطرس با اعضای کلیسای در ایمان ثابت شده می باشد. مطمئناً پیشنهاد او این نیست که عمل کردن مطابق با چنین بسته ویژه ای از ملزومات، بلیط ورود به آسمان را تضمین خواهد نمود. او طرز برخورد متداول و رفتارهای آن دوران را بطور ساده مقایسه کرده و مسیحیان را به چالش می کشد تا انرژی خود را بجای کارهای منفی صرف کارهای مثبت نمایند.

چهارشنبه

۹ مارس

مسخره کنندگان

رساله دوم پطرس فصل ۳ آیه های ۳ تا ۷ را بخوانید. پطرس در این آیه ها درباره گذشته که می تواند به ما در مقابله با مشکلات امروز و آینده یاری رساند چه می گوید؟

به نظر می رسد جنگ بین نور و ظلمت، بین پیروان عیسی و ترویج دهندگان شرارت به اوج خود نزدیک شده است. شیطان مانند شیر غران در جستجوی خوراک بعدی خود می باشد (رساله اول پطرس فصل ۵ آیه ۸) که توسط گروه مسخره کننده پشتیبانی می شود. این مسخره کنندگان با مباحثه های «علمی» و «عقلانی» خود (رساله دوم پطرس فصل ۳ آیه های ۳ و ۴) می کوشند ایمان ایمانداران را خنثی کنند. پطرس می گوید آنچه آنها را تحریک می کند آرزوی آنها برای ادامه زندگی شهوانی خود است (رساله دوم پطرس فصل ۳ آیه ۳؛ همچنین رساله یهودا آیه ۱۸). آنها می گویند که عیسی بر نمی گردد زیرا همه چیز به همان شکلی که از ابتدا بود باقی است.

یک چیز نگران کننده درباره این تمسخر وجود دارد. عیسی گفت، «باز می آیم» (یوحنا فصل ۱۴ آیه های ۱ تا ۳) ولی این مسخره کنندگان در عوض می گویند «عیسی باز نخواهد آمد» (رساله دوم پطرس فصل ۳ آیه ۴). این انعکاس از باغ عدن می باشد آنجا که خدا گفت،

«از درخت معرفت نیک و بد زنه‌ار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی هر آینه خواهی مرد» (سفر پیدایش فصل ۲ آیه ۱۷). اما شیطان از طریق مار گفت، «هر آینه نخواهید مرد» (سفر پیدایش فصل ۳ آیه ۴). مخالفت مستقیم با کلام خدا در آن زمان، اکنون نه بشکل تک صدای باغ عدن بلکه با گروهی از صداها در همه جا تکرار می شود. یکی از ویژگی های نجات دهنده این دروغ همان است که پطرس پیش گویی نمود. هر وقت که می شنویم شخصی ایده بازگشت عیسی را مسخره می کند، خود آنها به یکی دیگر از نبوت های تحقق یافته تبدیل می گردند.

هر چند تاریخ نابودی گذشته حیات در زمین بوسیله یک طوفان مصیبت بار را تأیید کرده است، ولی مسخره کنندگان نمی خواهند آن را قبول کنند. آنها نمی خواهند بپذیرند که خدا کاری به انتخابهای زندگی شخصی آنها ندارد. آنها همچنین می خواهند این حقیقت را انکار کنند که همان خدایی که آب را برای غرق کردن زمین ذخیره نمود به همان شکل آتش را برای نابودی زمین در روز بزرگ داوری ذخیره کرده است (رساله دوم پطرس فصل ۳ آیه های ۵ تا ۷). امید نادرست شان این است که طبیعت به همان شکل که بوده به کار خود ادامه می دهد.

چگونه با گذر زمان به وعده بازگشت دوباره وفادار بمانیم؟ چرا انجام این کار امری حیاتی است؟

۱۰ مارس

پنجشنبه

شتاباندن آن روز

اگر چه انتظار بازگشت دوباره مسیح برایمان به نظر پایان ناپذیر می نماید، ولی زمان برای خدا مسئله ای نگران کننده نیست. «یک روز نزد خدا چون هزار سال است و هزار سال چون یک روز» (رساله دوم پطرس فصل ۳ آیه ۸). در سراسر کتب مقدس زمان آخر همیشه نزدیک است، خواه روز خداوند در عهد قدیم باشد خواه بازگشت مسیح در عهد جدید.

رساله دوم پطرس فصل ۳ آیه های ۸ تا ۱۴ را بخوانید. امید دراز مدتی که به ما داده شده چیست؟ دانیال فصل ۲ آیه های ۳۴، ۳۵ و ۴۴ را نیز بخوانید.

نبوت های اصیل به روشنی به ما می گویند که برای میزان ادامه شرارت و صبری که خدا خواهد داشت حد و اندازه وجود دارد. خدا در نبوت هاست که راه حل خود برای پایان دادن به گناه و رنج و بازگرداندن زمین به کمال اصیلش را ترسیم می کند.

نحوه دیدن پایان همه چیز، همانطور که می دانیم بر نحوه زندگی ما تأثیر خواهد گذاشت (رساله دوم پطرس فصل ۳ آیه ۱۲). اگر توسط این ایده که خدا جهان کوچک مان را آشفته خواهد ساخت تهرّد کنیم، پس ما به بدگمانی میل کرده و به مسخره کنندگان ملحق می شویم. اگر از سوی دیگر او را بعنوان خدایی بخشنده ببینیم که سرانجام مداخله می کند تا فساد منفور و سوءاستفاده های حقوق بشری بسیار فراوان اطراف مان را تمیز نماید، آنگاه با اطمینان می توانیم «منتظر آسمان های جدید و زمین جدید باشیم که در آنها عدالت ساکن خواهد بود» (آیه ۱۳).

یکبار دیگر پطرس نگرانی خود را درباره طرز فکر و سلوک شخصی مان بیان می کند. او ما را تشویق به «سخت کوش بودن» و «پاک و بی عیب بودن» می نماید (رساله دوم پطرس فصل ۳ آیه ۱۴). اگر این تشویق برای آیه بعدی نبود ما شاید فکر کنیم که پطرس عدالت به «اعمال» را ترویج می نماید اما او این سوء تفاهم امکان پذیر را با این تعبیر تصحیح می کند، «صبر و حوصله ی خداوند نجات است» و کلام نوشته شده ی پولس به همان ایمانداران را تأیید می نماید (آیه ۱۵).

بی عیب بودن هدف ماست، به همان شکل که ایوب توصیف شد؛ بی عیب چون او «خدا ترس بود و از بدی اجتناب می نمود» (ایوب فصل ۱ آیه ۱). این همان طریقی است که مسیح ما را به حضور خدا عرضه خواهد نمود (رساله اول به قرنتیان فصل ۱ آیه ۸؛ رساله به کولسیان فصل ۱ آیه ۲۲، رساله اول به تسالونیکیان فصل ۳ آیه ۱۳، فصل ۵ آیه ۲۳). بی عیب بودن؟ این همان چیزی است که بره ی قربانی باید باشد (برای مثال، سفر خروج فصل ۱۲ آیه ۵، سفر لایویان فصل ۱ آیه ۳)، آنچه عیسی بود (رساله به عبرانیان فصل ۹ آیه ۱۴، رساله اول پطرس فصل ۱ آیه ۱۹) و آنطور که او کلیسا را برای پدر عرضه می کند (رساله به افسسیان فصل ۵ آیه ۲۷).

در تلاشمان برای غلبه بر گناه، رشد در ایمان و دوری از بدی و داشتن زندگی مقدس و «بی عیب»، چرا باید همیشه به عدالت عیسی که با ایمان به ما بخشیده شده اعتماد کنیم؟ زمانی که به آن وعده بی توجهی می کنیم چه اتفاقی می افتد؟

تمایلات نیز پیش از طوفان بیان می شد. «هم چنانکه زمان سپری می شد و هیچ تغییری در طبیعت ظاهر نمی شد، مردمی که دل‌هایشان از ترس لبریز شده بود، دوباره اطمینان خاطر می یافتند. آنان نیز مانند بسیاری از مردمان زمان ما، استدلال می کردند که طبیعت از خدای طبیعت بالاتر است و قوانین آن به قدری محکم بنیان شده است که خود خدا هم نمی تواند آنها را تغییر دهد. آنان چنین استدلال می کردند که اگر پیام نوح صحت داشته باشد، طبیعت از مسیر خود خارج خواهد شد، آنان پیام را در نظر مردم به عنوان یک توهم و فریب بزرگ معرفی کردند. این افراد اهانت به هشدار الهی را با انجام همان اعمالی که پیش از اعلام هشدار انجام داده بودند نشان دادند.... آنها ادعا می کردند که اگر در گفته های نوح حقیقت وجود داشت، مردان مشهور - حکیم، محتاط و دور اندیش - اهمیت آن را درک می نمودند.» - الن جی هوایت، شیوخ و انبیاء، صفحه ۶۳. امروز نیز «مردان بزرگ» همین چیزها را به ما می گویند: قوانین طبیعت محکم و دقیق هستند و همه چیز همانگونه است که در گذشته بود. تا اندازه ای این همان چیزی است که نظریه تکامل می گوید: زندگی بواسطه فرآیندهای طبیعی قابل توضیح حداقل در قاعده کلی رخ می دهد و از طریق عملکرد قانون های طبیعی که روزی علم آنها بطور کامل برایمان توضیح خواهد داد و همه بدون هیچ نیازی به خدا. «مردان بزرگ» در آن زمان اشتباه می کردند و امروزه نیز اشتباه می کنند. زمانی که پولس نوشت، «زیرا حکمت این جهان نزد خدا چهل و نادانی است» شکی نداشت (رساله اول به قرن‌تینان فصل ۳ آیه ۱۹). آن در دوره طوفان نوح و دوره پطرس بود و در دوره ما نیز می باشد.

پرسش‌هایی برای بحث:

۱. با وجود همه دلایلی که پطرس برای ایمان به عیسی داشت او همچنان بر «استحکام کلام انبیاء» تأکید ورزید. چرا نبوت برای ما این همه مهم است؟ نبوت چطور به اثبات اینکه عیسی در ظهور اول خود مسیح موعود بود کمک می کند؟ چه امیدی را به ما برای بازگشت دوباره او می دهد؟ با این حال چگونه می توانستیم بدون وجود نبوت دوباره وعده و امید بازگشت دوباره چیزی بفهمیم؟

۲. ما فکر می کنیم که تحت تأثیر هم قطاران قرار گرفتن فقط در دوران نوجوانی و جوانی اتفاق می افتد. اما این موضوع صحت ندارد، آیا اینطور نیست؟ همه می خواهیم مورد پسند و مقبول هم قطاران مان باشیم. با این حال اگر آنها ما را دوست داشته باشند فرصت بهتری برای شاهد خوب بودن داریم تا اینکه دوست مان نداشته باشند، اینطور نخواهد بود؟ در میل مان برای مقبول بودن در نظر دیگران، چگونه می توانیم در برابر سازش ایمان خود مقاومت کنیم؟ چرا انجام چنین سازش‌هایی از آنچه فکر می کنیم آسانتر است؟

کلیسای مبارز



بعد از ظهر شنبه

برای مطالعه این هفته: مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه های ۱ تا ۷، هوشع فصل ۲ آیه ۱۳، مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه های ۸ تا ۱۷ و فصل ۲ آیه های ۱۸ تا آیه ۶ فصل ۳، اشعیا فصل ۶۰ آیه ۱۴، مکاشفه یوحنا فصل ۳ آیه های ۱۴ تا ۲۲ را بخوانید.

آیه حفظی: «اینک بر در ایستاده می کوبم؛ اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند، به نزد او در خواهیم آمد و با وی شام خواهیم خورد و او نیز با من» (مکاشفه یوحنا فصل ۳ آیه ۲۰).

یوحنا آخرین فرد از ۱۲ حواری بود که مُرد. او علاوه بر نوشتن یک انجیل و رساله هایی که نام او را بر خود دارند مکاشفه را نوشت که به ما در درک نبرد بزرگ بسیار کمک می رساند. ولی اکنون فقط بر توصیف او از هفت کلیسا متمرکز خواهیم شد. ما آنها را از دید دریافت کنندگان اصلی مطالعه خواهیم نمود تا ما را در بدست آوردن اطلاعات هر چه بیشتر از کلام او توانایی ببخشد.

به وضوح عیسی خط مشی خاص خود برای هر کلیسا را ارائه می نماید. همه آنها نیازهایی دارند که او همه را برآورده می کند.

یکی از چالشهایی که این کلیساها از خود نشان دادند تلاش بر سر هویت شان بود، درست مانند امروز خود ما. آیا اعضای این کلیساها به وضوح با عیسی و دعوت او برای شهادت دادن به دنیای رو به نابودی در یک راستا قرار می گرفتند یا اینکه یک بام و دو هوایی هستند و سعی می کنند مانند مسیحیان به نظر برسند ولی در خفا با نیروهای ظلمت آسوده ترند؟ در حالی که ما خودمان را بعنوان آخرین کلیسا از این کلیساها می شناسیم، واضح خواهد بود که هر چقدر هم شرایط متفاوت باشند ولی از بسیاری جهات ما با برخی از همان چالش ها که کلیساها طی اعصار با آنها دست به گریبان بودند روبرو هستیم.

*درس این هفته را برای آمادگی روز شنبه، ۱۹ مارس مطالعه کنید.

کلیسای اِفْسُس

عیسی در مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۱، هفت ستاره در دست و خرامان در میان هفت چراغدان در حال گفتگو با کلیسای افسس به تصویر کشیده شده است. این نمادها به واقعیت های مهمی اشاره می کنند. چراغدان ها کلیساها و هفت ستاره فرشتگان مراقب کلیساها می باشند (مکاشفه یوحنا فصل ۱ آیه ۲۰). به عبارت دیگر ارتباطی نزدیک بین کلیساها و تخت خدا در آسمان وجود دارد. کلیساها نقش حیاتی برای بازی در نبرد بزرگ دارند.

مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه های ۱ تا ۷ را بخوانید. از چه راههایی می توانیم ایفای نقش نبرد بزرگ را در این آیه ها ببینیم؟

پیام به کلیسای افسس با توصیفی از سیرتش آغاز می گردد. عیسی کاملاً به نقاط قوت و ضعف آن آگاه است. او آنها را بخاطر اعمال ایشان، استقامت صبورانه شان و عدم پذیرش معلم های دروغگو در میان خود تحسین می نماید (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه های ۲، ۳، ۶)، هشدار می دهد که تعلیمات دروغ نباید در کلیسا پذیرفته گردد. به نظر می رسد کلیسای افسس که از ابتدا توسط خدا برای مبارزه در برابر ظلمت بکار گرفته شد، متحمل حمله متقابل شیطان شده است. آن به شکل رسولان دروغین آشکار گشت - پیروان نیکولائوس شاید یکی از هفت خادم اصلی کلیسا (اعمال رسولان فصل ۶ آیه ۵) ولی همان که از قرار معلوم جنبش جدایی طلب را تشکیل داد. هر آنچه که ارتداد شان بود عیسی از آن نفرت داشت (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۶).

مشکل کلیسای افسس این بود که «محبت نخستین» خود را ترک نموده بود (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۴). این بسیار مشابه با کلام انبیاء عهد قدیم است که ارتداد قوم اسرائیل را به فرد دنباله روی معشوقه های نامشروع شبیه می کرد (برای مثال، هوشع فصل ۲ آیه ۱۳).

موقعیت شاید نا امید کننده به نظر بیاید ولی عیسی در رهایی دادن چنین اوضاعی متخصص است. پیش از همه، او پیروان خود را تشویق می کند تا بخاطر آورند که از کجا افتاده اند و اعمال نخست را بجا بیاورند (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۵). این فراخوانی برای بازگرداندن ساعت به «دوران خوب گذشته» نیست؛ بلکه موضوع استفاده از تجربیات گذشته است تا راهنمای آینده آنها باشد.

«محبت نخستین خود را ترک کرده ای» (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۴). چرا انجام چنین کاری اینقدر آسان است؟ چه اتفاقی از لحاظ شخص و یا کلیسا می تواند محبت مان نسبت به خدا را سرد نماید؟ چطور اشتیاق و علاقه شدید خود را برای خدا حفظ کرده و شعله حقیقت او را درون خود برای سالهای متمادی روشن نگه داریم؟

۱۴ مارس

دوشنبه

کلیساهای اِسمیرنا و پِرخامس

عیسی برای کلیسای اِسمیرنا بعنوان «اول و آخر که مرده شد و زنده گشت» معرفی می شود (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۸؛ فصل ۱ آیه ۱۸ را ببینید). عیسی برای کلیسای پِرخامس کسی است که شمشیر دودمه تیز بر دندان هایش دارد (مکاشفه یوحنا فصل ۱ آیه ۱۶، فصل ۲ آیه ۱۲).

اهمیت راهی که عیسی برای هر یک از این دو کلیسا توصیف می کند چیست؟

مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه های ۸ تا ۱۷ را بخوانید. اعضای کلیسای اِسمیرنا بخاطر زحمتکش بودن خود نیز شناخته می شوند؛ ولی چیز زیادی برای اثبات آن ندارند شاید به خاطر وجود «کنیسه شیطان» در میان ایشان بود (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۹). به همین نحو اعضای کلیسای پِرخامس به نظر ایمان خود را انکار نمی کنند، با اینکه «تخت شیطان» در میان آنها می باشد (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۱۳). بنابراین واقعیت نبرد بزرگ در اینجا نیز دیده می شود.

کلیسای اِسمیرنا بخاطر دوران سخت پیش رو، به انضمام زندان رفتن و شاید حتی مرگ هشدار دریافت می کند (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۱۰). در پِرخامس شخصی به خاطر ایمانش کشته شده بود (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۱۳). لازم به ذکر است که دوران سختی، محدوده زمانی دارد؛ یعنی اجازه انجام چنین کاری فراتر از حد معین به شریر داده نخواهد شد (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۱۰).

مهم این است که خدا «بحث کمی» بر کلیسای پِرخامس دارد (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه های ۱۴ تا ۱۶). گویا آنها اشخاصی را در میان خود دارند که «به تعالیم بلعام و تعالیم نقولویان متمسکند» (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه های ۱۴ و ۱۵).

نیکولائوس و بلعام به نظر اصطلاحاتی مشابه می باشند؛ نیکولائوس کلمه ترکیبی یونانی است (نیکائو و لائوس) و یعنی 'کسی که بر مردم پیروز می گردد'. بلعام را می توان از دو کلمه عبری استخراج نمود - آم ('مردم') و بعال (اهل بلعا، 'برای نابودی' یا 'برای بلعیدن') یعنی 'تباهی انسانها'.

—Ranko Stefanovic, *Revelation of Jesus Christ: Commentary on the Book of Revelation* (Berrien Springs, Mich.: Andrews University Press, 2002), p. 111. عیسی به تمام کلیسا هشدار می دهد که اگر به ارتداد و کفر خود ادامه دهند، او شخصاً خواهد آمد و با شمشیر زبان خویش با ایشان جنگ خواهد نمود (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۱۶).

با وجود همه این هشدارها، عیسی به هر دو کلیسا تشویق بزرگی عطا می کند (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه های ۱۱، ۱۷).

مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه های ۱۴ و ۱۵ را بخوانید. این آیه ها در رابطه با این ایده که تعلیم بی اهمیت است چه برای گفتن به ما دارند؟ چرا این موضوع از بسیاری جهات اهمیت دارد؟

۱۵ مارس

سه شنبه

کلیساهای طیاتیرا و ساردس

مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۱۸ تا فصل ۳ آیه ۶ بخوانید. برخی از مشکلاتی که در این کلیساها اتفاق می افتند کدامند و از چه جهاتی ما بعنوان کلیسا و فرد با همین مشکلات دست به گریبان هستیم؟ از چه طریق نبرد بزرگ در این کشمکش ها آشکار می گردد؟

مقدمه عیسی به کلیسای طیاتیرا (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۱۸) سعی و تلاش افزاینده و دوره پیچیده ی قوم خدا را مشخص می نماید. تشابهات چشمان آتشین و پاهایی چون برنج صیقلی یا برنز فقط در مکاشفه یوحنا فصل ۱ آیه های ۱۴ و ۱۵ نیست بلکه در اصل در فصل ۱۰ کتاب دانیال وجود دارد آنجا که او فردی را می بیند که چشمانش مثل «شعله های آتش» و پاهایش «مثل برنج صیقلی» است. بعدها در زمان آخر مسیح برخواسته و قومش را نجات خواهد داد. زمانی که وضعیت برای قوم خدا تاریک باشد خود خدا مستقیماً دست بکار می شود تا کسانی که نامشان در کتاب حیات نوشته شده را نجات دهد (دانیال فصل ۱۲ آیه ۱).

عیسی بطور مشابه به کلیسای ساردس معرفی می شود، بعنوان کسی که هفت روح خدا و هفت ستاره را دارد (مکاشفه یوحنا فصل ۳ آیه ۱، فصل ۵ آیه ۶). در اینجا دوباره نجات دهنده را می بینیم که هم فعالانه پشت صحنه ها حضور دارد و هم از قدرت های آسمان استفاده می کند تا سلامت و ایمنی کلیسای خود را تضمین نماید.

توصیف این دو کلیسا بسیار با اهمیت است. با اینکه در طیاتیرا امور رو به بهبودی می رفت (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۱۹)، ولی آنها مانند قوم اسرائیل در زمان ملکه ایزابل بودند. بطور مشابه در ساردس مردم از لحاظ روحانی مرده بودند (مکاشفه یوحنا فصل ۳ آیه ۱).

با وجود همه این مسائل عیسی کلیساها را تشویق می نماید. او در طیاتیرا کسانی که 'عمق های شیطان را نفهمیده اند' را تصدیق نموده و آنها را تشویق می کند «... تا هنگام آمدن من تمسک جویند» (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه های ۲۴ و ۲۵). در ساردس نیز «عده ای» وجود دارند که «لباس خود را نجس نساخته اند» (مکاشفه یوحنا فصل ۳ آیه ۴).

بخاطر همین وفاداران ایمان است که عیسی برکت ویژه ای را وعده می دهد. او وعده می دهد تا به طیاتیرا «ستاره صبح» را ببخشد (مکاشفه یوحنا فصل ۲ آیه ۲۸)، که بعدها آن شخص را خود معرفی می کند (مکاشفه یوحنا فصل ۲۲ آیه ۱۶) و به ساردس وعده مکانی محفوظ در آسمان را می دهد و اینکه او نامشان را «در حضور پدر و فرشتگان او» اقرار خواهد نمود (مکاشفه یوحنا فصل ۳ آیه ۵).

«نگاه دار و توبه نما.» چه چیز برای نگه داشتن دارید و از چه چیزی لازم است توبه نمایید؟ چگونه این دو ایده بسیار به یکدیگر مربوط می شوند؟

۱۶ مارس

چهارشنبه

کلیسای فیلاذلفیه

مکاشفه یوحنا فصل ۳ آیه ۷ را بخوانید. از چه راه هایی عیسی به این کلیساها معرفی می شود؟ این توصیف ها درباره او به ما چه می گویند؟

کلیسا بخاطر حفظ کلام مسیح و انکار نکردن نام او ستایش می شود با اینکه قوت آنها به نظر بسیار ضعیف می باشد (مکاشفه یوحنا فصل ۳ آیه ۸). عیسی وعده می دهد که اعضای کنیسه شیطان بزودی خواهند آمد و به فیلاذلفیه ادای احترام خواهند نمود (آیه ۹). این شرح

حال از کتاب اشعیاء فصل ۶۰ آیه ۱۴ گرفته شده که به نشانه تسلیم به رو افتادن ستمگران قوم خدا را عیناً مخالف تمام رفتارهای ناگواری که آنها در گذشته به قوم خدا روا داشته اند توصیف می نماید. از این وعده شاید دریابیم که کنیسه شیطان زندگی را برای مسیحیان اولیه دشوار ساخته بود. همانطور که دیدیم برخی از کلیساهای پیشین با تعلیم دهندگان دروغین و مشکل ساز مبارزه می کردند - این یکی از راه هایی است که شیطان بر علیه کلیسا عمل می نماید. فیلاذلفیه به نظر همان کلیسایی است که در پایان خود را از این منشاء شرارت پاک می گرداند.

مکاشفه یوحنا فصل ۳ آیه ۱۰ را بخوانید. چگونه استقامت کلیسای فیلاذلفیه را درک می کنید؟ عیسی چگونه وعده داد تا به مصیبت هایشان پایان دهد؟ امروز این وعده چه معنایی برای ما دارد؟

مشهود به نظر می رسد که کلیسای فیلاذلفیه به اندازه کلیساهای پیشین دوران سخت و دشواری را پشت سر گذاشته بود، ولی نگرش آنها به نظر متفاوت بوده است. این اولین کلیسایی است که عیسی بطور ویژه به ضعف و عیبی که آنها نیاز به برطرف کردن آن داشته باشند اشاره ای ندارد. ایمان و همکاری شان با خدا قابل توجه بوده و توسط نجات دهنده قدردانی می شود، باز با وجود «اندک قوت» آنها (آیه ۸).

وعده ها به غالب شدگان این کلیسا شامل ستون هیکل خدا شدن است تا اینکه آنها دیگر به داخل و خارج شدن نیاز نداشته باشند (آیه ۱۲). با نام جدیدی که به آنها داده می شود، آنها کاملاً از آن خدا شناخته می شوند شاید به این خاطر که آنها قبلاً از هر جهت در زندگی های گذشته خویش با خدا شناخته شده بودند.

اگر شما همین الان بطور ناگهانی در آسمان بودید، چقدر خوب به آنجا تعلق پیدا می کردید؟

۱۷ مارس

پنجشنبه

کلیسای لائودیکه

لائودیکه چند توصیف از عیسی دریافت می کند: «آمین، شاهد امین و راستگو» و «ابتدای خلقت خدا» (مکاشفه یوحنا فصل ۳ آیه ۱۴). این توصیف ها جنبه های کلیدی از الوهیت مسیح هستند. «آمین» به کتاب اشعیاء فصل ۶۵ آیه ۱۶ اشاره می کند آنجا که کلمه «آمین» به «خدای حق» ترجمه می شود و به پیمان متصل می گردد. عیسی خدای پیمان نگهدارنده

بزرگ است، خدایی که وعده های خود درباره نجات و اصلاح را حفظ می نماید. عیسی نیز شاهدهی امین است تا قوم خود را درباره ماهیت واقعی خدا شهادت دهد (مکاشفه یوحنا فصل ۱ آیه ۵، فصل ۲۲ آیه ۱۶، یوحنا فصل ۱ آیه ۱۸، فصل ۱۴ آیه های ۸ تا ۱۰). او خالق نیز هست (رساله به کولسیان فصل ۱ آیه های ۱۶ و ۱۷).

مکاشفه یوحنا فصل ۳ آیه های ۱۴ تا ۲۲ را بخوانید. عیسی به این کلیساها می گوید چه کنند؟ امروز این کلمات برای ما چه مفهومی دارند؟

بعد از اینکه این آیه های نخست هویت عیسی را فاش می کنند، روشن ساختن هویت این کلیسا نیز واجب است. به عبارت دیگر تنها موقعی خود را برستی می توانیم بشناسیم که ابتدا خدا را بشناسیم. مردم این کلیسا تا آنجا خویش را فریب می دهند که وضعیت خود را عکس آنچه واقعاً هستند تصور نمودند (مکاشفه یوحنا فصل ۳ آیه ۱۷). آنگاه عیسی آنها را نصیحت می کند تا قدم های ضروری به منظور داشتن بینایی مشخص برای دیدن امور، همانطور که واقعاً هستند بردارند و همچنین به همان اندازه که باید تغییر کنند (آیه ۱۸). در غیر اینصورت داوری الهی در دو مرحله انجام می شود. نخست شاید به کمی تأدیب پدرانه قدیمی نیاز باشد (آیه ۱۹)؛ پس از آن امکان اینکه خدا «آنها را از دهان خود قی کند»، مانند مقداری آب گندیده (آیه ۱۶).

بزرگترین وعده ها به همین کلیسا که نزدیک به بیرون انداخته شدن از پیشگاه خداست داده می شود. عیسی می خواهد که با آنها شام بخورد (آیه ۲۰) - چیزی که فقط بین دوستان نزدیک اتفاق می افتد. سپس او به آنها وعده نشستن با او بر تخت خود را می دهد (آیه ۲۱). جالب این که پدیده در حال توسعه ی به سردی گراییدن و دور شدن قوم خدا در هفت کلیسا را می شود ردیابی کرد. چگونه این موضوع اتفاق افتاد؟ به نظر با اینکه پیروزی بدست آمده است ولی برخی از انسانها مصرانه به شریر و نیروهای تاریکی چسبیده اند. بدون شک هنگامی که در تاریخ این کلیساها کنکاش می کنیم نبرد بزرگ را که در آنجا مشخص شده و ابراز گردیده می توانیم ببینیم؛ و همینطور تا زمان بازگشت دوباره عیسی ادامه خواهد داشت.

۱۸ مارس

جمعه

اندیشه ای فراتر:

مطالعه پنج شنبه به الوهیت مسیح اشاره کرد. چرا این موضوع دارای اهمیت است؟ الن جی هوایت نوشت: «از آنجایی که شریعت الهی به اندازه خود خدا مقدس است، فقط کسی مشابه با خدا می توانست کفاره عصیان و سرپیچی از آن را بپردازد. هیچ کس بجز مسیح نمی توانست انسان ساقط در گناه را از لعن شریعت نجات داده و او را دوباره با آسمان هماهنگ

سازد. مسیح تقصیر و سرافکندگی گناه را بر خود خواهد گرفت - گناهی آنچنان کریه و زشت برای خدای مقدس که می بایست پدر و پسر را از یکدیگر جدا کند. مسیح به ژرفای پستی و بدبختی نزول خواهد کرد تا نسل انسان ساقط را نجات دهد.» - God's Amazing Grace, صفحه ۴۲.

این موضوع استدلال ساده ای دارد: شریعت به مانند خدا مقدس است؛ بنابراین فقط موجودی که مانند خدا مقدس باشد می تواند کفاره سرپیچی از شریعت را بپردازد. فرشتگان با وجود بی گناهی به اندازه خالق خود مقدس نیستند، برای اینکه چگونه چیزی که خلق شده می توانست به مانند خالق آن مقدس باشد؟ پس جای تعجب نیست که به دفعات کتاب مقدس، خدا بودن مسیح را تعلیم می دهد. قربانی شدن مسیح تا اندازه ای بر تقدس شریعت خدا متمرکز می یابد. آن بخاطر شریعت بود یا به صراحت بیشتر بخاطر سرپیچی از شریعت بود که عیسی - اگر قرار بود ما نجات پیدا کنیم - می بایست برای ما جان می داد. براستی که مقدار سختی گناه را می توان به بهترین شکل در قربانی سرمدی مورد نیاز برای کفاره آن مشاهده نمود؛ این سختی درباره تقدس خود شریعت حرف می زند. اگر شریعت به این اندازه مقدس است که فقط قربانی خود خدا می توانست مطالبات آنرا پاسخ بدهد پس ما تمام شواهد مورد نیازمان از اینکه چقدر شریعت عالی مرتبه است را داریم.

پرسشهایی برای بحث:

۱. در کلاس پاسخ خود درباره سؤال چهارشنبه را به بحث بگذارید. چه نتایجی از پاسخ هایتان بدست می آورید؟

۲. «هنگامی که اخیراً برای یافتن پیروان متواضع، عیسای فروتن و مهربان را جستجو کرده ام، ذهنم تمرین کافی داشته است.

«بسیاری از کسانی که ادعا می کنند منتظر بازگشت سریع مسیح می باشند با این دنیا هماهنگ می شوند و به جای تأیید خدا با اشتیاق بیشتری تحسین اطرافیان شان را مطالبه می کنند. آنها سرد و رسمی هستند مانند کلیسای ظاهرگرای آنها که مدت زمان کوتاهی است از آن جدا شده اند. کلمات نوشته شده به کلیسای لائودیکیه وضعیت آنها را بخوبی توصیف می نماید.»

- الن جی هوایت، (The Review and Herald)، ۱۰ ژوئن، ۱۹۸۵.

با وجود اینکه این کلمات بیشتر از ۱۵۰ سال قبل نوشته شدند، چرا آنها حتی امروز به این خوبی در مورد ما بکار برده می شوند؟ این موضوع در رابطه با اعتقادات غیر واقعی دوران اولیه کلیسا از اینکه به نوعی «دوران خوب گذشته» بودند به ما چه می گوید؟

نجات



بعد از ظهر شنبه

برای مطالعه این هفته: مکاشفه یوحنا فصل ۲۰ آیه های ۱ تا ۳، ارمیاء فصل ۴ آیه های ۲۳ تا ۲۶، رساله اول به قرنتیان فصل ۴ آیه ۵، مکاشفه یوحنا فصل ۲۰ آیه های ۷ تا ۱۵، رساله به فیلیپیان فصل ۲ آیه های ۹ تا ۱۱ و رساله دوم پطرس فصل ۳ آیه ۱۰ را بخوانید.

آیه حفظی: «و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد کرد؛ و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول درگذشت.» (مکاشفه یوحنا فصل ۲۱ آیه ۴).

مردم اغلب می پرسند که چرا اصلاً شرارت از ابتدا رخ داد؟ نکته مرکزی پاسخ آزادی است. آزادی واقعی، آزادی اخلاقی در بردارنده مخاطره است زیرا اگر اشخاص (یا موجودات) واقعاً آزاد هستند پس باید گزینه ای برای ارتکاب اشتباه نیز داشته باشند.

منصفانه به نظر می آید، ولی اینجاست که پرسش دوم مطرح می شود: پس چرا خدا آنها را در حین ارتکاب اشتباه از بین نبرد تا مابقی ما از نتایج وحشتناک سرپیچی و طغیان در امان باشیم؟ پاسخ از خاستگاه نبرد بزرگ بدست می آید. همانطور که این هفته خواهید دید، خداوند نوعی حکومت «باز» را اداره می کند، گر چه بیشتر امور درباره او و طریق های او اسرارآمیز هستند ولی او نبرد بزرگ را به طریقی حل خواهد کرد که برای همیشه همه پرسشها درباره از خودگذشتگی، مهربانی، عدالت، محبت و شریعت خود را پایان خواهد داد. در حقیقت به ما هزار سال داده خواهد شد تا به پاسخ ها دست پیدا کنیم، حداقل پاسخهای مربوط به سرنوشت گم شدگان (ما برای بقیه سؤالات ابدیت را خواهیم داشت). بعد از ظهور دوباره، نجات یافتگان همراه با مسیح برای هزار سال زندگی و حکمرانی خواهند کرد؛ و حتی باور نکردنی تر اینکه آنها نقشی فعال در داوری خواهند داشت. بیایید با هم نگاهی به گام های پایانی این نمایش بسیار طولانی نبرد بزرگ بیاندازیم.

*درس این هفته را برای آمادگی روز شنبه ۲۶ مارس مطالعه کنید.

در بند نهادن شیطان

آیه های ۱ تا ۳ فصل ۲۰ مکاشفه یوحنا را بخوانید. چه موضوع هایی در این آیه ها توصیف شده اند و چه امیدی را به ما ارائه می کنند؟

در بند نهادن یا در بند بودن به روش های متعددی در کتاب مقدس بکار برده می شوند. در ساده ترین سطح در ارتباط با زندانی بکار می رود. عیسی بسیاری را که بدست شیطان در بند نهاده شده بودند آزاد نمود. از این گذشته عمل در بند نهادن برای توصیف قدرتی که خدا بر علیه شریر به کلیسا می بخشد استفاده می شود، آن را سمبل و نماد داوری می سازد. هنگامی که جنایتکار خطرناکی دستگیر می شود، غل و زنجیر کردن او لازم و ضروری است. با این حال بیشتر اوقات زمانی که در کتاب مقدس مردم در بند نهاده می شوند، آنها را به سختی می توان جزو جنایتکاران قرار داد. یحیی تعمید دهنده به زندان انداخته شد چرا که پادشاه را به شرارت اخلاقی متهم کرد (متی فصل ۱۴ آیه های ۳ و ۴). عیسی در باغ (یوحنا فصل ۱۸ آیه ۱۲)، در محاکمه اش (آیه ۲۴) و در زمان مرگ (یوحنا فصل ۱۹ آیه ۴۰) به بند کشیده شد. پولس (اعمال رسولان فصل ۲۱ آیه ۳۳) و پطرس (اعمال رسولان فصل ۱۲ آیه ۶) هر دو به بند کشیده شدند.

عیسی نیز زمان زیادی را رو در رو با کسانی که بدست شیطان در بند نهاده شده بودند گذراند. شخصی در بند روح شریر با زنجیرهای گسیخته بر روی مچ دستها و پاهایش بود (مرقس فصل ۵ آیه های ۳ و ۴). قبل از اینکه عیسی او را از دیوها رهایی بخشد هیچ کس نمی توانست دیو را مهار نماید. عیسی زن پشت خمیده ای را ملاقات کرد و او را از بند رها نمود (لوقا فصل ۱۳ آیه های ۱۱، ۱۲ و ۱۶). او همچنین ایلعازر را از قبر و از کفن پوشش خود رهایی داد (یوحنا فصل ۱۱ آیه های ۴۳ و ۴۴). بعد از آن برآباً گرچه در بند بود ولی رهایی یافت تا عیسی و نه او مصلوب گردد (مرقس فصل ۱۵ آیه های ۷ تا ۱۵). در همه این نمونه ها می بینیم که شیطان یا تلاش می کند تا انسانها را با رنج و مصیبت اسیر کند یا اینکه بی گناهان را به منظور پیشرفت شرارت به بند می کشد. ولی عیسی را نیز می بینیم که زنجیرهای مرگ را در هم می شکند تا رهایی و آزادی را برای دنیای نا امید محبوس شیطان به ارمغان بیاورد. در پایان شیطان به بند کشیده می شود و به هاویه انداخته می شود (مکاشفه یوحنا فصل ۲۰ آیه های ۱ تا ۳).

همچنین بخشی از مأموریت عیسی برای آزادی در بند شدگان شیطان، در راستای قدرت بخشیدن به پیروان خود او بود. او به آنها اطمینان داد که شیطان («شخص زورآور») را می توان بست و خانه اش را غارت نمود (متی فصل ۱۲ آیه های ۲۶ تا ۲۹). به عبارت دیگر شیطان

در برابر مسیح و پیروان او قدرتی ندارد برای اینکه مسیح قوم خود را از زنجیرهای شیطان رها نموده است.

همانطور که پولس اظهار کرد «کلام خدا بسته نمی شود» (رساله دوم به تیموتائوس فصل ۲ آیه ۹). این همان وسیله ای است که عیسی توسط آن شیطان را ساکت کرد (متی فصل ۴ آیه های ۴، ۷ و ۱۰) و ما نیز می توانیم همین قدرت را برای مقاومت در برابر او بکار بگیریم.

چه وعده هایی را می توانید مطالبه کنید که شما را از هر زنجیری که شیطان می کوشد با آن شما را به بند بکشد آزاد نماید؟

۲۱ مارس

دوشنبه

پرسشهای با مضمون «چرا»

آیه های نخستین سفر پیدایش زمین را به عنوان «بایر و تهی» توصیف می کنند (سفر پیدایش فصل ۱ آیه ۲). همین سخن توسط ارمیاء برای توصیف زمین بعد از خرابی آن بواسطه هفت بلای پایانی و ظهور دوباره همراه با خرابی همه شهرهای زمین «با حضور خداوند» تکرار می شود (ارمیاء فصل ۴ آیه ۲۶). در توصیف ارمیاء، آدمی وجود ندارد (آیه ۲۵)؛ در توصیف یوحنا، شیطان قادر به گمراه کردن کسی نیست (مکاشفه یوحنا فصل ۲۰ آیه ۳).

اثرات جهانی و چشمگیر ظهور دوباره مسیح می توانند آنچه را که دارد در مکاشفه رخ می دهد توضیح دهند. نخست عیسی وعده بردن پیروان خود به مکانی را می دهد که او بخاطر حاضر کردن آن مجبور به ترک زمین شد (یوحنا فصل ۱۴ آیه های ۱ تا ۳). پولس شرح می دهد که آن پیروان شامل زنده ها و کسانی که از مردگان برخاسته بودند می شوند (رساله اول به تسالونیکیان فصل ۴ آیه های ۱۶ و ۱۷). یوحنا بیشتر در این خصوص توضیح می دهد: بعد از قیام اول در زمان ظهور دوباره سایر مردگان زنده نخواهند شد تا اینکه هزار سال به اتمام برسد (مکاشفه یوحنا فصل ۲۰ آیه ۵).

مکاشفه یوحنا فصل ۲۰ آیه ۴ را بخوانید. چه چیز دارد در این آیه توصیف می شود؟

«حق داوری به ایشان سپرده شد». چطور آنها می توانند بدون اطلاعات بیشتری نسبت به آنچه اکنون دارند داوری کنند؟ پیش از نابودی پایانی گناهکاران، به نجات یافتگان این فرصت داده می شود تا جواب بسیاری از پرسشهای با مضمون «چرا» خود را دریافت نمایند. شگفت آورتر اینکه نجات یافتگان حتی در داوری گم شدگان نقش خواهند داشت.

«آنها در اتحاد با مسیح گناهکاران را داوری می کنند، اعمال ایشان را با کتاب قانون یعنی کتاب مقدس می سنجند و برای هر یک از آنها با توجه به کردار انجام شده در جسم تصمیم می گیرند. سپس مقدار رنجی که گناهکاران باید بکشند با توجه به اعمال آنها اندازه گیری می شود؛ و نام ایشان در کتاب مرگ مکتوب می گردد.»

- الن جی هوایت، The Great Controversy، صفحه ۶۶۱.

در حین باز شدن کتاب سوابق، ما دفعات بیشماری را خواهیم دید که کماکان خدا با صدایی ملایم و کلمات پر مهر و محبت گم شدگان را دعوت می نماید. او چه صبورانه پافشاری می کند ولی صدای او مکرراً بوسیله صدای چیزهایی که دنیا بعنوان چیزهای خواستنی ارائه می دهد پوشیده می شود. او بی صدا انتظار کشید و در انتظار فرصتی بود تا بعنوان پرداخت کننده كفاره سِرمِدی بخاطر عطا کردن حیات به ایشان شناخته شود ولی در عوض آنها مرگ را برگزیدند. آیا در زندگی شما چیزی هست که شما را از شنیدن صدای او باز می دارد؟ او کماکان صبورانه منتظر شماست. حیات را انتخاب کنید.

رساله اول به قرن‌تینان فصل ۴ آیه ۵ را بخوانید. چه وعده ای در رابطه با بازگشت مسیح در اینجا به ما داده می شود؟ چطور می توانید با وجود پرسشهای بی پاسخ فراوانی که دارید به این وعده متکی باشید؟

۲۲ مارس

سه شنبه

داوری نهایی

در عصر کتاب مقدس دو مکان برای داوری وجود داشت: دروازه شهر و حضور تخت پادشاه. شیوخ و بزرگان بر در دروازه به همه مسائل کوچک رسیدگی می کردند در حالی که پادشاه مسئول رسیدگی به همه مشکلات بزرگ بود. کلام آخر برای اجرای عدالت از آن او بود. به همین نحو کتاب مقدس، خدا را نشسته بر تخت پادشاهی جهان به تصویر می کشد که تضمین می نماید تا عدالت در پایان جامه عمل بپوشد (مکاشفه یوحنا فصل ۲۰ آیه ۱۱ تا ۱۵).

مکاشفه یوحنا فصل ۲۰ آیه های ۷ تا ۱۵ را بخوانید. چگونه این رویدادهای با اهمیت را درک می کنیم؟

تمامی فصل ۲۰ مکاشفه یوحنا در مورد آن هزار سال است؛ بدین ترتیب آن داوری منحصر بفرد در این مدت زمان اتفاق می افتد. این همان صحنه ای نیست که در آیه ۴ توصیف می

شود آنجا که تخت های بسیاری وجود دارند زیرا در آیه ۱۱، فقط یک تخت وجود دارد. این واقعه به جای اینکه در ابتدای آن هزار سال رخ دهد در پایان آن یعنی بعد از رستاخیز دوم روی می دهد (مکاشفه یوحنا فصل ۲۰ آیه ۵) و بعد از اینکه شیطان سپاه نجات نیافتگان را متقاعد می کند تا شهر مقدس را محاصره نمایند (آیه های ۷ تا ۹) در همان لحظه تخت بزرگ سفید خدا بر بالای شهر دیده خواهد شد. هر کس که تا به حال متولد شده حضور دارد؛ برخی داخل شهر و دیگران بیرون از آن. این همان زمانی است که عیسی گفت، برخی از انسانها خواهند بود که از خدا دلیل راه نیافتن شان به ملکوت او را می پرسند (متی فصل ۷ آیه های ۲۲ و ۲۳). همچنین موقعی که پولس گفت، یک روز هر زانویی «از هر آنچه در آسمان و بر زمین و زیر زمین است خم خواهد شد و ... هر زبانی اقرار خواهد کرد که عیسی مسیح، خداوند است» (رساله به فیلیپیان فصل ۲ آیه های ۹ تا ۱۱).

هدف داوری تعلیم دادن چیزی به خدا نیست که او از پیش نمی داند، چرا که او همه چیز را می داند. هدف تضمین این است که همه دقیق بدانند چرا خدا به این روشی که دارد داوری کرده است. همه انسانها و همه فرشتگان قادر به گفتن این خواهند بود که، «تو در این داوری های عادل هستی، تویی آن قدّوس که هستی و بوده ای» (مکاشفه یوحنا فصل ۱۶ آیه ۵). آنان که نجات یافته اند و گم شدگان در میان انسانها و فرشتگان عدالت و انصاف خدا را خواهند دید.

آخرین اقدام در این داستان، نابودی «موت و عالم اموات» به اضافه هر که «در دفتر حیات مکتوب یافت نشد» می باشد (آیه های ۱۴ و ۱۵). کلیدهای موت و عالم اموات در دستان عیسی است (فصل ۱ آیه ۱۸). هیچ یک از اینها برای بیشتر زیستن دلیلی ندارند. آنها بجای مواجهه با عذاب ابدی آنطور که عامیانه تعلیم داده شده نابود می شوند. گم شدگان از وجود برای ابد قطع خواهند شد بر خلاف حیات ابدی.

چهارشنبه

۲۳ مارس

آسمانها و زمین جدید

گناه و سرپیچی مزاحم های ناخواسته بوده اند. هرگز قرار نبوده که اینجا باشند. آنها خرابی غیر قابل باوری را به بار آوردند ولی حال که دلیل این خرابی دیگر وجود ندارد زمان آن رسیده که همه چیز به حال اول خود برگردد. تا زمانی که این اتفاق نیافتد نبرد بزرگ به پایان نخواهد رسید.

مکاشفه فصل ۲۱ آیه های ۱، ۲، ۹، ۱۰؛ فصل ۲۲ آیه های ۱ تا ۳ را بخوانید. ویژگی های اصلی توصیف یوحنا چه هستند؟ معنای آنها چیست؟

هنگامی که یوحنا آسمان های جدید و زمین جدید را توصیف می نماید، در واقع گفته پطرس را تکرار می کند که گفت: «آسمانها با صدای عظیم ناپدید خواهند شد و عناصر سوخته شده از بین خواهند رفت» (رساله دوم پطرس فصل ۳ آیه ۱۰). همانطور که خیلی خوب می دانیم زمین به خیلی بیشتر از یک نوسازی نیاز شدید دارد. در اینجا همه چیز به منظور ساختن راهی برای یک موجودیت کامل جدید به کلی نابود خواهد شد.

یوحنا درباره وجود نداشتن دریا صحبت می کند (مکاشفه یوحنا فصل ۲۱ آیه ۱). او این را از جزیره (پَطمُس) نوشت آنجا که دریا از فرار او پیشگیری می کرد. حتی با قایق پیشرفته رسیدن به جزیره ای که یوحنا این کلمات را در آن نوشت ساعت ها طول خواهد کشید. در زمین تازه ساخته شده دیگر هیچ نوع مانعی نخواهد بود تا جلوی حرکت آزادانه نجات یافتگان یا ملاقات عزیزانشان را بگیرد.

اورشلیم جدید بسیار تماشایی خواهد بود. آن را از روی شهری از عصر کتاب مقدس توصیف می کنند چرا که این همه چیزی است که یوحنا می دانست. به هر حال تصور هنرمندی که آنرا با معماری قرن اول رومی تشبیه کرده در واقع بی سلیقگی بزرگی بیار آورده چرا که «معمار و سازنده آن شهر خداست» (رساله به عبرانیان فصل ۱۱ آیه ۱۰). ذهن های ما به سختی می توانند این توصیف ها را درک کنند. چقدر لذت بخش است که اجازه دهیم تصورمان به طرف آنچه در انتظارمان است متمرکز شود. همچنین ابعاد بزرگ شهر ما را آگاه می نماید که هیچ کمبود فضایی وجود نخواهد داشت. برای همه جا هست.

زیبایی دنیای طبیعی را بنگرید، حتی با وجود ویرانی های گناه، درباره سیرت خدا چه به ما می گوید. چطور آنچه که اکنون در اینجا می بینیم به ما کمک می کند تا به امید آنچه که هنوز ندیده ایم ایمان بیاوریم؟

۲۴ مارس

پنجشنبه

پایان اشک ریختن ها

مکاشفه یوحنا فصل ۲۱ آیه های ۳ تا ۵ را بخوانید. اشکها در اینجا به چه معناست؟

همه ما معنای گریه کردن را خوب می دانیم. همچنین با پاک کردن اشکها از چشمان یکدیگر آشنا هستیم: دلداری دادن یک مادر از روی دلسوزی و محبت به فرزندش؛ دلداری دادن رفیق شفیق به دوست خود؛ یا دلداری دادن یک خانواده به دیگری در بحبوحه اندوه و مصیبت. همچنین واقف هستیم که به همه اجازه لمس

صورت مان را می دهیم. پس مفهوم اینکه خدا صورت هایمان را لمس می کند چیست بجز اینکه ما رابطه ای صمیمانه با خالق خود داریم؟
تصور دنیای بدون مرگ، ماتم یا ناله سخت است. از زمان سقوط به بعد درد، مشقت، اشک ها و مرگ برای نسل بشر به چیزی عادی تبدیل شده اند (سفر پیدایش فصل ۳ آیه های ۱۶ تا ۱۹). ولی از آن زمان به بعد خدا به انسانها اطمینان داده که شکست و خرابی تنها چیزهای پیش روی آنها نیستند. خدا شاخص های کوچکی در بین راه عطا کرده است تا یک روز ما را نجات داده و با حضورش برکت ببخشد.

بنابراین خدا ابتدا با وعده یک نجات دهنده این کار را انجام می دهد (سفر پیدایش فصل ۳ آیه ۱۵)؛ و بعد با تعهد حضور خود در خیمه (سفر خروج فصل ۲۵ آیه ۸). آنگاه با واقعیت تجسد کلمه و میان ما ساکن شدن (یوحنا فصل ۱ آیه ۱۴)؛ و در آخر با قرار دادن تخت کائنات در میان ما (مکاشفه یوحنا فصل ۲۱ آیه ۳).
بسیاری از آیه های کتاب مقدس چکیده ای از این تعهد عهد را با استفاده از این کلمات ارائه می کنند، «من خدای ایشان خواهم بود»، «شما قوم من خواهید بود» و «من در میان شما ساکن خواهم شد.» بر ای نمونه می توان آورد: «من در میان ایشان ساکن خواهم بود و در میان شان راه خواهم رفت و من خدای ایشان خواهم بود و آنان قوم من خواهند بود» (رساله دوم به قرنتیان فصل ۶ آیه ۱۶).
عیسی بار نخست آمد تا اثرات تجاوز از عهد را خنثی کند. ارمیاء عواقب تجاوز از عهد را اینچنین توصیف می کند: «چرا درباره جراحت های خود فریاد می زنی؟ درد تو علاج ناپذیر است. بخاطر بی شماری عصیان و افزایش شرارت هایت این کارها را با تو کرده ام» (ارمیاء فصل ۳۰ آیه ۱۵). عیسی را شکر می کنیم که دیگر این مسئله به تاریخ پیوسته است. مکاشفه یوحنا فصل ۲۱ آیه ۳ در واقع به ما نقطه اوج کتاب مقدس را ارائه می دهد. گویا اشک ها همان چیزی هستند که ما بخاطر مرگ ابدی گم شدگان می ریزیم ولی خود خدا آنها را پاک می کند و ماتم و ناله و درد برای همیشه «از بین خواهند رفت».

این آیه ها صمیمیت با خدا را نشان می دهد هنگامی که ما در آسمان هستیم. ولی ما نباید تا آن موقع انتظار بکشیم تا چنین رابطه ای را با او داشته باشیم. چطور شما می توانید حتی حالا صمیمانه و دوستانه با خداوند راه بروید؟

اندیشه ای فراتر:

به آن هزار سال و پیرامون درک خودمان از آن بیندیشیم. با اینکه همه چیز را به ما نگفته اند ولی به اندازه کافی برای دانستن بعضی چیزها به ما گفته شده است. اول اینکه آن هزار سال قبل از نابودی نهایی گم شدگان اتفاق می افتد. دوم، قبل از آن نابودی نهایی، نجات یافتگان در این زمان پاسخ بسیاری از پرسشها را می یابند. آنچنان زیاد که خود آنها در انجام آن داوری سهیم می شوند. یعنی خود آنها داوری می کنند. «آیا نمی دانید که مقدسان، دنیا را داوری خواهند کرد؟» (رساله اول به قرن‌تین فصل ۶ آیه ۲)؛ و «آیا نمی دانید که فرشتگان را داوری خواهیم کرد؟» (آیه ۳). همچنین همانگونه که در این هفته می خوانیم، در طول این هزار سال «داوری به ایشان واگذار می شود» (مکاشفه یوحنا فصل ۲۰ آیه ۴)؛ یعنی مقدسان. بنابراین این دو نکته همراه هم حقیقت مهمی را آشکار می کنند: هیچ یک از هلاک شدگان تا بعد از آن هزار سال داوری نهایی نخواهند شد، تا آن زمان که نه تنها نجات یافتگان دلیل هلاکت گناهکاران را بفهمند بلکه در داوری در انتظار ایشان نقش داشته باشند. به آنچه که این موضوع درباره سیرت خدا و آزادی حکومت او به ما می گوید فکر کنید: پیش از اینکه حتی یک نفر با سرنوشت نهایی گم شدگان مواجه شود، قوم خدا کاملاً واضح عدالت و انصاف داوری نهایی او بر ایشان را خواهد دید. بطور حتم دردآور خواهد بود: ولی زمانی که به پایان می رسد همانطور که دیدیم ما فریاد خواهیم زد: «تو در داوری های خویش عادل هستی، تویی آن قدّوس که هستی و بوده ای» (مکاشفه یوحنا فصل ۱۶ آیه ۵).

پرسش هایی برای بحث:

۱. چگونه حقیقت نبرد بزرگ به ما کمک می کند تا دلیل وجود رنج و مرگ امروز را بهتر درک کنیم، حتی با اینکه بسیاری از پرسشها دشوار بدون پاسخ باقی می مانند؟
۲. اگر شخصی از شما بپرسد: «چگونه می توانم نزدیکتر و صمیمی تر با خداوند راه بروم؟» شما چه خواهید گفت؟
۳. بیشتر بر روی ایده ی هم اکنون آماده بودن برای آسمان فکر کنید. معنایش چیست؟ ما چگونه این ایده را زیر روشنایی مژده انجیل درک می کنیم؟
۴. برای کدام پرسشها دوست دارید پاسخ دریافت کنید؟ تا زمانی که پاسخ آنها پیدا شود چگونه یاد می گیرید تا به مهربانی و عدالت خدا در میان این همه مصیبت اعتماد کنید؟